# مناسک حج و احکام عمره



نویسنده: جعفر سبحانی تبریزی

بسم الله الرحمن الرحیم

# مناسک حج و احکام عمره: مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی


نویسنده:

جعفر سبحانی



ناشر چاپی:

موسسه امام صادق علیه السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# مناسک حج و احکام عمره: مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی

## مشخصات کتاب

سرشناسه : سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸ –

عنوان قراردادی : دعای روز عرفه

عنوان و نام پدیدآور : مناسک حج و احکام عمره: مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی / جعفر سبحانی.

مشخصات نشر : قم : موسسه امام صادق(ع)، ۱۴۲۸ ق. = ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.؛ ۱۲×۱۶/۵ س‌م.

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

موضوع : حج

موضوع : حج عمره

شناسه افزوده : موسسه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س۲۸م۸ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۴۴۹۲

## فهرست مطالب اهمیت و آثار سازندهٔ فریضه حج

### فصل اوّل: استطاعت شرعی برای حج



### فصل دوم: اقسام سه‌گانهٔ حج



### فصل سوم: احرام برای عمرهٔ تمتع



### فصل چهارم: واجبات احرام

### فصل پنجم: محرمات احرام



### فصل ششم: بقیه اعمال عمرهٔ تمتع

## فصل هفتم: اعمال حج تمتع

## فصل هشتم: اعمال مسجد الحرام



## فصل نهم: گذراندن شب در منی (بیتوته)



## فصل دهم: عمرهٔ مفرده



## فصل یازدهم: حج افراد و قران



## مسائل متفرقه



## ادعیه و آداب الحرمین

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

## اهمیت و آثار سازندهٔ فریضه حج

فریضهٔ حج، عمل عبادی و از ارکان دین به شمار می‌رود، و در تمام عمر یک بار بر انسان واجب می‌شود، و وجوب آن از ضروریات دین و منکر آن مرتدّ و تارک آن مستحقّ عقاب و عذاب الهی است، و کافی است که بدانیم اسلام عملی، بر پنج اصل اساسی استوار است: ۱. نماز، ۲. زکات، ۳. حج، ۴. صوم، ۵.
ولایت.

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: زائران خانهٔ خدا چه در حج و یا عمره مهمانان خدا هستند که اگر چیزی را درخواست کنند به آنان داده می‌شود، و اگر او را بخوانند اجابت می‌کند. اگر دربارهٔ کسی شفاعت کنند، شفاعت آنان پذیرفته می‌شود، و اگر چیزی از خدا نخواهند، خدا خود به آنان می‌بخشد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴

هدف از تشریع فریضه حج، دعوت به خضوع در برابر خداست و این مطلب با توجه به اعمال حج کاملا روشن و هویدا است.
عبادت و پرستش حق، و طرد پرستش غیر او، از نخستین اعمال آن گرفته تا آخرین عمل آن آشکار است، و نیازی به تذکر ندارد بالأخص اگر این اعمال با دعاهای مستحب، و اذکاری که پیرامون آنها وارد شده است توأم گردد، و از مجموع این اعمال چنین نتیجه گرفته می‌شود:

حج: عبادت و پرستش حق است، در بهترین و زیباترین صورت ممکن.

حج: خضوع در برابر خدای با عظمت است، در بهترین شکل.

حج: تضرع و زاری به درگاه حق است، در عمیق‌ترین نوع آن.

حج: عبادتی است که در آن همه نوع عناصر اظهار عبودیت و بندگی گرد آمده و خضوع و خشوع، تقوا و وارستگی از شهوات، و

بریدگی از دنیا، کاملا در آن به چشم می‌خورد.

زائران خانه خدا، با پوشیدن دو قطعه لباس، وارستگی خود را از مظاهر مادی به نمایش گذارده و چنین وانمود می‌کنند که جز خدا، همه چیز حتی فرزند، خانواده و میهن، همه و همه را به دست

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵

فراموشی سپرده‌اند و چیزی که محیط فکر زائر خانه خدا را مشغول می‌سازد، جز «لبیک گفتن به ندای خدای یگانه» چیزی دیگر نیست.

این مسأله با توجه به اعمال فریضه حج و اماکنی که این اعمال در آنجاها انجام می‌گیرد و مواقفی که باید زائر در آنجا توقف کند، کاملا واضح و روشن است از این جهت باید حج را از بزرگ‌ترین اعمال عبادی و فرائض مذهبی شمرد.

فلسفهٔ حج تنها در خودسازی منحصر نمی‌شود، هر چند خود آن، از ارزش والایی برخوردار است.

در انجام این فریضهٔ الهی، آثار سازنده و مصالح اجتماعی و دینی فراوانی است که امام صادق علیه السّلام در سخنان خود بدان اشاره نموده است.

«و جعل فیه الإجتماع من المشرق و المغرب لیتعارفوا و لتعرف آثار رسول اللّه و تعرف أخباره و لا- تنسی و لو کان کلّ قوم إنّما یتّکلون علی بلادهم و ما فیها هلکوا و خربت البلاد و سقط الجلب و الأرباح و عمیت الأخبار و لم یقفوا علی ذلک و ذلک علّة الحجّ». «۱»

«در سرزمین مکّه، اجتماعی از مردم مشرق و مغرب زمین پدید می‌آید تا یکدیگر را بشناسند و با آثار رسول خدا صلّی اللّه و علیه و اله و سلّم (تعالیم و

---

(۱). بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۳، نقل از علل الشرائع صدوق.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶

احادیث) آشنا شوند، و اگر هر گروهی به آنچه خود داشتند، اکتفا می‌کردند، نابود می‌شدند، و آبادی‌ها رو به ویرانی می‌نهاد و تجارت و بازرگانی به تباهی می‌گرایید. اخبار و گزارشها به دست مردم نمی‌رسید».

امام در این حدیث، به برخی از آثار ارزشمند حج اشاره می‌کند که تنها به بیان رؤوس آنها اکتفا می‌کنیم:

۱. شناخت مسلمانان از یکدیگر

۲. شناخت آثار و تعالیم رسول خدا صلّی اللّه و علیه و اله و سلّم

۳. بهره‌گیری از منافع اقتصادی حج، زیرا اگر هر کسی به آنچه که در اختیار دارد، اکتفا نماید، چرخ زندگی از حرکت می‌ایستد، و تبادل کالا و خدمات در میان اجتماعات مختلف، اساس زندگی است.

۴. تبادل اخبار و آگاهی‌ها، زیرا هر گروهی از نقطه‌ای در آنجا جمع شده و می‌توانند یکدیگر را از نقاط قوت و ضعف خودآگاه سازند.

*** فریضه حج، بسان فریضهٔ نماز، از مسائل فراوانی برخوردار است، و احاطه بر مسائل آن، نیاز به تلاش پیوسته‌ای دارد. زراره می‌گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم چهل سال

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷

است دربارهٔ حج از شما سؤال می‌کنم، شما هم پاسخ می‌دهید و هنوز مسائل آن به پایان نرسیده است. امام در پاسخ گفت: آیا خانه‌ای که پیش از آفرینش آدم، «مطاف ملائکه» بوده، می‌تواند مسائل آن در مدت چهل سال به پایان برسد؟ «۱»

از روایات زیادی استفاده می‌شود که حضرت باقر علیه السّلام و فرزند عزیزش حضرت صادق علیه السّلام آموزگاران امّت در مسائل حج بوده‌اند، تا آنجا که ابو حنیفه می گوید: «لو لا جعفر بن محمد ما علم النّاس مناسک حجّهم». «۲»

صحیح مسلم که یکی از صحاح شش گانه اهل سنّت است، پیرامون اعمال عمره و حجّ، حدیثی از امام صادق علیه السّلام نقل می کند حضرت در آن حدیث سرگذشت حج پیامبر صلّی اللّه و علیه و اله و سلّم را از آغاز حرکت از مدینه تا نزول آن حضرت به مکه و اعمالی که انجام داده به تفصیل یادآور می‌شود. «۳»

و اگر مسلمانان کار خود را در اعمال حج بر این حدیث که خاندان پیامبر از جدّ بزرگوارشان نقل کرده‌اند، استوار سازند، کمتر اختلافی رخ می‌دهد.

در سال ۱۳۳۴ که ملک سعود مهمان دولت ایران بود، مرحوم آیهٔ اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی (۱۲۹۲- ۱۳۸۰) این حدیث

---

(۱). وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۱، از ابواب وجوب حج، حدیث ۱۲.

(۲). من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹، کتاب حج، باب نوادر حج، شمارهٔ ۳۱۱۳.

(۳). صحیح مسلم، ج ۴، باب حجهٔ النبی، ص ۳۹- ۴۳.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸

را در پاسخ نامه‌ای که از طرف ملک ارسال شده بود، برای او فرستاد، و همراه این حدیث نامه‌ای نوشت و در آن تلویحا یادآور شد که عمل به این حدیث، مایهٔ نزدیکی مسلمانان به یکدیگر می‌باشد.

*** یادآور می‌شویم، مسائل حج، به خودی خود مشکلاتی دارد، زیرا «حج» عملی است مرکب از اجزای مختلف در مکان‌های گوناگون که برای نوع حجاج که در عمر یک بار به این سفر می‌روند با غرابت و سختی‌های مختلفی همراه است.

از این جهت، باید روحانیان کاروان‌ها، مسائل را با بیانی روشن و ساده مطرح کنند و از پیچیده گویی بپرهیزند و به ویژه از بازگویی برخی از فروع نادر که کمتر اتفاق می‌افتد، خودداری ورزند، مگر این که سؤال شود.

در این رساله، سعی شده است مسائل مورد ابتلا به زبان ساده و دور از اصطلاحات علمی بیان شود، مسلما مسائلی هم هست که در این رساله نیامده، و در صورت نیاز، می‌توان از طریق استفتا به دست آورد.

خداوند همگان را به اعمال نیک و پسندیده موفق گرداند و خلوص در عمل را، به همگان عطا فرماید.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

عمل به رسالهٔ شریفه مناسک حج و احکام عمره که مطابق با فتاوی این جانب است ان شاء اللّه تعالی مجزی است جعفر سبحانی ۱۴۲۸ ق

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹

## فصل اوّل استطاعت در حج

### اشاره

مسأله ۱. «حج» تحت شرایطی که بعدا بیان می‌شود، در عمر، یک بار واجب می‌شود و آن را «حجّهٔ الإسلام» می گویند، و شرط آن استطاعت است.

مسأله ۲. بر شخص مستطیع لازم است در نخستین سال استطاعت، حج را به جای آورد و تأخیر آن جایز نیست و اگر سال اوّل نرفت،

باید سال دوم برود و اگر نرفت در سال بعد.

مسأله ۳. هر گاه مکلّف استطاعت مالی پیدا کرد، باید به دنبال تهیهٔ مقدمات حج برود، مانند ثبت نام و دیگر اموری که رفتن به حج به آنها بستگی دارد، و اگر سعی و کوشش کرد و در سال اوّل نتوانست به حج برود و استطاعت بدنی و یا مالی او از بین رفت، در این صورت حج بر او واجب نشده است و در حال حاضر که مستطیع مالی باید چند سال در نوبت بماند، تا نوبت او برسد، احتیاطا به

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰

اندازه زمان انتظار صبر نماید و خود را از استطاعت نیندازد.

## شرایط وجوب حجة الإسلام

### اشاره

حجة الإسلام، با چند شرط واجب می‌شود:

### شرط اوّل و دوم: بلوغ و عقل

حج بر کودک و دیوانه هر چند استطاعت مالی داشته باشند، واجب نیست.

مسأله ۴. اگر غیر بالغ محرم شود حجّ او صحیح است، ولی از حجّة الإسلام کفایت نمی‌کند.

مسأله ۵. اگر کودک ممیز برای حج محرم شود، ولی هنگامی که برای وقوف به مشعر الحرام برسد، بالغ گردد حج او حجّة الإسلام و مجزی است.

مسأله ۶. کسی که گمان می‌کرد بالغ نیست، و به نیّت حج مستحب محرم شد، بعد معلوم گشت که به هنگام احرام، بالغ، و تکلیف او حج واجب بوده است؛ چنین حجی کفایت نمی‌کند، مگر اینکه به هنگام احرام، تکلیف واقعی خود را قصد کرده ولی تصور می‌کرده که تکلیف واقعی او حج مستحب است، به گونه‌ای که اگر توجه داشت، حج واجب را قصد می‌کرد، در این صورت حج او مجزی خواهد بود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱

مسأله ۷. «ولیّ» کودک غیر ممیز، می‌تواند او را محرم کند، یعنی لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این طفل را برای حج یا برای عمره محرم می‌کنم.

مسأله ۸. مقصود از «ولی» فردی است که می‌تواند در مال بچه، شرعا تصرّف کند، مانند پدر و جدّ پدری و وصیّ. علاوه بر «ولی»، مادر و همچنین کسی که متکفل امور کودک غیر ممیز است می‌تواند کودک را محرم نماید در مورد اخیر احتیاطا از ولیّ کودک اجازه بگیرد.

مسأله ۹. هر گاه کودک ممیّز یا غیر ممیّز محرم شد، باید ولیّ او یا مادر، او را از محرمات احرام باز دارد. و اگر محرمات احرام را انجام دهد و «ولیّ» از آن نهی نکند، کفّارهٔ آن بر کسی واجب نیست مگر این که صید کند، در این صورت کفّارهٔ آن بر عهدهٔ ولی است.

مسأله ۱۰. هزینهٔ قربانی حج بر عهدهٔ «ولی» و یا مادر طفل است، و بر مال طفل - اگر مالی داشته باشد- تعلق نمی‌گیرد. [اگر چه مادر می‌تواند طفل را محرم کند ولی هزینهٔ قربانی و کفارهٔ صید بر عهدهٔ ولیّ است مگر این که خود مادر قبول کرده باشد.]

مسأله ۱۱. بر ولیّ و مادر طفل لازم است مراقب باشد که او اعمال عمره و حج را انجام دهد و اگر به خاطر کوچکی نتواند، به نیابت از او اعمال را انجام دهد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲

مسأله ۱۲. اگر طفل پیش از حضور در میقات یا پیش از محرم شدن، بالغ گردد، حج او «حجهٔ الإسلام» است.

## شرط سوم: حرّیّت

مسأله ۱۳. بر بنده و کنیز، حج واجب نیست، ولی پس از آزادی اگر مستطیع شدند، حکم آنان مانند دیگران است.

## شرط چهارم: استطاعت

توانایی بدنی و مالی، و باز بودن راه، و امن بودن آن، و فرصت کافی برای رسیدن به حج، همگی از شاخه‌های استطاعت هستند.

مسأله ۱۴. مقصود از استطاعت بدنی این است که مریض و بیمار و ناتوان نباشد و بتواند به هر وسیله ممکن به حج برود. و اعمال را انجام دهد و بازگردد. و اگر در خود احساس ناتوانی کرد، یا پزشک او را ناتوان تشخیص داد، در صورتی که مأیوس از توانایی مجدد باشد، نائب می گیرد.

مقصود از توانایی مالی، پول و یا کالایی است که با فروش آن می‌تواند هزینهٔ رفت و برگشت و اقامت در مکه و مواقف و مشاعر را تأمین کند.

مسأله ۱۵. یکی از شاخه‌های استطاعت این است که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۳

ضروریات و نیازمندی‌های زندگی را- در حدّ شأن خود- داشته باشد، مانند خانهٔ مسکونی، و وسیلهٔ نقلیه و ... و مسلّما شؤون افراد و محیط زندگی در تعیین حدود ضروریات مؤثر است، بنا بر این، هر گاه زندگی در خانهٔ غیر ملکی، مطابق شؤون او باشد، و امکان مالی را در خرید مسکن، صرف نکند، حج بر او واجب می‌شود.

اگر با وجود احتیاج و نیاز به ضروریات زندگی، امکان مالی خود را در حج مصرف کند، از حجهٔ الاسلام کفایت نمی کند.

مسأله ۱۶. کسی که امکان مالی برای حج دارد، ولی ازدواج نکرده و به آن نیازمند است، ازدواج برای او مقدّم بر حجّ است، خواه زندگی بدون ازدواج برای او سخت باشد یا نباشد.

مسأله ۱۷. هر گاه، تمام شرایط استطاعت، را داشته باشد، و فقط از نظر توانایی مالی، از کسی طلب دارد که وقت آن رسیده است، و گرفتن آن چندان مشکل نیست، در این صورت باید طلب خود را مطالبه کند و به حجّ برود، مگر این که بدهکار، طلب او را نپردازد.

مسأله ۱۸. اگر از فردی طلبی دارد و وقت آن نرسیده است، ولی بدهکار آمادگی دارد که بدهی خود را بپردازد، باید طلب خود را دریافت کند و به حج برود.

مسأله ۱۹. هر گاه فرد غیر مستطیع برای هزینه‌های حج، وام بگیرد، مستطیع نمی‌شود، هر چند بتواند به تدریج وام خود را بپردازد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۴

مسأله ۲۰. هر گاه فرد مستطیع، به شخصی بدهکار است، ولی وقت آن نرسیده است، اگر مطمئن باشد که اگر به حج برود بدهی خود را در وقت خود می‌تواند بپردازد، بر چنین فردی، حج واجب می‌شود.

مسأله ۲۱. کسی که خمس یا زکات بدهکار است، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر قدرت بر پرداخت آنها، هزینه‌های حج

را نیز داشته باشد.

مسأله ۲۲. کسی که استطاعت مالی دارد، ولی استطاعت بدنی ندارد، و یا راه برای او بسته است می‌تواند هزینهٔ حج را در جای دیگر مصرف کند، ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت بسته بودن راه، استطاعت مالی خود را حفظ کند، و اگر استطاعت خود را حفظ کرد و سال‌های بعد، استطاعت بدنی پیدا کرد و یا راه باز شد، باید به حج برود.

مسأله ۲۳. فردی مستطیع است که علاوه بر تأمین هزینه‌های رفت و آمد و اقامت در مکه و مشاعر، قدرت مالی بر مقدّمات حج نیز داشته باشد، مانند هزینه‌های گذرنامه و عوارض خروج و غیره ....

مسأله ۲۴. هر گاه رفتن به حج از راه‌های عادی هزینهٔ کمتری دارد ولی فعلا مقدور نیست و از راه‌های دیگر هزینهٔ بالاتری دارد، در

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۵

صورت توانایی، بایـد راه دوم را انتخاب کنـد، مگر این که نوعی اجحاف و خسارت غیر قابل تحمّل برای او باشـد. و یا حاکم شـرع رفتن از این راه‌ها را برای مصالح مردم تحریم کند.

مسأله ۲۵. هر گاه فردی ملکی دارد که زائـد بر مؤونـهٔ زندگی است، باید آن را بفروشد و به حج برود، و هر گاه شـرایط به گونه‌ای است که آن را به قیمت کمتر از معمول می‌خرند، باید بفروشد و به حج برود، مگر این که تفاوت قیمت به قدری زیاد باشد که عرفا تحمّل آن برای او حرجی به شمار آید.

مسأله ۲۶. هر گاه فردی، کتابخانـهٔ ارزشـمندی دارد که از آن اسـتفاده نمی‌کند و اگر بفروشد با پول آن می‌تواند هزینهٔ حج خود را تأمین کند، چنین فردی مستطیع است، و باید به حج برود.

مسأله ۲۷. اگر در اسـتطاعت مالی خود شک کند، در صورتی که احراز اسـتطاعت آسان باشد باید در این مورد تحقیق کند تا وضع خود را روشن سازد.

مسأله ۲۸. هر گاه فردی نذر کند که مثلا در روز عرفه سال جاری در کربلای معلّا باشد، و سـید الشـهدا علیه السّـلام را زیارت کند، ولی پس از نذر مسـتطیع شود، باید عمل به آن را بر حج مقدم بدارد، ولی اگر مسـتطیع بود و بعدا نذر کرد، در این صورت حج، بر نذر مقدم می‌باشد.

و همچنین است اگر نذر کند که چند سال متوالی روز عرفه در

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۶

کربلا باشد، سپس مستطیع شود، در این صورت نیز حج مقدم بر نذر می‌باشد.

مسأله ۲۹. هر گاه انجام حجـهٔ الاسـلام با ترک واجبی یا ارتکاب گناه همراه باشـد، بایـد به حـج برود، مگر این که واجبی که ترک می‌کند یا گناهی که انجام می‌دهد، اهمیت بالایی داشته باشد.

مسأله ۳۰. کسـی که توانایی مالی برای رفتن به حج ندارد، ولی فردی اعلام آمادگی می‌کند که در طول مدت حجّ، هزینه سفر او و هزینهٔ زندگی خانواده‌اش را بپردازد. هر گاه چنین فردی مورد وثوق باشد، و از قول خود برنگردد، چنین فردی باید به حج برود و به آن «حـج بـذلی» می‌گوینـد و در این مورد لازم نیست که پس از برگشـتن، تمکن مالی بر ادارهٔ امور زنـدگی خود داشـته باشد. تنها شرط این است که پذیرفتن چنین حجی پس از بازگشت، مایهٔ گسستن رشتهٔ زندگی او نگردد.

مسأله ۳۱. فردی که تعهد می‌کند هزینهٔ سفر حج دیگری را بپردازد، نمی‌تواند بعد از شروع سفر او، از تعهد خود بازگردد.

مسأله ۳۲. کسی که امکان مالی ندارد، ولی فردی حاضر است هزینهٔ حج و هزینهٔ خانوادهٔ او را یکجا به او ببخشد، تا او به حج برود، لازم است آن را قبول کنـد و به حج برود، و همچنین است اگر مالی را به او ببخشد ولی اسـمی از حج به میان نیاورد، باید بپذیرد و به حج برود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۷

مسأله ۳۳. قربانی در «حج بذلی» بر عهدهٔ کسی است که «متعهد» شده است هزینه را بپردازد، و اگر نپرداخت، و فرد، قادر بر قربانی باشد، باید قربانی کند، و در غیر این صورت، حکم او، حکم کسانی خواهد بود که قادر بر قربانی نیستند، ولی اگر یکی از محرمات احرام را انجام داد و کفاره‌ای بر آن مترتب شد، بر عهدهٔ متعهد نیست.

مسأله ۳۴. هر گاه فردی در مقابل مبلغی اجیر شود که در سفر حج خدمت کند، در صورتی که آن مبلغ، برای ادارهٔ زندگی او و خانواده‌اش در مدت حج کافی باشد، حج برای او واجب می‌شود. و همچنین است کسانی که حج بر آنها در برابر خدمتشان عرضه می‌شود مانند طبیب کاروان، خدمه، مدیر و روحانی و سایر عوامل، حج چنین افرادی از حجهٔ الاسلام کفایت می‌کند هر چند قبول بر آنها واجب نیست.

مسأله ۳۵. کسی که برای انجام حج از طرف کسی «نایب» شود، و مبلغ به حدّی باشد که او را مستطیع سازد، در صورتی که برای سال نخست اجیر شده باشد، حج نیابتی را مقدم بدارد، و در سال بعد اگر استطاعت او باقی باشد، برای خودش حج انجام دهد.

مسأله ۳۶. یکی از شرایط استطاعت مالی این است که در طول حج، هزینهٔ افراد تحت تکفّل خود را تا بازگشت از حج داشته باشد، هر چند این افراد شرعا واجب النفقه نباشند، ولی عرفا و اخلاقا هزینهٔ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۸

آنها بر دوش اوست.

مسأله ۳۷. یکی از شرایط استطاعت مالی این است که فرد مستطیع گذشته از داشتن هزینه‌های سفر حج، پس از بازگشت از حج آبرومندانه زندگی کند، مثلا از طریق تجارت یا کشاورزی و یا صنعت و یا مستغلّات و یا کسب و کار، درآمدی برای زندگی خود داشته باشد و در اصطلاح فقها به آن «رجوع به کفایت» می‌گویند، و اگر پس از بازگشت با عسرت و سختی زندگی کند، چنین فردی مستطیع نمی‌باشد.

مسأله ۳۸. فردی که استطاعت مالی داشته، و حج بر او مستقر شده، ولی فعلا استطاعت بدنی ندارد، مثلا مریض است، یا رفتن به حج برای او حرجی و مشقت‌زاست بر چنین فردی لازم است نایب بگیرد.

مسأله ۳۹. فردی که شرایط استطاعت در او جمع است، نباید حج را به تأخیر بیندازد، و اگر بدون عذر، به تأخیر انداخت، و استطاعت او از بین رفت بعدا باید به هر نحوی شد به حج برود، هر چند مشقت‌زا و حرجی باشد.

مسأله ۴۰. فرد مستطیع باید خود، فریضهٔ حج را انجام دهد، و اگر دیگری را نایب بگیرد کافی نیست، مگر این که بیماری داشته باشد که از بهبودی آن مأیوس باشد و یا ناقص العضوی که انجام

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۹

اعمال و مناسک برای او حرجی باشد و یا پیر باشد که انجام حج برای او غیر ممکن یا مشقت‌زا به شمار آید.

مسأله ۴۱. کسی که استطاعت شرعی دارد، و به حج نرفته و همچنین کسی که حج بر او مستقر گردیده و به حج نرفته است؛ نمی‌تواند از دیگری نیابت بپذیرد.

مسأله ۴۲. کسی که حج بر او واجب شود و در رفتن کوتاهی کند و از دنیا برود، باید هزینهٔ حج او را از ترکه، قبل از تقسیم بردارند، و کافی است در این مورد به هزینهٔ حج میقاتی اکتفا کنند، مگر این که وصیت کرده باشد که برای او حج بلدی بگیرند، و بر وارث و یا وارثان لازم است که در همان سال نخست، برای او حج نیابی بگیرند. و هزینه مازاد بر حج میقاتی را، از ثلث میت بردارند.

مسأله ۴۳. اگر به حج بردن همسر، مهریه یا جزء مهریهٔ زن باشد، زوج باید به آن عمل کند، ولی اگر تنها وعده‌ای باشد، در این

صورت عمل به آن واجب نیست، هر چند شایسته است که به آن عمل کند.

مسأله ۴۴. هر گاه زن هزینه حج را داشته باشد و با درآمد خود، هزینهٔ زندگی خود و عائله را تأمین می‌کند، ولی اگر به حج برود، شوهرش از نظر هزینهٔ زندگی به زحمت می‌افتد، باید به حج برود، و به زحمت افتادن شوهر مانع از حج نمی‌شود.

مسأله ۴۵. بانوان مستطیع باید به حج بروند و اذن شوهر شرط

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۰

نیست، ولی شایسته است رضایت او را جلب کند.

مسأله ۴۶. هرگاه زنی بر اثر ارثیهٔ شوهرش مستطیع گردد، و شرایط او به گونه‌ای باشد که پس از رفت و برگشت از حج بتواند آبرومندانه زندگی کند، بر چنین فردی، حج واجب است، و اگر مریض و ناتوان و از بهبودی خود ناامید باشد، و بیماری او در همان سالی که ارث به او رسیده به وجود نیامده باشد باید نایب بگیرد.

مسأله ۴۷. هرگاه مهریهٔ آن به اندازه‌ای باشد که هزینهٔ حج او را فراهم سازد و شوهر نیز متمکن از ادای آن باشد، در این صورت، لازم است مهریهٔ خود را از شوهر مطالبه کرده و در راه حج مصرف کند، مگر این که شوهر توانایی بر پرداخت نداشته باشد و یا درخواست مهر، مشکلاتی در زندگی زناشویی پدید آورد، که در این صورت مستطیع نمی‌باشد.

مسأله ۴۸. افرادی که سهم امام و سهم سادات از دیگران نزد آنها هست، باید این نوع اموال را به مصرف خود برسانند و نمی‌توانند هزینهٔ حج را با آنها تأمین کنند.

مسأله ۴۹. اگر کسی خانهٔ گران‌قیمتی دارد که اگر آن را بفروشد می‌تواند خانهٔ مناسب شأن خود تهیه کند و با باقی‌ماندهٔ پول به حج برود، بهتر است چنین فردی این کار را انجام دهد، هر چند حج بر او واجب نمی‌شود، مگر این که اقدام به فروش کند، و خانه مناسب شأن تهیه کند، در این صورت باید با باقیمانده پول، به حج برود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۱

مسأله ۵۰. کسی که قسمتی از زندگی خود را از طریق کار و کسب، تأمین می‌کند، و قسمتی را از طریق حقوق شرعی مانند زکات، سهم امام و سهم سادات، بر چنین فردی حج واجب نیست.

و اگر حج برود از حجهٔ الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسأله ۵۱. کسی که خانهٔ مسکونی ندارد و با فروش زمینی می‌خواهد خانه‌ای برای خود تهیه کند بر چنین فردی حج واجب نیست، هر چند بهای آن زمین برای هزینهٔ رفتن به حج کافی باشد.

مسأله ۵۲. کسی که سال‌های پیش مستطیع بوده و به حج نرفته است، ولی اکنون به خاطر بیماری خاصی نمی‌تواند با هواپیما مسافرت کند، و وسیلهٔ دیگری برای رفتن نیست، چنین فردی باید نایب بگیرد.

مسأله ۵۳. کسی که در وطن خویش مستطیع نیست، حج برای او واجب نمی‌شود، ولی هرگاه در ایام حج در میقات حضور یافت اگر توانایی انجام حج در آن مدت کوتاه را داشته باشد، حج برای او واجب می‌شود، به شرط این که دیگر شرایط وجوب حج را دارا باشد.

مسأله ۵۴. هرگاه کسی از طرف فردی حج نیابتی را پذیرفت، و بعدا در همان سال مستطیع شد، باید حج نیابتی را مقدم بدارد و اگر استطاعت او برای سال بعد باقی ماند، در این صورت نیز مستطیع خواهد بود، و باید به حج برود.

مسأله ۵۵. در استطاعت مالی، ماه معینی شرط نیست، هرگاه

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۲

در طول یک سال، فردی مستطیع شد، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند، خواه این استطاعت مالی در اوّل سال باشد، یا در

ماه‌های نزدیک به حج.

و همچنین اگر فردی در ماه‌های اوّل سال مستطیع نباشد، ولی در ماه‌های پایانی مستطیع شود، به گونه‌ای که بتواند به حج برود، حج بر او واجب می‌شود.

## شرایط نایب

در نایب، امور یاد شده در زیر شرط است:

۱. بالغ بودن، ۲. عاقل بودن، ۳. ایمان، ۴. وثوق به این که اعمال حج را به نحو صحیح انجام می‌دهد، ۵. آشنایی با اعمال حج و یا لااقل به وسیلهٔ کسی که راهنمای اوست. ۶. ذمّهٔ او در آن سال مشغول به حج واجب نباشد، ۷. کلیهٔ اعمال را به غیر مباشرت در ذبح خودش بتواند انجام دهد.

مسأله ۵۶. شرایط کسی که از طرف او حج انجام می گیرد (منوب عنه)، عبارتند از:

۱. مسلمان بودن،

۲. زنده نبودن، و یا ناتوانی از انجام اعمال به دلیل پیری یا بیماری شدید که امیدی به بهبودی آن نیست، هر چند در حج استحبابی از طرف دیگری، این شرط معتبر نیست،

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۳

۳. منوب عنه در زمان بلوغ مستطیع شده باشد، و اگر در زمان کودکی مستطیع بوده، تا زمان بلوغ ادامه داشته و حج بر او مستقر شده باشد، هر چند در حج استحبابی نیابت از صبیّ صحیح است.

مسأله ۵۷. نایب باید به هنگام عمل، شخصی را که از طرف او حج انجام می‌دهد، در نظر بگیرد و مستحب است نام او را ذکر کند.

مسأله ۵۸. هرگاه نایب عمل را به صورت صحیح انجام داد، در این صورت ذمّه کسی که از طرف او نیابت پذیرفته است، بری می‌شود، و اگر نایب پس از بستن احرام، و دخول در حرم بمیرد، همین قدر از عمل کفایت می کند و دیگر لازم نیست برای بقیهٔ اعمال، نایب بگیرند.

مسأله ۵۹. هزینهٔ لباس احرام و هزینهٔ قربانی بر عهدهٔ نایب است، مگر این که در عقد نیابت، شرط کند که طرف بپردازد، و همچنین اگر نایب، یکی از محرمات احرام را که کفاره دارد، انجام بدهد، کفارهٔ آن بر عهدهٔ خود نایب است.

مسأله ۶۰. در طواف نساء، که پس از اعمال حج انجام می گیرد، نایب باید از طرف کسی که نایب شده، انجام دهد، نه از طرف خودش، و اگر به هنگام طواف نساء قصد «ما فی الذمه» کند، آن نیز صحیح است.

مسأله ۶۱. هرگاه نایب، طواف نسا را به صورت صحیح انجام ندهد، همسر وی بر او حلال نمی‌شود، و حتی اگر کسی که از طرف

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۴

او نیابت را پذیرفته در قید حیات باشد، مشکلی برای او پیش نمی‌آید.

مسأله ۶۲. اگر کسی از نظر زمانی فرصت کافی برای حج تمتع نداشته باشد، نمی‌توان او را برای حج نیابتی از طرف کسی که حج تمتع بر ذمّهٔ اوست، اجیر نمود، ولی اگر هنگام نیابت دادن به او، فرصت کافی بود ولی بعدا روی حوادث پیش‌بینی نشده‌ای فرصت برای حج تمتع باقی نماند، و ناچار شد از حج تمتع به حج افراد «۱» عدول کند، چنین حجّی صحیح و کافی است، مگر این که بدون عذر «فرصت‌سوزی» کند در این حالت کفایت چنین حجی از منوب عنه، اشکال دارد.

مسأله ۶۳. فرد نایب، فقط می‌تواند از یک نفر نیابت بپذیرد و پذیرش نیابت از چند نفر در یک سال، جایز نیست، ولی می‌تواند در برخی از اعمال مانند طواف، یا قربانی و یا رمی، از دیگران نیز نیابت کند.

مسأله ۶۴. اگر دو نفر نذر کرده باشند که اگر در انجام کاری موفق شدند، فردی را به هزینهٔ خویش مشترکا برای حج اجیر کنند. در این صورت نیابت یک فرد از دو نفر صحیح است.

مسأله ۶۵. کسی که استطاعت مالی و بدنی داشته ولی در

---

(۱). در فصل دوازدهم، حج افراد، توضیح داده خواهد شد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۵

رفتن به حج، کوتاهی کرده و بعدا هم پیری و بیماری مانع از آن است که بتواند به حج برود، بر چنین فردی لازم است که کسی را نایب بگیرد، مشروط بر این که امید به بهبودی نداشته باشد.

مسأله ۶۶. هرگاه، فردی استطاعت مالی پیدا کرد، ولی در همان سال به خاطر پیری و بیماری موفق به رفتن نگشت، و امیدی به بهبودی خود، نداشته باشد، نایب گرفتن برای چنین فردی واجب نیست، زیرا وجوب حج بر او مستقر نگشته است.

مسأله ۶۷. هرگاه در شرایطی که فرد باید نایب بگیرد، نایب گرفت و عمل را به صورت صحیح انجام داد، سپس عذر فردی که نایب گرفته برطرف شد، دیگر لازم نیست خود به حج برود، امّا اگر عذر او موقعی برطرف شد، که نایب هنوز در نیمه راه است، در چنین صورتی احتیاط مستحب آن است که خود شخص نیز به حج برود.

مسأله ۶۸. کسی که حج بر او واجب شده، خواه در همان سال یا در سال‌های پیش، نمی‌تواند از کسی نیابت بپذیرد.

مسأله ۶۹. هرگاه نایب، پس از احرام و دخول در حرم بمیرد، حج او صحیح است و ذمّه کسی که از طرف او نیابت پذیرفته، بری می‌شود ولی اگر پس از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد، باید برای آن شخص دوباره نایب بگیرند.

مسأله ۷۰. کسی که برای انجام حج نیابتی اجیر شود و در نیمهٔ راه پیش از عمل بمیرد، برای دریافت اجرت سه حالت دارد:

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۶

الف. اگر مبلغ در مقابل عمل حج قرار گرفته، چیزی به او تعلق نمی‌گیرد.

ب. اگر مبلغ در مقابل «برئ الذمه» شدن منوب عنه پرداخت شده، و نائب پس از دخول در حرم فوت کند، همهٔ مبلغ به او تعلق می‌گیرد.

ج. هرگاه مبلغ در مقابل رفت و برگشت و عمل معین شده، به مقداری که کار انجام گرفته، به او تعلق می‌گیرد، و غالبا نیابت‌ها حالت دوم را دارد.

مسأله ۷۱. مستحب است که نایب پس از انجام حج نیابی، برای خود نیز عمرهٔ مفرده انجام دهد.

مسأله ۷۲. افرادی که معذورند و نمی‌توانند برخی از اعمال حج را خود، انجام دهند، نمی‌توان آنها را برای انجام تمام اعمال حج، اجیر کرد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۷

## حج مستحب

مسأله ۷۳. کسانی که شرعا مستطیع نیستند ولی می‌توانند با زحمت و مشقت، حج به جا بیاورند، برای آنها مستحب است که به حج بروند، و برای کسانی که حج واجب را انجام داده‌اند، نیز مستحب است که بار دیگر به حج بروند، و به هنگام بازگشت از حج مستحب است که انسان قصد بازگشت کند. و از خداوند بخواهد بار دیگر نصیب او نماید.

مسأله ۷۴. انسان می‌تواند از طرف افراد زنده یا مرده حج استحبابی به جا آورد، و همچنین می‌تواند از طرف آنان طواف کند، البته

این در صورتی است که آنان در مکّه نباشند و یا در صورت بودن، معذور باشند.

مسأله ۷۵. کسی که امکان مالی نـدارد، مسـتحب است قرض کند و به حج برود، مشروط بر این که توانایی پرداخت آن را به موقع داشته باشد، البته این نوع حج از «حجّة الإسلام» کفایت نمی‌کند.

مسأله ۷۶. کسی که استطاعت مالی دارد ولی دارایی او را اموال حرام تشکیل می‌دهد، مستطیع نیست، ولی کسی که احتمال می‌دهد که دارایی او آمیخته به حرام باشد، مستطیع است و باید به حج برود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۸

مسأله ۷۷. هرگـاه انسان حـج استحبابی را به جا آورد، می‌توانـد ثواب آن را به دیگری هـدیه کنـد، و یا از اوّل چنین نیّتی را داشـته باشد.

مسأله ۷۸. کسی که امکان مالی ندارد مستحب است با پذیرفتن نیابت و یا به عنوان دیگر به حج برود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۳۹

## فصل دوم اقسام سه‌گانهٔ حج

### اشاره

حج بر سه قسم است:

۱. حج تمتّع.

۲. حج افراد.

۳. حج قران.

حج تمتع وظیفهٔ کسانی است که محلّ زندگی آنان، از مکّه حداقلّ ۱۶ فرسنگ شرعی دور باشد.

حج افراد، و حج قران، وظیفهٔ گروهی است که محلّ زندگی آنان، از مکه کمتر از ۱۶ فرسنگ شرعی فاصله داشته باشد.

تفاوت «حج قران» با «حج افراد»، بسیار کم است و مهمترین تفاوت آن دو این است که زائر خانهٔ خدا در حج قران، قربانی را با خود می‌آورد، و به همین سبب قربانی بر او واجب است ولی در حج افراد، قربانی نیست، و تفصیل این دو گونه حج و تفاوت آن دو

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۰

با یکـدیگر و هر دو با حـج تمتع، بعـدها خواهـد آمـد، و چون وظیفـهٔ بیشترین مسـلمانان، حـج تمتع است در این جا به بیان این حج می‌پردازیم، و در آینده در فصلی جداگانه به بیان دو گونهٔ دیگر آن خواهیم پرداخت.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۱

### حج تمتّع

حج تمتع، مرکب از دو عمل است:

۱. عمرهٔ تمتع

۲. حج تمتع

عمرهٔ تمتع از ۵ عمل تشکیل می‌شود:

۱. احرام

۲. طواف کعبه

۳. نماز طواف

۴. سعی بین صفا و مروه

۵. تقصیر یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن

محرم به احرام عمره تمتع، وقتی از این اعمال فارغ شد و کلیه محرمات احرام بر او حلال گشت، دوباره برای اعمال حج احرام می‌بندد.

اعمال حج تمتع عبارتند از:

۱. احرام بستن در مکه

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۲

۲. وقوف در عرفات

۳. وقوف در مشعر الحرام

۴. رمی جمرهٔ عقبه در منی

۵. قربانی در منی

۶. حلق یا تقصیر در منی

۷. طواف زیارت در مکه

۸. نماز طواف

۹. سعی بین صفا و مروه

۱۰. طواف نساء

۱۱. نماز طواف نساء

۱۲. بیتوتهٔ در منی (شب را در منی به سر بردن)، شب‌های یازدهم و دوازدهم برای همه و شب سیزدهم برای برخی اشخاص.

۱۳. رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم. اشخاصی که شب سیزدهم در منی می‌مانند، باید روز سیزدهم نیز جمرات را رمی کنند.

مسأله ۷۹. فردی که می‌خواهد اعمال عمره یا حج را انجام دهد، قبلا باید با این اعمال، آشنا باشد، و یا لااقل به تدریج، هنگام انجام عمل، به وسیلهٔ راهنما، آشنا گردد.

اکنون لازم است نخست به بیان اعمال عمرهٔ تمتع و سپس به بیان اعمال حج تمتع بپردازیم.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۳

## فصل سوم: احرام برای عمرهٔ تمتع

### اشاره

مسأله ۸۰. نخستین عمل عمره تمتع، احرام بستن است. زائر خانهٔ خدا برای عمرهٔ تمتع، باید از یکی از مواقیت پنج‌گانه احرام ببندد و علت تعدّد میقات‌ها، به خاطر اختلاف راه‌های زائران است که از شرق و غرب، یا شمال و جنوب عازم زیارت خانهٔ خدا می‌شوند، از این جهت، مواقیت نیز متعدد می‌باشند.

## میقات اوّل «مسجد شجره»

نخستین میقات است که به آن «ذو الحلیفه» نیز می گوینـد، و آن میقات کسانی است که از مدینـهٔ منوره به حـج می آینـد یا به مـدینه منوره آمده‌اند و می‌خواهند از آنجا عازم عمره شوند.

فاصلهٔ آن تا مرکز شهر مدینه ۹ کیلومتر است و با مکه ۴۵۰ کیلومتر فاصله دارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۴

مسأله ۸۱. هرگاه ضرورتی پیش آید، و انسان نتواند از «مسـجد شـجره» احرام ببندد، می‌تواند از میقات بعدی که در مسیر راه است، احرام ببندد، و نام آن میقات، «جحفه» است که بعدا گفته خواهد شد.

مسأله ۸۲. احتیاط مسـتحب است که انسان در داخل مسجد احرام ببندد، ولی از خارج مسجد نیز، بستن احرام، بی‌اشکال است، و در این قسـمت، فرقی بین مسـجد قدیم و مسـجد جدید نیست، زیرا کرارا این مسـجد، تخریب و بازسازی شده و از وضـعی که در زمان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داشته، خارج شده است.

کسانی که می‌خواهند خارج از مسجد احرام ببندند، لازم است سمت پشت قبله از بیرون مسجد یا سمت راست یا سمت چپ مسجد را برای این کار انتخاب کنند.

مسأله ۸۳. طهارت از جنابت و حیض و نفاس، و با وضو بودن شرط صحت احرام نیست.

مسأله ۸۴. فرد جنب، نمی‌تواند در داخل مسجد، محرم شود و باید از بیرون مسجد به نحوی که بیان شد، احرام ببندد، و اگر بخواهد در داخل مسـجد، محرم شود، بایـد حالت عبوری داشته باشـد، یعنی از دری وارد و از در دیگر خارج شود و لبّیک را در حال عبور بگوید، و اگر در دوم مسجد بسته باشد، احتیاط آن است که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۵

بیرون مسجد محرم شود.

مسأله ۸۵. اگر حائض نتواند تا پاک شدن صبر کند، باید بیرون مسجد به نحوی که گفته شد، محرم شود.

## دوم: «وادی عقیق»

که اوایل آن «مسلخ» و اواسط آن «غمره» و اواخر آن «ذات عرق» نام دارد، و این میقات کسانی است که از راه «عراق» و یا «نجد» به مکه می‌روند. وسیع‌ترین میقات در میان مواقیت پنج‌گانه، همین میقات است، که در ۱۸۰ کیلومتری مکه قرار دارد، و احتیاط واجب آن است که از نقطهٔ «مسلخ» تا نقطهٔ غمره محرم شود.

## سوم: «قرن المنازل»

و آن میقات کسانی است که از راه طائف به حـج می‌رونـد، و نزدیک‌ترین میقات به مکّه همین میقات است، که از جادّهٔ جدیـد ۹۴ کیلومتر با مکّه فاصله دارد.

## چهارم: «یلملم»

اسم کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به حج می‌روند و ۱۰۰ کیلومتر با مکه فاصله دارد.

## پنجم: «جحفه»

میقات کسانی است که از راه «شام» به مکه می‌روند، و نیز میقات کسانی است که به علّتی در مسجد شجره محرم نشده‌اند و همچنین جحفه، میقات کسانی است که از طریق دریا عازم حج می‌شوند و پس از بستن احرام در آنجا، رهسپار بندر «جده» می‌شوند، و فاصلهٔ جحفه تا مکه ۱۸۷ کیلومتر است و بین جحفه و نقطهٔ غدیر خم، حدود ۱۱ کیلومتر فاصله است.

مناسك حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۶

مسأله ۸۶. هرگاه، یك شاهد عادل شهادت دهد که فلان نقطه میقات است، می‌توان به قول او اعتماد کرد، و اگر شاهد عادلی در کار نباشد، باید از اهل محلّ پرسید و در صورت اطمینان به آن اعتماد کرد، ولی امروزه مواقیت پنج‌گانه به وسیلهٔ تابلوهایی معین شده و طبعا مفید اطمینان است.

مسأله ۸۷. هرگاه از راهی برود که هرگز از میقات عبور نمی‌کند، مانند کسی که از ایران و غیره وارد جدّه می‌شود، آنان می‌توانند به سه صورت محرم شوند.

الف. به مدینه منوّره بروند و از مسجد شجره محرم شوند، و یا به میقات جحفه بروند و از آن جا احرام ببندند.

ب. می‌توانند در جدّه، یا نقطهٔ محاذی جحفه که در جنوب شرقی جده است، محرم شوند، و طبق نقل اهل اطلاع و نقشه‌های جغرافیایی، فرودگاه جدّه، و وسط شهر پیش از آن که به پل بزرگ برسد، محاذی جحفه است.

ج. بهتر از آن این است که به حدیبیه برود چه از راه قدیم و چه از راه جدید، و در آنجا محرم شود و اصولا کسی که از یکی از مواقیت عبور نمی‌کند، رفتن او به میقات واجب نیست، و می‌تواند به یکی از دوگونهٔ اخیر محرم شود.

مسأله ۸۸. هرگاه کسی در مسیر خود از دو میقات عبور می‌کند، و در میقات نخست احرام بست، دیگر لازم نیست در

مناسك حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۷

میقات دوم، تجدید نیت و احرام کند، و همچنین اگر از محاذات میقات اوّل، احرام ببندد، سپس به محاذات میقات دوم نیز برسد، تجدید احرام لازم نیست.

مسأله ۸۹. بستن احرام، قبل از میقات، بسان خواندن نماز قبل از وقت است، و جایز نیست مگر در یك صورت، و آن این که نذر کند، پیش از میقات محرم شود، در این صورت، واجب است، قبل از میقات، محرم شود، بنا بر این کسانی که از هر نقطه‌ای، یك سره می‌خواهند به مکه بروند، می‌توانند به وسیلهٔ نذر در فرودگاه محرم شوند، و دیگر تجدید احرام در میقات لازم نیست.

مسأله ۹۰. مقصود از محاذات این است که میقات سمت چپ یا راست او قرار گیرد، و این یك امر عرفی است. هرگاه بگویند این نقطهٔ عبور شما، محاذی با فلان میقات است، کافی است.

مسأله ۹۱. اگر کسی به خاطر ندانستن مسأله یا فراموش‌کاری، بدون احرام از میقات بگذرد، باید برگردد و از همان میقاتی که عبور کرده است، احرام ببندد، چه داخل سرزمین حرم شده باشد، چه نه، و اگر امکان نداشت، اگر داخل حرم نشده، از همانجا احرام ببندد، و احتیاط مستحب آن است که چند قدم به سمت میقات برود و از آنجا احرام ببندد.

اگر داخل حرم شده باشد، واجب است از حرم خارج شود و از مرز حرم، محرم شود و اگر به خاطر تنگی وقت یا عدم امکان،

مناسك حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۸

نتواند از حرم خارج شود، لازم است، به مقداری که می‌تواند عقب برود، هر چند به مرز حرم نرسد، و از آن جا احرام ببندد.

مسأله ۹۲. اگر زن حائض، به خاطر ناآشنایی به مسأله یا به هر علّت دیگر در میقات محرم نشود، حکم وی، حکم همان فردی است که در مسألهٔ قبل گفته شد.

مسأله ۹۳. هرگاه فردی عمدا از میقات محرم نشود، و نتواند به خاطر ضیق وقت یا عذر دیگر به میقات برگردد، و در پیش روی او میقات دیگری نباشد، نمی‌تواند حجّ انجام دهد، هر چند احتیاط مستحب آن است که از مرز حرم، احرام ببندد و اعمال خود را

انجام دهد، و سال دیگر نیز باید حج را قضا کند.

مسأله ۹۴. عبور از میقات بـدون احرام، جایز نیست، چنان که عبور از محاذات میقات، بدون احرام حرام می‌باشد، ولی اگر این حرام را مرتکب شد و از میقات دوم احرام بست، حج او صحیح است.

مسأله ۹۵. هرگاه کسـی می‌تواند از دو میقات که یکی از آنها «مسـجد شـجره» است احرام ببندد، بهتر است مسـجد شجره را انتخاب کند که فضیلت بیشتری دارد.

مسأله ۹۶. کسانی که در غیر ماه‌های حج (شوال و ذی قعده و ذی حجه) به عمره مفرده رفته‌اند و تا موسم حج در عربستان

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۴۹

مانده‌انـد، و اکنون می‌خواهنـد عمرهٔ تمتع را انجـام دهنـد، هرگـاه در مسـیر آنان به مکه، میقاتی وجود دارد، بایـد از همان جا محرم شونـد، و اگر در مکه اقـامت دارنـد، بایـد از مرز حرم (ادنی الحـل) برای عمرهٔ تمتع احرام ببندنـد. بنـا بر این گروه دوم می‌تواننـد از «تنعیم» و یا «حدیبیه» که نزدیک‌ترین مرزهای حرم به مکه هستند، محرم شوند.

مسأله ۹۷. کسانی که برای عمرهٔ مفرده به مکه می‌رونـد، حکم آنان، حکم کسانی است که برای عمرهٔ تمتع محرم می‌شونـد، هرگاه در مسـیر آنان میقاتی باشـد از آنجا محرم می‌شونـد و نباید بدون احرام، از میقات عبور کنند، و در صورت عبور، باید برگردند و از آنجا محرم شوند، و اگر در مسیرشان، میقات نیست، می‌توانند از مرز حرم که در اصطلاح فقها (ادنی الحل) نام دارد، احرام ببندند. مرزهای حرم به وسیلهٔ تابلوهایی مشخص شده، و نزدیک‌ترین و آسان‌ترین نقطه برای زائران، نقطهٔ «تنعیم» و «حدیبیه» است.

مسأله ۹۸. کسانی که در جدّه شاغل هسـتند، چه در عمرهٔ تمتع و چه در عمرهٔ مفرده، می‌توانند از «ادنی الحلّ» (مرزهای حرم) احرام ببندنـد و چه بهتر که از «حـدیبیه» محرم شونـد که محـل بیعت رضوان و مکث پیـامبر و یاران او با حالت احرام تا بسـتن پیمان صـلح می‌باشد؛ گذشته از این وسائل غسل کردن و خواندن نماز آماده‌تر است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۱

## فصل چهارم واجبات احرام

### واجبات احرام، سه چیز هستند:

#### اشاره

۱. نیّت

۲. پوشیدن لباس‌های احرام

۳. لبیک گفتن

اینک به شرح هر سه می‌پردازیم:

#### ۱. نیّت احرام

«عمره» و «حج» دو عمل عبادی هسـتند که نزد خداوند دارای منزلت و احترام خاصی می‌باشند، و احرام دروازه ورود به این مناسک است، بنـا بر این نیّت احرام این است که قصـد کنـد: ورود در این عبـادتی که نزد خـدا از احترام خاصـی برخوردار است، و ترکیب یک

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۲

رشته امور به نام «محرمات احرام» برای حفظ حریم این عبادت است و به هنگام نیّت قصد ترک آنها لازم نیست و نیز نیّت قلبی کفایت می کند و اگر بخواهد به زبان بیاورد بگوید: محرم می‌شوم به احرام عمرهٔ تمتع یا حج تمتع از حجهٔ الإسلام قربهٔ الی اللّه و اگر در همه موارد به عنوان وظیفه فعلی محرم شود کافی است.

مسأله ۹۹. از آن جا که عمره و حج و اجزای آنها، اعمال عبادی و یا قربی هستند، باید به عنوان اطاعت خدا و تقرّب به او صورت پذیرد، نه برای ریا یا انگیزه‌های دیگر.

مسأله ۱۰۰. اگر فردی عمرهٔ تمتع خود را به عنوان ریا یا انگیزه‌های غیر الهی به جا آورد، عمرهٔ او باطل است و باید عمرهٔ تمتع را مجددا به جا آورد و اگر انجام دوباره عمرهٔ تمتع ممکن نباشد، باید حج خود را به «حجّ افراد» (بدون عمره) تبدیل کند، زیرا «حجّ تمتع» بدون «عمره تمتع» پذیرفته نیست، و همچنین باید سال دیگر حجّ تمتع خود را قضا کند.

مسأله ۱۰۱. هر گاه برخی از اجزای عمره را به عنوان ریا و انگیزه‌های غیر الهی انجام دهد و نتواند آن را جبران کند، به سان کسی است که همهٔ اعمال عمره را برای ریا انجام داده است.

مسأله ۱۰۲. هر گاه به وسیلهٔ ندانستن مسأله، یا جهات دیگر، موقع بستن احرام برای عمرهٔ تمتع، برای حج تمتع احرام ببندد، احرام

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۳

او باطل است، مگر این که در اوّل قصد او این باشد که آنچه فرمان خدا است انجام می‌دهد، هر چند خیال می کرد که آن واجب، احرام حج است، به نحوی که اگر کسی او را تذکر می‌داد، فورا از نیت برمی گشت.

### ۲. پوشیدن جامه‌های احرام

مسأله ۱۰۳. پوشیدن دو جامهٔ احرام، که یکی به صورت «لنگ» و دیگری به صورت «ردا» که بر دوش افکنده می‌شود، بر مردان واجب است. و احتیاط لازم آن است که زنان نیز علاوه بر جامه‌هایی که بر تن دارند، این دو جامه را نیز بپوشند و طواف و سعی را با آن دو انجام دهند.

محرم باید این دو لباس را پیش از گفتن «لبیک» بر تن کند، و اگر پس از گفتن لبیک این دو لباس را بر تن کنند، احتیاط آن است که دو مرتبه «لبیک» را بگویند.

در پوشیدن دو جامه ترتیب خاصی لازم نیست، جز این که یکی به صورت «لنگ» باشد و از ناف تا زانو را بپوشاند و دیگری به صورت «ردا» که از شانه تا کمر را پوشش دهد.

در کندن و درآوردن لباس مخیط و پوشیدن لباس احرام،

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۴

احتیاط قصد قربت است.

مسأله ۱۰۴. دو جامه احرام باید از هم جدا و به صورت دو تکهٔ جداگانه باشند، پس اگر با یک پارچهٔ بلند از شانه تا زانو را بپوشاند، صحیح نیست.

مسأله ۱۰۵. گره زدن جامه‌های احرام اشکالی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزند، و اگر روی ندانستن مسأله یا فراموشی گره زد، احتیاط آن است که فورا باز کند، هر چند به احرام ضرری نمی‌زند و کفّاره هم ندارد

مسأله ۱۰۶. جامه‌ای را که بر دوش می‌افکند، باید روی شانه‌ها بیندازد، به طوری که روی هر دو کتف را بپوشاند. امّا شیوه‌ای که برخی از زائران خانهٔ خدا انجام می‌دهند یعنی در یک طرف، ردا را از روی شانه و در طرف دیگر از زیر بغل عبور می‌دهند، به طوری که یک کتف آنان پیداست، صحیح نیست.

مسأله ۱۰۷. از آنجا که پوشیدن دو جامه، یکی از واجبات احرام است، طبعا باید به نیت الهی بپوشد، یعنی قصد قربت کند.

مسأله ۱۰۸. کلیهٔ چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط شده، در لباس احرام نیز شرط می‌باشد، بنا بر این نمی‌توان در جامه‌ای که از حیوان حرام‌گوشت تهیه شده یا لباسی که نجس است، محرم شد، و همچنین، مرد و بنا بر احتیاط واجب، زن نمی‌تواند در لباس ابریشم

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۵

خالص، محرم شوند.

مسأله ۱۰۹. جامه‌های احرام باید به قدری ضخیم باشد که بدن از پشت آنها نمایان نباشد.

مسأله ۱۱۰. هرگاه یکی از دو جامه احرام نجس شود، باید آن را آب بکشد، یا عوض کند و در تطهیر یا تبدیل، مسامحه نکند.

مسأله ۱۱۱. مستحب است انسان اعمال عمره را با آن دو لباسی که در میقات با آنها احرام بسته است، انجام دهد، بنا بر این اگر محرم، لباس خود را عوض کرد، بهتر است در هنگام انجام اعمال از دو لباس پیشین استفاده کند.

مسأله ۱۱۲. محرم می‌تواند برای عوض کردن دو جامه یا شستن آنها و یا رفتن به حمام و امثال آن، هر دو جامه را کنار بگذارد، و در غیر این صورت، لازم است همواره دو لباس احرام را بر تن داشته باشد.

مسأله ۱۱۳. محرم می‌تواند چند جامهٔ احرام را روی هم بپوشد، تا خود را از سرما و مانند آن حفظ کند.

مسأله ۱۱۴. هرگاه در حالی که لباس دوخته بر تن دارد، لبیک بگوید و احرام ببندد، احرام او صحیح است، و اگر عمدا چنین کند، معصیت کرده، و باید لباس دوخته را هر چه زودتر از تن به درآورد و دو جامهٔ احرام را بپوشد، و همچنین است کسی که از روی

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۶

فراموشی یا ندانستن مسأله، برخی از لباس‌های دوخته را از تن بیرون نیاورده باشد.

مسأله ۱۱۵. اگر مردی به خاطر عذر نتواند لباس دوختهٔ خود را درآورد، باید دو لباس را بر روی آنها بپوشد، و نیت احرام کند، و هرگاه عذرش برطرف شد، جامهٔ دوخته را درآورد، و به همان لباس احرام اکتفا کند، و در هر حال برای پوشیدن لباس دوخته گوسفندی را قربانی کند.

### ۳. لبّیک گفتن

سومین واجب احرام، گفتن لبیک به این صورت است:

«لبّیک اللّهمّ لبّیک، لبّیک لا شریک لک لبّیک».

و احتیاط آن است پس از جمله‌های گذشته چنین بگوید:

«إنّ الحمد و النّعمة لک و الملک، لا شریک لک».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لبّیک ذا المعارج لبّیک، لبّیک داعیا إلی دار السّلام لبّیک، لبّیک غفّار الذّنوب لبّیک، لبّیک أهل التلبیة لبّیک، لبّیک ذا الجلال و الإکرام».

مسأله ۱۱۶. گفتن تلبیه به صورت صحیح لازم و واجب است، و در حقیقت، جایگاه لبیک، همانند جایگاه تکبیرة الاحرام در نماز

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۷

واجب است و بدون گفتن آنها، انسان، محرم نمی‌شود.

مسأله ۱۱۷. هرگاه کسی نمی‌تواند لبیک را به صورت صحیح ادا کند، باید به وسیلهٔ فرد وارد، آن را بگوید، یعنی کلمه به کلمه

بگویند و او تکرار کند، و اگر هیچ کدام از آنها ممکن نیست، هر مقداری که می‌تواند بگوید.

مسأله ۱۱۸. اگر گفتن لبیک را فراموش کرد، یا از روی ندانستن مسأله، نگفت، لازم است برگردد، و از میقاتی که به صورت ظاهر احرام بسته، لبیک بگوید و احرام ببندد، و اگر بازگشت ممکن نیست، اگر داخل حرم نشده، در همان جا لبیک بگوید و محرم شود، و اگر داخل حرم شده، به مرز حرم (ادنی الحل) برگردد، و در آنجا لبیک بگوید و محرم شود، و اگر آن هم ممکن نیست، از همان جا که مسئله را یاد گرفته یا به یادش آمده است لبیک بگوید و محرم شود.

مسأله ۱۱۹. در گذشته گفته شد لبیک در احرام به منزلهٔ تکبیرهٔ الاحرام در نماز است و انسان بدون آن دو، وارد عمل نمی‌شود، بنا بر این کسی که لبیک نگفته ولی لباس پوشیده و از میقات عبور کرده، محرم نمی‌شود، و اگر چیزهایی که بر محرم حرام است که بعدا خواهیم گفت به جا آورد، حرام نبوده و کفاره ندارد. همچنین اگر کسی لبیک را به عنوان «ریا» بگوید.

مسأله ۱۲۰. هرگاه در عمل عمره از میقات بگذرد و شک کند

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۸

که آیا به هنگام احرام، نیت عمرهٔ تمتع کرده یا نیت احرام در حج تمتع، باید بنا را بر این بگذارد که نیت احرام عمرهٔ تمتع کرده است.

همچنین اگر در روز هشتم که معمولا برای حج احرام می‌بندند، پس از بستن احرام، تردید کند که آیا برای عمرهٔ تمتع احرام بسته که احرام او باطل باشد یا برای حج که احرام او صحیح باشد. باید بنا را بر دومی بگذارد و چه بهتر که لبیک را دوباره بگوید و محرم شود.

## مستحبات و مکروهات احرام

مسأله ۱۲۱. مستحب مؤکّد است قبل از احرام، انسان غسلی به نیت آن انجام دهد، و این غسل را می‌توان در میقات یا در محل اقامت، مانند هتل انجام داد، مشروط بر اینکه مردان پس از غسل تا رسیدن به نقطهٔ احرام از پوشیدن لباس‌های دوخته پرهیز کنند.

مسأله ۱۲۲. باید لبّیک را در میقات بگوید و تأخیر آن جایز نیست، و اگر به تأخیر انداخت باید بسان کسی که بدون احرام از میقات عبور کرده عمل کند و حکم آن در مسأله ۱۱۸ گذشت.

مسأله ۱۲۳. گفتن لبّیک، فقط یک بار واجب است و آن هم به هنگام بستن احرام در میقات است، ولی تکرار آن مستحب است، خصوصا اگر هفتاد بار بگوید که ثواب زیادی دربارهٔ آن وارد شده است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۵۹

مسأله ۱۲۴. تکرار لبیک از میقات تا دیدن خانه‌های مکه در عمره تمتع مستحب است، ولی آن گاه که خانه‌های مکه نمایان گشت، لبیک را قطع کند، و کسی که پس از عمرهٔ تمتع برای حج احرام می‌بندد، تکرار آن تا نزدیکی‌های ظهر عرفه مستحب است، و از ظهر عرفه به بعد آن را باید قطع کند. و اگر کسی برای عمره مفرده محرم شود، اگر از خارج حرم محرم شود تکرار «لبیک» تا دخول حرم، و اگر از مکه محرم شود تکرار آن تا دیدن کعبه است.

مسأله ۱۲۵. لال و کر مادرزاد زبان را مانند کسانی که «لبیک» می‌گویند حرکت دهد و انگشت اشاره کند، و اگر بر اثر عارضه‌ای زبان او بند آمده با اخطار در قلب، به شیوه سابق عمل نماید.

مسأله ۱۲۶. اگر در حال طواف، بینی او نجس شود، باید طواف را قطع کند و بینی را آب بکشد و طواف را از همان جا به پایان برساند، اگر به همان حالت طواف را ادامه دهد و نماز بخواند، باید طواف و نماز را از سر بگیرد و اگر سعی هم انجام داده باشد، آن را نیز اعاده کند.

مسأله ۱۲۷. مستحبات احرام چند چیز است:

۱. قبلا بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و زیر شکم را با نوره پاک کند.

۲. کسی که قصد حج دارد، از اوّل ماه ذی قعده و شخصی که می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد از یک ماه پیش، موی سر و ریش

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۰

خود را کوتاه نکند.

۳. پیش از احرام، مؤکدا در میقات غسل کند، و زن حائض و نفسا نیز می‌توانند این غسل را انجام دهند.

۴. دو جامهٔ احرام سفید و از پنبه باشند.

۵. در صورت امکان، پس از فریضهٔ ظهر احرام ببندد، و در صورتی که امکان نداشته باشد، بعد از یک فریضه دیگر و اگر آن هم ممکن نباشد، پس از شش رکعت یا دو رکعت نماز مستحبی این کار را انجام دهد.

۶. هنگام پوشیدن دو جامهٔ احرام بگوید:

«الحمد للّه الّذی رزقنی ما أواری به عورتی و أؤدّی فیه فرضی و أعبد فیه ربّی».

۷. آن که تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، به ویژه در چند وقت:

برخاستن از خواب بعد از هر نماز واجب و مستحب وقت سوار شدن و پیاده شدن وقت رسیدن به مسافرانی که سوار بر مرکبی هستند هنگام بالا رفتن از سر بالایی یا پایین آمدن از سراشیبی آخر شب وقت سحر.

مسأله ۱۲۸. مکروهات احرام چند چیز است:

احرام در جامهٔ سیاه خوابیدن محرم بر تشک و بالش زرد

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۱

رنگ احرام بستن در جامهٔ چرکین در جامهٔ راه راه رفتن به حمام‌های عمومی که شرایط خاصی داشته است بستن حنا و رنگ کردن موها، رنگی که برای زنان آرایش به حساب بیاید و رنگ آن تا وقت احرام باقی بماند ولی رنگی که مطابق رنگ طبیعی موی زن، می‌باشد مکروه نیست و احتیاط آن است که در حال احرام از آن رنگ نیز استفاده نکند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۳

## فصل پنجم محرمات احرام

### اشاره

محرمات احرام، چیزهایی است که برای محرم، و احیانا برای غیر محرم نیز حرام می‌باشد. مثلا شکار کردن در حرم، برای محرم و غیر محرم، حرام است، ولی بیشترین محرمات در این فصل، از آن کسانی است که با گفتن لبّیک محرم می‌شوند، و تعداد آنها ۲۳ تا است. البته بسیاری از محرمات با حلق و یا تقصیر حلال می‌شوند مگر عطر که در حج با سعی حلال می‌شود. و زن و مرد نیز، پس از طواف نساء بر همدیگر حلال می‌شوند.

### اوّل: شکار

مسأله ۱۲۹. کشتن حیوان صحرایی و وحشی حرام است، مگر این که از آزار آن بترسد که در این صورت کشتن آن اشکال ندارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۴

مسأله ۱۳۰. خوردن گوشت شکار بر محرم، حرام است، چه خودش شکار کرده باشد چه دیگری، خواه شکارچی محرم باشد یا غیر محرم.

مسأله ۱۳۱. نشان دادن شکار به شکارچی، حرام می‌باشد، بلکه هر نوع کمک به او برای محرم، حرام است.

مسأله ۱۳۲. اگر محرمی، شکار را سر ببرد، بر محرم و غیر محرم خوردن آن، حرام است، ولی اگر با تیر یا سگ‌های شکاری شکار کند، خوردن آن بر محرم حرام است و بنا بر احتیاط بر غیر محرم، نیز حرام می‌باشد.

مسأله ۱۳۳. محرم می‌تواند حیوان دریایی را شکار کند، و مقصود از آن، حیوانی است که زیر آب زندگی می‌کند، بنا بر این، پرندگان دریایی که گاهی در آب و گاهی در خشکی زندگی می‌کنند، از گروه حیوانات دریایی به شمار نمی‌آیند.

مسأله ۱۳۴. محرم، می‌تواند حیوانات اهلی را مانند مرغ و گاو و گوسفند و شتر، ذبح کند و از گوشت آنان بخورد.

مسأله ۱۳۵. پرندگان وحشی، شکار صحرایی هستند، و ملخ نیز از همین گروه است.

مسأله ۱۳۶. کشتن زنبوری که احتمال دارد به انسان آسیب برساند، اشکالی ندارد، در غیر این صورت حرام است، و در هر

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۵

حال کشتن زنبور کفاره دارد، کفّارهٔ آن دادن مقداری آرد گندم به فقیر است.

## دوم: التذاذ جنسی

مسأله ۱۳۷. نزدیکی با زن و بوسیدن و لمس کردن با شهوت و یا نگاه همراه با آن و هر نوع رفتار شهوانی که با لذت همراه باشد، برای محرم، حرام است، ولی بدون قصد لذت یا نگاه شهوت‌انگیز زن و مرد می‌توانند باهم زندگی کنند و در یک اتاق دربسته استراحت نمایند.

مسأله ۱۳۸. هرگاه کسی در اثنای عمرهٔ تمتّع پیش از سعی جماع کند، عمرهٔ او باطل می‌شود و باید عمرهٔ خود را تجدید کند، ولی هرگاه پس از سعی و قبل از تقصیر، این عمل را انجام دهد، عمرهٔ او صحیح است، فقط باید کفّاره بدهد.

مسأله ۱۳۹. احتیاط آن است که اگر پیش از سعی صفا و مروه که یکی از اعمال عمره تمتع است، با زن نزدیکی کند، عمره را به پایان برساند، و دوباره عمره به جا آورد، ولی هرگاه پس از سعی این عمل را مرتکب شود، فقط کفاره بر او لازم است.

مسأله ۱۴۰. اگر در احرام حج، از روی عمد با زن نزدیکی کند، و این کار پس از احرام و قبل از وقوف در عرفات یا قبل از وقوف

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۶

در مشعر الحرام انجام گیرد، احکام زیر بر آن مترتب است:

۱. حج او باطل می‌شود.

۲. باید اعمال حج را به پایان برساند.

۳. در سال آینده دوباره حج انجام دهد.

۴. باید یک شتر کفّاره بدهد.

مسأله ۱۴۱. اگر محرم در حج، پس از وقوف در مشعر با زن نزدیکی کند، هرگاه این عمل پیش از نیمه اوّل طواف نساء، انجام بگیرد، حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد و کفاره آن یک شتر است، و اگر پس از نیمه دوم طواف نساء باشد، حج او صحیح است و کفاره هم ندارد.

مسأله ۱۴۲. اگر همسر خود را از روی شهوت ببوسد، کفارهٔ آن یک شتر است، خواه منی از او خارج بشود یا نه و اگر بدون شهوت ببوسد، کفّارهٔ آن یک گوسفند است.

مسأله ۱۴۳. اگر عمدا به غیر همسر خود نگاه کند و منی از او خارج شود، در صورت توانایی مالی، کفّاره آن یک شتر است، و اگر نمی‌تواند، یک گاو، و اگر به اندازهٔ آن هم توانایی ندارد، باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۱۴۴. اگر به همسر خود از روی شهوت نگاه کند، و منی خارج شود، کفّارهٔ آن، یک شتر است، و اگر به صورت عادی

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۷

نگاه کند، کفاره ندارد، هر چند حالتی پیش بیاید که منی از او خارج شود.

مسأله ۱۴۵. اگر با شهوت به بدن همسر خود، دست بزند، کفارهٔ آن یک گوسفند است، خواه منی از او خارج شود یا نشود، و اگر بدون شهوت دست بزند، کفاره ندارد، هر چند حالتی پیش آید که منی از او خارج شود.

مسأله ۱۴۶. هرگاه دست زدن یا نگاه کردن از روی شهوت، به خاطر فراموشی حکم خدا یا ندانستن آن از انسان سر بزند، عمره و حج او صحیح است و کفاره ندارد، ولی آن کس که این کار را از روی ناآگاهی از حکم الهی انجام دهد، گناه کار است.

مسأله ۱۴۷. هرگاه مردی همسر خود را وادار به آمیزش جنسی کند، بر مرد دو کفاره واجب می‌شود، و بر زن چیزی نیست، مگر این که زن هم در آغاز کار یا در اثنا، راضی شود، در این صورت کفّارهٔ زن بر خود او واجب است.

## سوم: عقد کردن

مسأله ۱۴۸. خواندن عقد نکاح بر محرم حرام است، خواه کسی را برای خود عقد کند، یا برای محرم دیگر یا برای کسی که محرم نیست، همچنین حرام است در حال احرام در مجلس عقد به عنوان شاهد، حاضر شود (تحمل شهادت)، خواه برای محرم خوانده شود یا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۸

غیر محرم.

مسأله ۱۴۹. شهادت دادن (ادای شهادت) بر عقد، چه در حال احرام شاهد آن شده باشد، یا در حال غیر احرام، جایز است، هر چند احتیاط مستحب آن است که، آن را ترک کند.

مسأله ۱۵۰. خواستگاری در حال احرام، مکروه است.

مسأله ۱۵۱. محرم می‌تواند به همسر مطلّقهٔ خود اگر طلاقش رجعی باشد، رجوع کند. و زن در عده طلاق خلعی می‌تواند از بدل خود برگردد.

مسأله ۱۵۲. هرگاه محرم زنی را برای خود عقد کند، در صورت علم به حکم مسأله، و این که عقد زن در حال احرام، حرام است، آن زن تا ابد بر محرم حرام می‌شود چه آن زن محرم باشد و چه نباشد، و خواه او نیز عالم به مسأله باشد یا نباشد.

مسأله ۱۵۳. اگر محرم، زنی را برای خود عقد کند در حالی که آگاه از حکم شرعی آن نبود، عقد او باطل است، ولی زن برای ابد حرام نمی‌شود، و بعدها می‌تواند او را عقد کند.

مسأله ۱۵۴. در مسائل گذشته فرقی بین عقد دائم و عقد موقت نیست.

مسأله ۱۵۵. هرگاه مرد غیر محرم، زن محرمی را برای خود عقد کند، اگر یکی از آنان از حکم مسأله آگاه باشد و بداند که عقد در حال احرام، حرام است، چنین عقدی باطل و آن زن برای آن مرد تا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۶۹

ابد حرام می‌شود.

مسأله ۱۵۶. هرگاه برای محرمی عقد بخواند و او با همسرش نزدیکی کند در صورتی که زوج و زوجه و عاقد هر سه از حکم

شرعی این کار (حرام بودن) اطلاع داشته‌اند، بر هر یک جداگانه کفاره واجب است. و کفّارهٔ آن یک شتر است، و اگر برخی از حکم شرعی آگاه بوده و برخی نبوده‌اند، کفاره تنها بر کسانی واجب است که حکم شرعی را می‌دانسته‌اند.

## چهارم: استمنا

مسأله ۱۵۷. مقصود از استمنا این است که به هر وسیله‌ای خواه با دست، خواه با بازی با همسر یا با تخیل و مانند اینها کاری کند که از او منی بیرون بیاید، در این صورت کفارهٔ آن یک شتر است، بنا بر احتیاط در مواردی که نزدیکی با زن موجب باطل شدن حج می‌شود، استمنا نیز حج را باطل می‌کند.

## پنجم: عطر زدن

مسأله ۱۵۸. استعمال عطرها مانند مشک و عود و عنبر و زعفران و گلاب و مانند اینها در حال احرام، جایز نیست چه به عنوان بوییدن و یا مالیدن به لباس و بدن و یا خوردن باشد، بنا بر این

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۰

استعمال صابون‌ها و شامپوهای معطر و همچنین خوردن غذاهایی که زعفران و چیزهای خوشبو دارد جایز نیست.

از بوییدن نعنا و کلیه سبزی‌های خوشبو خودداری شود ولی استفاده از آنها برای خوراک اشکال ندارد.

مسأله ۱۵۹. اگر بدن و یا لباس محرمی در طواف و یا صف جماعت و یا غیر آن، بر اثر تماس با دیگران بوی خوش گرفت، اشکال ندارد ولی اختیارا نباید آن را ببوید.

مسأله ۱۶۰. اگر در حال احرام کسی به انسان عطر و یا گلاب پاشید چون خارج از اختیار انسان است، مانع ندارد ولی نباید اختیارا آن را ببوید.

مسأله ۱۶۱. رسیدن بوی خوش پرده کعبه، اشکال ندارد و اجتناب از آن لازم نیست.

مسأله ۱۶۲. هرگاه برای دفع سرما و گرما ناچار است از لباس و یا غذای معطّر استفاده کند، در این صورت باید بینی خود را بگیرد و از بوییدن عطر آن خودداری کند.

مسأله ۱۶۳. باید از گل‌هایی که برای عطرگیری کاشته می‌شوند، مانند گل محمدی و گل یاسمن و گل نیلوفر، پرهیز کرد، ولی در غیر این نوع گل‌ها، اجتناب لازم نیست.

مسأله ۱۶۴. از بوییدن و خوردن چیزهای خوشبویی چون

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۱

دارچین و زنجبیل خودداری شود.

مسأله ۱۶۵. خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب و به، مانعی ندارد، ولی بهتر است از بوییدن آنها خودداری کند.

مسأله ۱۶۶. محرم نباید از بوی بد، بینی خود را بگیرد، ولی تند رفتن و فرار از چنین محلّی اشکال ندارد.

مسأله ۱۶۷. خرید و فروش انواع عطر و خوشبوکننده‌ها در حال احرام جایز است، ولی نباید آنها را حتی برای آزمایش ببوید.

مسأله ۱۶۸. کفّارهٔ بوی خوش در صورت استفادهٔ خوردنی، یک گوسفند است، و در استعمالات دیگر مانند مالیدن به لباس و بدن و بوییدن آنها احتیاطا یک گوسفند است.

مسأله ۱۶۹. اگر در یک وقت، چند بار از بوی خوش استفاده کرد، یک کفاره واجب است، و اگر در اوقات مختلف این کار را انجام داد، کفاره، مکرّر می‌شود و اگر غذای خوشبویی را خورد و فورا کفاره را داد، و سپس دوباره از آن استفاده کرد، کفاره

تکرار می‌شود، و این حکم در بوییدن تنها بنا بر احتیاط است.

## ششم: پوشیدن لباس دوخته یا شبیه آن

مسأله ۱۷۰. پوشیدن لباس‌های دوختنی، مانند پیراهن و شلوار و قبا بر مردان محرم حرام است، و بنا بر احتیاط، از چیزهای بافتنی یا آنچه که به شکل پیراهن یا شلوار درآید، نیز پرهیز کنند. ولی همراه

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۲

داشتن همیان و کیف، و ساک دوخته و قمقمه آب و کیسه‌هایی که برای حفاظت از دمپایی و وسایل همراه زائر است و امثال اینها مانند گهواره‌های کوچکی که برای بچه‌ها روی دست می‌گیرند اشکال ندارد ولی از ماسک‌های بهداشتی که بند آنها دوخته شده و عرفا به آن پوشیدن گفته می‌شود خودداری شود.

مسأله ۱۷۱. دمپایی دوخته اگر تمام روی پا را تا آنجا که مسح می‌کنیم نپوشاند، اشکالی ندارد و همچنین کمربند اگر از حد معمول پهن‌تر نباشد و نوعی پوشش به حساب نیاید، بی‌اشکال است.

مسأله ۱۷۲. همراه داشتن فتق‌بند در صورت ضرورت مانعی ندارد، هر چند دوخته باشد، ولی اگر دوخته بود کفاره بدهد.

مسأله ۱۷۳. هرگاه برای ضرورتی ناچار به پوشیدن لباس دوخته شد، باید کفاره بدهد، هر چند خلاف شرع انجام نداده است.

مسأله ۱۷۴. کفاره پوشیدن لباس دوخته و نظیر آن، یک گوسفند است.

مسأله ۱۷۵. احتیاط آن است، لباس احرام را با سنجاق قفلی به هم وصل نکند ولی در حال ضرورت، که گاهی در مشعر الحرام و غیره پیش می‌آید، مانعی ندارد.

مسأله ۱۷۶. زنان می‌توانند از لباس دوخته بهره بگیرند، فقط نباید دستکش در دست کنند خواه برای حفظ از سرما یا برای زینت

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۳

باشد.

مسأله ۱۷۷. اگر مرد محرم لباس دوخته و یا شبیه دوخته را پوشید و کفاره آن را پرداخت و سپس لباس دوخته دیگری را پوشید یا همان لباس را به درآورد و دوباره پوشید، باید کفّارهٔ دیگری بدهد.

مسأله ۱۷۸. اگر مرد محرم چند لباس دوخته را در یک مجلس و یک زمان باهم پوشید یک کفاره دارد ولی اگر چند لباس دوخته را در دو مجلس یا بیشتر بپوشد، کفارهٔ آن متعدد خواهد بود.

## هفتم: سرمه کشیدن

مسأله ۱۷۹. سرمه کشیدن با سرمه‌ای که جنبهٔ زیبایی دارد، حرام است، خواه آن را قصد کند یا نکند، و احتیاط واجب آن است که از مطلق سرمه که در آن جنبهٔ زیبایی هست، اجتناب کند، و اگر سرمه، ماده خوشبویی داشته باشد، هر چند برای زیبایی نباشد، حرام است.

مسأله ۱۸۰. سرمه کشیدن بر زنان نیز مانند مردان در حال احرام حرام است و در این قسمت میان مرد و زن تفاوتی نیست.

مسأله ۱۸۱. در کشیدن سرمه، کفاره نیست ولی اگر همراه با بوی خوشی باشد، کفّاره دارد.

مسأله ۱۸۲. اگر برای استعمال سرمه، ضرورتی باشد و چیزی جایگزین آن نباشد، مانعی ندارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۴

## هشتم: نگاه کردن در آیینه

مسأله ۱۸۳. مقصود این است که انسان در آینه نگاه کنـد تا چهرهٔ خود را ببیند و یا خود را بیاراید ولی اگر برای رفع خون از بینی و صورت به آینه می‌نگرد، مشکلی ندارد. و همچنین اگر راننده برای آگاهی از پشت سر به آینه می‌نگرد اشکالی ندارد.
مسأله ۱۸۴. در این حکم فرقی میان زن و مرد نیست.
مسأله ۱۸۵. نگاه کردن در اجسام صـیقلی مانند صـفحهٔ استیل یا شیشه‌هایی که برخی اوقات جنبهٔ آینه پیدا می‌کنند یا نگاه کردن در آب صاف، اگر به قصد زینت باشد، حرام است.
مسأله ۱۸۶. عینک زدن برای محرم مادامی که زینت حساب نشود اشکال ندارد.
مسأله ۱۸۷. نگاه کردن در آینه کفاره ندارد ولی مستحب است پس از آن، «لبیک» را تکرار کند.
مسأله ۱۸۸. هرگاه محرم در اتاقی زندگی می‌کند که در آن آینه هست، اگر به قصد زینت در آن نگاه نکند، اشکالی ندارد، و برای جلوگیری از احتمال حرام، پارچه‌ای روی آن بیفکند.

## نهم: پوشیدن روی پا

مسأله ۱۸۹. پوشیدن چیزهایی مانند چکمه، گیوه و جوراب که
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۵
تمام روی پا را می‌گیرد، و به بدن می‌چسبد، برای محرم حرام است.
مسأله ۱۹۰. پوشیدن تمام روی پا با آنچه یاد شد، برای مردان حرام است نه زنان.
مسأله ۱۹۱. اگر مرد به پوشیـدن آنچه تمـام روی پـا را می‌گیرد، نیازمنـد شـود، احتیـاط آن است که آن را شـکاف دهـد، و حـالت یکپارچگی آن را از بین ببرد.
مسأله ۱۹۲. در پوشیدن تمام روی پا با آنچه یاد شد، کفاره نیست، ولی مستحب است یک گوسفند قربانی کند.

---

تبریزی، جعفر سبحانی، مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ ه ق مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)؛ ص: ۷۵

## دهم: سخنان ناشایست (فسوق)

مسأله ۱۹۳. یکی از محرمـات برای محرم فسـوق اسـت کـه مقصـود از آن سـه چیز اسـت: دروغ گفتن، دشـنام دادن، فخرفروشـی بر یکدیگر.
مسأله ۱۹۴. سخنان ناشایست، کفاره ندارد.

## یازدهم: جدال

مسأله ۱۹۵. مقصود از جـدال آن است که برای اثبات سـخنی یا ردّ سـخنی به خـدا سوگنـد بخورد، خواه با لفظ جلاله «اللّه» باشد یا معادل آن در زبان‌های دیگر.
مسأله ۱۹۶. هرگاه به غیر لفظ جلاله یا معادل آن سوگند یاد

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۶

کند، مثلا به رحمان و رحیم و خالق آسمانها و زمین، قسم بخورد، آن نیز جدال محسوب می‌شود.

مسأله ۱۹۷. هرگاه در حال احرام، برای اثبات حق مالی خود نیازمند سوگند شود، این کار، اشکالی ندارد.

مسأله ۱۹۸. هرگاه کمتر از سه مرتبه سوگنـد راست یاد کنـد، کفارهٔ آن، اسـتغفار است، ولی در مرتبه سوم کفارهٔ آن یک گوسـفند است.

مسأله ۱۹۹. اگر در مقام جدال سوگند دروغ یاد کند، در مرتبهٔ نخست کفارهٔ آن یک گوسفند، و در مرتبهٔ دوم یک گاو و در مرتبهٔ سوم، یک شتر است.

مسأله ۲۰۰. هرگاه، به هنگام جـدال سوگند دروغی یاد کرد و کفارهٔ آن را پرداخت، ولی باز سوگند دروغ یاد کرد، کفارهٔ آن یک گاو است، و همچنین اگر پس از قربانی گاو، بار دیگر جدال کرد، کفارهٔ آن یک شتر است.

مسأله ۲۰۱. اگر در مقام جـدال، سه مرتبه یا بیشتر سوگنـد راست یاد کرد، کفارهٔ آن یک گوسـفند است، مگر این که کفارهٔ آن را بپردازد و بار دیگر سه مرتبه یا بیشتر سوگند راست یاد کند، در این صورت نیز کفاره آن یک گوسفند است.

مسأله ۲۰۲. اگر به دروغ سه بار یا بیشتر سوگند یاد کند،

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۷

کفـارهٔ آن یک شتر است، و اگر کفّاره آن را بپردازد برای مرتبـهٔ چهارم یک گوسـفند، و مرتبـهٔ پنجم یک گاو و برای مرتبـهٔ ششـم دوباره شتر است. و تمام موارد یاد شـده در صورت علم به حکم شـرعی و عمد است، ولی اگر از روی فراموشـی و یا جهل قسم یاد کرد، و جدال نمود، چه دروغ و چه راست، کفاره ندارد.

## دوازدهم: کشتن جانوران

مسأله ۲۰۳. کشتن حشراتی که در بدن انسان پیدا می‌شوند، مثل شپش و کک و کنه.

مسأله ۲۰۴. انـداختن این نوع حشـرات از بدن جایز نیست و همچنین انتقال آنها از نقطه‌ای از بدن، به نقطه دیگر، مخصوصا اگر این انتقال او را در معرض افتادن از بدن قرار دهد.

## سیزدهم: زینت نمودن

مسأله ۲۰۵. انگشتر به دست کردن، برای زینت، از محرّمات احرام است، ولی انگشتری که جنبهٔ زینت ندارد، مثلا برای حرز یا ثواب از آن استفاده می‌شود، اشکال ندارد.

مسأله ۲۰۶. اسـتعمال حنا اگر در عرف، زینت حساب شود، برای محرم حرام است، هر چند قصد زینت نکند، به شرط این که بعد از حنا بستن، اثر آن در محلّ باقی بماند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۸

مسأله ۲۰۷. اگر قبل از احرام حنا ببندد، و اثرش تا زمان احرام بماند، اشـکال ندارد، ولی احتیاط مستحب آن است که از آن استفاده نکند. و همچنین است رنگ کردن مو قبل از احرام و پاک کردن آن به هنگام احرام لازم نیست.

مسأله ۲۰۸. مرد و زن محرم از هر چیزی که زینت شمرده می‌شود باید اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد.

مسأله ۲۰۹. پوشـیدن زیورهایی که زن قبل از احرام عادت به پوشـیدن آنها داشـته اشـکالی ندارد، ولی باید آنها را از دید نامحرم و حتی شوهر خود حفظ نماید.

## چهاردهم: روغن مالیدن بر بدن

مسأله ۲۱۰. مالیدن روغن به بدن، اگر چه بوی خوشی در آن نباشد، حرام است.

مسأله ۲۱۱. استفاده از روغنی که پیش از احرام از آن بهره می‌گیرند و اثرش تا وقت احرام باقی می‌ماند، جایز نیست.

مسأله ۲۱۲. در هنگام ضرورت، مانند بیماری‌های پوستی، یا جلوگیری از عرق‌سوز شدن یا برای بهبود یافتن آن می‌توانند از روغنی استفاده کنند که بوی خوش ندارد. ولی بهتر است در حال احرام، اگر برای او حرجی نباشد تحمل نماید.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۷۹

مسأله ۲۱۳. خوردن روغن، اگر فاقد بوی خوش باشد، در حال احرام، اشکال ندارد.

مسأله ۲۱۴. مالیدن روغن به بدن اگر بوی خوش نداشته باشد، کفاره ندارد، ولی مستحب است گوسفندی قربانی کند.

مسأله ۲۱۵. کفارهٔ استفاده از روغن خوشبو یک گوسفند است، هر چند از روی اضطرار باشد.

## پانزدهم: زدودن مو از بدن

مسأله ۲۱۶. ازالهٔ مو از بدن خود یا دیگری، خواه محرم باشد، خواه غیر محرم، حرام است.

مسأله ۲۱۷. زدودن مو، هر چند یک مو باشد، حرام است.

مسأله ۲۱۸. زدودن مو برای ضرورت، اشکال ندارد، ولی باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۱۹. اگر به هنگام شستن صورت و یا وضو و غسل مویی از بدن خود به خود جدا شود، اشکال ندارد.

مسأله ۲۲۰. زدودن مو، مطلقا حرام است خواه به وسیلهٔ تراشیدن یا مالیدن داروی نظافت باشد یا کندن و یا قیچی کردن باشد.

مسأله ۲۲۱. کفاره سر تراشیدن اگر برای ضرورت باشد، دوازده مدّ آرد گندم است (مدّ ۷۵۰ گرم است) که باید به شش فقیر بدهد، و یا سه روز روزه بگیرد و یا گوسفندی را قربانی کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۰

مسأله ۲۲۲. کفارهٔ تراشیدن سر بدون ضرورت، یک گوسفند است.

مسأله ۲۲۳. اگر از زیر بغل‌های خود، مو بزداید، باید گوسفندی قربانی کند، و اگر از یک بغل این کار را انجام دهد، احتیاط آن است که گوسفندی را قربانی کند.

مسأله ۲۲۴. هرگاه موی سر را به وسیله‌ای غیر از تراشیدن، بزداید، حکم آن از نظر کفاره با تراشیدن یکی است.

مسأله ۲۲۵. اگر در حال التفات به احرام و عمدا دست خود را بر سر یا ریش خود بکشد و تار مویی، کنده شود، یک مشت آرد گندم کفاره بدهد.

## شانزدهم: پوشاندن سر برای مردان

مسأله ۲۲۶. پوشاندن سر برای مردان، به هر وسیله‌ای باشد، در حال احرام، حرام است، بنا بر این، پوشاندن سر به وسیله گل و حنا و دارو و بار برای حمل جایز نیست.

مسأله ۲۲۷. محرم نمی‌تواند سر زیر آب کند، حتی نمی‌تواند سر خود را در مایعات دیگری مانند گلاب و غیره فرو برد.

مسأله ۲۲۸. در پوشاندن سر، فرقی میان تمام سر یا بخشی از آن نیست، فقط در فرو بردن سر در آب و مایعات، اگر نیمی از سر

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۱

را فرو برد، اشکالی ندارد.

مسأله ۲۲۹. مقصود از سر همان است که عرفا به آن سر گفته می‌شود، بنا بر این گوش‌ها از سر حساب نمی‌شوند، همچنان که پوشاندن رو برای مردان مانعی ندارد، بنا بر این به هنگام خوابیدن، پوشانیدن صورت و گوش‌ها، اشکال ندارد.

مسأله ۲۳۰. استفاده از ماسک‌های بهداشتی، که بند آن را به پشت سر می‌اندازند، اگر بند آن پهن باشد و بخشی از سر را بپوشاند، در غیر صورت ضرورت، جایز نیست، مشروط بر این که مقصود از زدن ماسک جلوگیری از نفوذ ذرّات معلق در هوا و گازهای سمی اتومبیل‌ها باشد، نه جلوگیری از بوی بد، و استفاده از این ماسک‌ها برای زنان در غیر ضرورت جایز نیست زیرا بخشی از صورت آنان را می‌پوشاند ولی کفاره ندارد.

مسأله ۲۳۱. دستمالی که برای سردرد به سر می‌بندند، جایز است و کفاره ندارد.

مسأله ۲۳۲. گذاشتن سر روی بالش به هنگام خواب که بخشی از سر را می‌پوشاند، اشکال ندارد.

مسأله ۲۳۳. اگر پارچه‌ای را برای حفظ از پشه، روی چوب و مانند آن بیندازند و بالای سر قرار گیرد، مانند پشه‌بند، اشکالی ندارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۲

مسأله ۲۳۴. رفتن زیر دوش حمام، برای محرم، مانعی ندارد، ولی استفاده از آبشار گونه‌ای که تمام سر را بپوشاند، جایز نیست.

مسأله ۲۳۵. استفاده از موی مصنوعی برای زنان اشکالی ندارد، ولی اگر مردان عمدا از آن استفاده کنند، باید کفاره بدهند.

مسأله ۲۳۶. خشک کردن سر با حوله و دستمال و مانند آن برای مردان جایز نیست. مگر این که به صورت تدریج انجام بگیرد، و بعضی از سر در حکم تمام سر حساب می‌شود.

مسأله ۲۳۷. کفاره پوشاندن تمام سر، به هر نحو باشد بنا بر احتیاط یک گوسفند است. و کفاره پوشاندن برخی از سر نیز همین است.

مسأله ۲۳۸. اگر بعد از پوشاندن سر و پرداخت کفاره، مجدّدا سر را بپوشاند، بنا بر احتیاط باید کفّارهٔ مجدّد بدهد، و حتی اگر سر را در دو مجلس بپوشاند، هر چند در وسط کفاره نپرداخته باشد احتیاط آن است که دو کفاره بدهد.

## هفدهم: روبند زدن برای زنان

مسأله ۲۳۹. نقاب و روبند زدن برای زنان و همچنین ماسک‌های بهداشتی در غیر ضرورت در حال احرام، حرام است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۳

مسأله ۲۴۰. برخی از صورت نیز، حکم تمام صورت را دارد، ولی اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد، مانعی ندارد. و همین طور اگر صورت خود را در هنگام خواب روی بالش بگذارد، اشکالی ندارد. و خشک کردن صورت با حوله و دستمال برای زنان جایز نیست مگر به صورت تدریجی.

مسأله ۲۴۱. از آنجا که زن برای نماز باید سر را بپوشاند، برای آن بخشی از صورت پوشانده می‌شود، این مقدار اشکالی ندارد.

مسأله ۲۴۲. هر گاه زن محرم، برای این که صورت او از دید نامحرم محفوظ بماند، گوشهٔ چادر خود را پایین بیندازد اشکالی ندارد، به شرط آن که کوشش کند به صورت نچسبد.

مسأله ۲۴۳. پوشیدن نقاب و روبند در حال احرام با این که حرام است، کفاره ندارد.

## هجدهم: حرکت زیر سایبان برای مردان

مسأله ۲۴۴. حرکت در زیر سایبان متحرک مانند اتومبیل سقف‌دار و یا هواپیما برای مرد محرم جایز نیست، هر چند برای کودکان و

زنان اشکالی ندارد.

مسأله ۲۴۵. حرکت زیر سایبان‌های ثابت مانند دیوارها و تونل‌ها و درختان و کوه‌ها برای محرم، جایز است، خواه سواره باشد و یا پیاده. بنا بر این، هرگاه محرم در بین راه توقف کند، استراحت در قهوه‌خانه و یا رستوران‌های سرپوشیده مانعی ندارد، و همچنین

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۴

زندگی در مکه، عرفات و منی در خانه‌ها و خیمه‌ها بی‌اشکال است.

مسأله ۲۴۶. موقع رفتن به عرفات و منی باید از وسائل نقلیه بی سقف استفاده شود و هرگاه پس از ورود به مکه و یا منی بخواهد با سایبان‌های متحرک مانند چتر و اتومبیل سقف‌دار به مسجد الحرام برود و یا در منی از نقطه‌ای به نقطه‌ای حرکت کند، احتیاط آن است که از آن اجتناب کند.

مسأله ۲۴۷. در حرکت زیر سایبان‌های متحرک فرقی میان سواره و پیاده نیست و حتی کسانی که به وسیلهٔ کشتی حرکت می‌کنند، در حال احرام باید، زیر سقف آن قرار نگیرند.

مسأله ۲۴۸. حرکت با وسایط نقلیهٔ سرپوشیده، شب هنگام اشکال ندارد، مگر این که باد شدید یا باران در کار باشد. در این صورت می‌توانند وسیله را متوقف کنند و پس از برطرف شدن این دو پدیدهٔ جوّی حرکت کنند، در غیر این صورت، کفاره دارد، ولی تا ممکن است در شب نیز از وسایل نقلیه بدون سقف استفاده شود.

مسأله ۲۴۹. کفارهٔ حرکت با وسایط نقلیهٔ سرپوشیده هر چند برای ضرورت باشد یک گوسفند است.

مسأله ۲۵۰. هرگاه این عمل، در فریضهٔ عمره به طور مکرّر انجام گیرد، یک کفاره دارد، همچنین اگر در فریضهٔ حج صورت پذیرد، یک کفاره بیشتر ندارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۵

## نوزدهم: بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۲۵۱. بیرون آوردن خون از بدن در حال احرام به هر وسیلهٔ ممکن، در غیر حال ضرورت، جایز نیست، مانند خاراندن بدن و مسواک کردن دندان که موجب خونریزی می‌شود حتی گرفتن خون از بدن به وسیلهٔ سرنگ یا تزریق آمپول در حال احرام که موجب بیرون آمدن خون می‌شود، نیز چنین است.

مسأله ۲۵۲. هرگاه برای بیرون آوردن چرک از دمل، لازم باشد که از بدن خون بیرون آید، اشکالی ندارد.

مسأله ۲۵۳. محرم می‌تواند دیگری را که محرم نیست، حجامت کند و یا دندان او را بکشد، هر چند خون بیرون بیاید.

مسأله ۲۵۴. بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد، و احتیاط مستحب آن است که گوسفندی قربانی کند.

## بیستم: ناخن گرفتن

مسأله ۲۵۵. محرم نمی‌تواند ناخن بگیرد، و در این قسمت فرقی بین آلات ناخن‌گیری، مانند قیچی، چاقو یا ناخن‌گیرهای رایج نیست و همچنین از طریق غیر متعارف مثل کندن قسمتی از ناخن با دندان.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۶

مسأله ۲۵۶. اگر انگشت اضافی داشته باشد، احتیاط آن است که ناخن آن را نیز نگیرد، و همچنین اگر دست اضافی داشته باشد.

مسأله ۲۵۷. اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد آرد گندم (۷۵۰ گرم)، به عنوان کفاره به فقیر بدهد و برای ناخن دوم، یک مدّ دیگر و به همین ترتیب تا نه ناخن، ولی اگر ده ناخن دست خود را بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد، خواه آنها را در یک

مجلس گرفته باشد یا چند مجلس. و گرفتن ناخن پاها نیز همین حکم را دارد.

مسأله ۲۵۸. اگر تمام ناخن‌های هر دو دست و هر دو پا را در یک مجلس بگیرد، یک گوسفند کفاره آن است، و اما اگر در دو مجلس بگیرد، دو گوسفند باید بدهد.

مسأله ۲۵۹. کسی که کمتر از ده ناخن دارد، اگر تمام آنها را بگیرد، احتیاط آن است که به تعداد هر ناخن یک مدّ آرد گندم به همراه یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۶۰. اگر برای گرفتن ناخن ضرورتی پیدا کند، می‌تواند ناخن بگیرد ولی باید کفاره بدهد.

### بیست و یکم: کندن دندان

مسأله ۲۶۱. کندن دندان در حال اختیار برای محرم حرام

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۷

است، و در صورت ضرورت مانعی ندارد، ولی اگر خون بیرون آید، باید کفّاره بدهد.

### بیست و دوم: کندن و بریدن گیاه و درخت حرم

مسأله ۲۶۲. کندن و بریدن گیاه و درخت حرم، حرام است.

هرگاه پس از منزل گرفتن، درخت یا گیاهی به طور خودرو، در آنجا بروید، یا خود وی و دیگری آن را کاشته باشد، کندن و بریدن آنها اشکالی ندارد ولی هرگاه پیش از آن که منزل بگیرد، درختی و گیاهی در آنجا وجود داشته باشد، کندن و بریدن آنها جایز نیست.

مسأله ۲۶۳. بریدن درخت میوه‌دار و خرما، خواه خودرو باشد یا دیگری کاشته باشد، مانعی ندارد.

مسأله ۲۶۴. کندن گیاه مخصوصی به نام «اذخر» که در گذشته از آن برای پوشاندن بام‌ها، و یا روشن کردن کورهٔ آهنگران استفاده می‌شد، اشکال ندارد.

مسأله ۲۶۵. کفاره کندن و از ریشه درآوردن درخت، اگر بزرگ باشد، یک گاو و اگر کوچک باشد یک گوسفند است.

مسأله ۲۶۶. اگر بخشی از یک درخت را ببرد، باید قیمت آن را به عنوان کفّاره بدهد.

مسأله ۲۶۷. در کندن گیاهان کوچک کفاره‌ای جز استغفار نیست.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۸

مسأله ۲۶۸. هرگاه به هنگام راه رفتن، گیاه یا گیاهانی کنده شوند، اگر قصد این کار را نداشته، مانعی ندارد، و همچنین می‌تواند حیوانات اهلی را برای چریدن در حرم رها کند.

مسأله ۲۶۹. آنجا که بریدن و کندن درخت و گیاه حرم برای محرم جایز نیست، برای کسی هم که محرم نیست، حکم یکسان دارد.

### بیست و سوم: بستن سلاح بر خود

مسأله ۲۷۰. بستن سلاح گرم یا سرد بر خود در غیر حال ضرورت، حرام است. ولی حمل سلاح، در بار و اثاث، مانعی ندارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۸۹

## فصل ششم اعمال عمرهٔ تمتع

## اشاره

در گذشته یادآور شدیم که عمره تمتع از پنج عمل تشکیل می‌شود:

۱. احرام بستن، ۲. طواف کعبه، ۳. نماز طواف، ۴. سعی بین صفا و مروه، ۵. تقصیر یعنی گرفتن قدری از مو و یا ناخن.

## دربارهٔ عمل نخست (احرام بستن) و محرمات و مستحبات آن سخن گفتیم،

اکنون به توضیح چهار عمل باقیمانده می‌پردازیم:

## دوم. طواف کعبه

### اشاره

مسأله ۲۷۱. دومین واجب از اعمال عمره طواف کعبه، یعنی «هفت بار دور آن گردیدن» است، و هر دوری را «شوط» می‌نامند، طبعا هر طواف از هفت شوط تشکیل می‌شود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۰

مسأله ۲۷۲. «طواف کعبه» از ارکان به شمار می‌رود به این معنی «۱» که اگر کسی آگاهانه آن را ترک کند، و وقت جبران آن بگذرد، عمره او باطل می‌شود، خواه عالم به مسأله باشد یا نه.

مسأله ۲۷۳. هرگاه طواف را آگاهانه ترک کند، تا زمانی که وقت برای بستن احرام حج و رفتن به عرفات باقی باشد، می‌تواند جبران کند، و سعی و تقصیر- دو عمل پس از طواف را- تجدید نماید.

مسأله ۲۷۴. در صورت باطل شدن عمره، و نبودن فرصت برای اعاده، تکلیف او نسبت به حج که پس از عمره انجام می‌داد، دگرگون می‌گردد، دیگر نمی‌تواند نیت «حج تمتع» کند، بلکه باید به نیت «حج افراد» احرام ببندد و معنی «حج افراد و اعمال آن» در فصل جداگانه‌ای خواهد آمد.

مسأله ۲۷۵. هرگاه طواف کعبه را سهوا به جا نیاورد، عمل او درست، و هر موقع به خاطرش آمد، باید آن را انجام دهد و اگر از مکه خارج شده و در نیمه راه یا پس از رسیدن به وطن، به خاطرش آید، می‌تواند نائب بگیرد، همچنان که می‌تواند زحمت بازگشت را تحمل کند و شخصا طواف را انجام دهد.

مسأله ۲۷۶. شخص بیمار و یا پیر فرتوت را که توانایی طواف

---

(۱). اشاره به یک نکته فقهی لازم است و آن این که: معنی رکن در نماز غیر از رکن در حج است، ترک رکن در نماز عمدا و سهوا موجب بطلان نماز می‌شود ولی ترک رکن در حج در صورت عمد مایه بطلان است نه در صورت سهو.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۱

کردن را ندارد، باید طواف داد، یعنی به دوش گرفت یا بر تختی قرار داد، و هفت بار بر دور خانه خدا گردانید، و اگر این کار امکان‌پذیر نبود باید برای او نائب گرفت.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۲

### واجبات طواف

### اشاره

واجبات طواف بر دو گونه است:

اوّل: مقدمات طواف که مربوط به شخص طواف‌کننده است.

دوم: کیفیت طواف که مربوط به خود طواف است.

نخست دربارهٔ مقدمات، سپس دربارهٔ کیفیت آن سخن می گوییم:

### مقدمات طواف

#### اشاره

مقدمات طواف را پنج چیز تشکیل می‌دهد:

#### اوّل: نیت

طواف یک عمل عبادی است، و روح عبادت و اثر آن در نفس انسان، و در نیّت آن نهفته است. از این جهت باید، طواف به صورت آگاهانه و برای خداوند متعال انجام گیرد. و اگر برای ریا و یا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۳

دیگر انگیزه‌های غیر الهی صورت پذیرد، عمل او باطل خواهد بود.

#### دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر

«حدث اکبر» یعنی جنابت، حیض و نفاس، و «حدث اصغر» یعنی خواب و بول و غایط و ریح. و طهارت از هر دو به معنی غسل کردن (در حدث اکبر) و وضو گرفتن (در حدث اصغر) هنگام طواف لازم است.

مسأله ۲۷۷. طهارت از هر دو نوع حدث، شرط هر نوع طواف واجب است، خواه طواف عمره باشد یا طواف حج، و یا طواف نساء، هرگاه شخصی در چنین حالتی طواف کند، طواف او باطل است، خواه از روی علم و عمد این کار را انجام دهد یا از روی سهو و جهل.

مسأله ۲۷۸. در طواف مستحب، طهارت از حدث اکبر، شرط است ولی طهارت از حدث اصغر شرط نیست.

مسأله ۲۷۹. در گذشته یادآور شدیم: طواف از هفت شوط تشکیل می‌شود، اگر پیش از انجام نیمی از هفت شوط (سه شوط و نیم) حدثی اعم از اصغر و اکبر رخ دهد، طواف او باطل می گردد و پس از تحصیل طهارت باید عمل طواف را از سر گیرد و اگر پس از تجاوز از نصف، چنین حالتی پدید آید، پس از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده به تکمیل آن می‌پردازد.

مسأله ۲۸۰. اگر در اثناء طواف، جنابت و یا حیض رخ دهد

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۴

باید فورا مسجد را ترک کند، و حکم طواف از نظر تجدید و یا تکمیل همان است که در مسأله قبل گفته شد.

مسأله ۲۸۱. هرگاه از به کارگیری آب برای وضو و غسل معذور باشد، در صورتی که شرایط تیمم موجود باشد، می‌تواند تیمم کند، و طواف نماید.

مسأله ۲۸۲. هرگاه در اثناء طواف متوجه شود قبلا با وضو بوده ولی احتمال می‌دهد که بعدا حدثی مانند بول و یا خواب رخ داده باشد به شک خود اعتنا نکند، و عمل طواف را انجام دهد و همچنین است اگر بر طهارت خود از حدث اکبر یقین داشته ولی احتمال می‌دهد که جنب شده باشد، باید به شک خود اعتنا ننماید. اگر بعد از فارغ شدن از طواف شک کرد، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۲۸۳. هرگاه قبل از طواف، لازم بود که غسل کند، و یا وضو بگیرد ولی از وضع خود غفلت کرد و وارد عمل طواف شد، و احتمال می‌دهد که قبل از طواف، غسل کرده و یا وضو گرفته باشد، عمل او باطل است، خواه این شک در اثناء طواف رخ دهد، یا پس از پایان یافتن آن. و در اثنا هم، پیش از رسیدن به نیمه آن، باشد، یا پس از تجاوز از نیمه. بنا بر این باید خصوص جنب و حائض فورا مسجد را ترک کند و پس از تحصیل طهارت لازم، طواف را انجام دهد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۵

مسأله ۲۸۴. اگر پس از پایان یافتن طواف، در طهارت خود از حدث اکبر و اصغر، شک کند و سابقه او از نظر طهارت و حدث قبل از شروع به طواف روشن نباشد، به شک خود اعتنا نکند، ولی باید برای اعمال بعد، طهارت لازم را تحصیل کند.

مسأله ۲۸۵. اگر پس از فراغ از طواف بفهمد که وضو نداشته یا وضوی او باطل بوده است، باید طواف را اعاده کند و اگر نماز طواف نیز انجام داده است آن را نیز دو مرتبه بخواند.

مسأله ۲۸۶. اگر بعد از سعی- که یکی از اعمال عمره پس از طواف است، فهمید که در حال طواف وضو نداشته یا وضوی او باطل بوده باید طواف و نماز طواف و سعی را اعاده کند.

مسأله ۲۸۷. اگر پس از عمل تقصیر- که آخرین عمل از اعمال عمره است، فهمید که در حال طواف وضو نداشته و یا وضوی او باطل بوده، باید همهٔ اعمال را از طواف تا تقصیر با پوشیدن دو جامه احرام، اعاده کند.

### سوم: طهارت بدن و لباس

مسأله ۲۸۸. باید بدن محرم و جامه‌های احرام او از هر نوع نجاست پاک باشد، حتی از برخی از نجاساتی که در حال نماز عفو شده- مانند خون کمتر از مقدار درهم- «۱» نیز اجتناب کند.

---

(۱). مقدار درهم: مساوی با گودی کف دست انسان است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۶

مسأله ۲۸۹. چیز نجسی که ساتر «عورتین» نیست مانند جوراب و دستمال کوچک و حمل آنها در نماز جایز است، در حال طواف نیز بی‌اشکال است.

مسأله ۲۹۰. هرگاه بدن محرم به سبب دمل و یا زخم، خون‌آلود باشد باید برای طواف بدن را تطهیر کند، و جامه آلوده به خون را بشوید و یا عوض نماید.

مسأله ۲۹۱. هرگاه تطهیر بدن از خون دمل و زخم، حرجی باشد، اگر وقت طواف وسیع است، باید صبر کند تا به نحو آسان، بدن را تطهیر نماید، و در صورت ضیق وقت، می‌تواند با همان حالت، طواف نماید.

مسأله ۲۹۲. اگر پس از طواف آگاه شود که بدن و یا جامه‌های احرام، نجس بوده است، طواف او صحیح است.
مسأله ۲۹۳. اگر به هنگام شروع در طواف در پاکی بدن و جامه‌های احرام خود شک کند، اگر حالت سابقه آن دو، طهارت و یا نامعلوم بوده باشد می‌تواند طواف کند، حتی اگر بعدا کشف خلاف شود و معلوم گردد که بدن و جامه‌های او نجس بوده است، طواف او صحیح است و اعاده لازم نیست، ولی اگر حالت سابقه آن دو نجاست بوده نمی‌تواند وارد طواف شود و اگر هم طواف کرده است، عمل او باطل است، بلکه باید به تطهیر هر دو بپردازد سپس طواف کند.
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۷
مسأله ۲۹۴. اگر در اثناء طواف بدن و یا جامه‌های احرام، نجس شود، اگر بدون رها کردن طواف تطهیر آن ممکن نباشد، طواف را رها کند و فورا برگردد و طواف را از همان جا که قطع کرده شروع و به پایان برساند و در این جهت فرقی بین عروض نجاست پیش از نیمه طواف و یا پس از آن، نیست.
مسأله ۲۹۵. اگر در اثناء طواف در بدن و جامه‌های احرام خود، نجاستی را ببیند و احتمال دهد که نجاست در اثناء طواف عارض شده است، حکم آن همان است که در مسأله پیش گفته شد.
مسأله ۲۹۶. اگر در اثناء طواف در بدن و یا جامه‌های احرام خود، نجاستی را مشاهده کرد و یقین کند که این آلودگی قبل از طواف همراه او بوده است اگر تطهیر آن، بدون رها کردن طواف ممکن نیست، طواف را رها کند و پس از تطهیر از همان جا که طواف را قطع کرده است به پایان برساند.
مسأله ۲۹۷. اگر قبلا در نجس بودن بدن و یا جامه‌ها آگاه باشد ولی بعدا فراموش کند- مع الوصف- طواف نماید، طواف او باطل و باید اعاده کند.
مسأله ۲۹۸. نجاستی که در حال نماز از آن عفو شده در حال طواف معفو نیست، ولی محمول متنجس اگر ساتر نباشد برای طواف
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۸
مضر نیست.
مسأله ۲۹۹. افرادی که مبتلا به خروج مدفوع و یا بول یا باد هستند اگر وقت مشخصی دارد بتواند طواف و نماز را با وضو انجام دهد آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک انجام دهد و اگر چنین وقتی ندارد، برای طواف یک وضو و برای نماز وضوی دیگر بگیرد، و بنا بر احتیاط نائب هم بگیرد.

## شرط چهارم: ختنه

ختنه در مردان یکی از شرایط صحت طواف است و همچنین است پسر بچهٔ نابالغ، خواه ممیز باشد یعنی خوب و بد را تشخیص دهد و خود محرم شود و یا به خاطر کوچکی او را محرم کنند.
مسأله ۳۰۰. احرام کودک نابالغ صحیح است ولی پسر بچه اگر ختنه نشده باشد، طواف او باطل است و اگر بعدها ازدواج کرد چون- طواف نساء او که یکی از اعمال حج تمتع است- باطل می‌باشد، نمی‌تواند با همسر خود نزدیکی کند، مگر این که ختنه شود و شخصا طواف کند، و یا نائب بگیرد.
مسأله ۳۰۱. اگر کودک، ختنه شده متولد شود، طواف او صحیح است.
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۹۹

### شرط پنجم: ستر عورت

ستر عورت یکی از شرایط صحت طواف است، بلکه لازم است علاوه بر ستر عورت عریان و برهنه نیز نباشد.
مسأله ۳۰۲. باید جامه و کفش و دیگر لباس‌های طواف‌کننده مباح باشد، بنا بر این طواف در جامه و کفش غصبی باطل است.
مسأله ۳۰۳. پوشیدن جامه دوخته در حال احرام، موجب کفاره است و باید گوسفندی قربانی کند ولی اگر با همان حالت طواف کند طواف او صحیح است.
مسأله ۳۰۴. زن محرم باید در حال طواف روی پا و کف آن را بپوشاند، هر چند در حال نماز پوشانیدن آنها لازم نیست، و همچنین در حال نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در حال احرام پوشاندن آن جایز نیست و برای حفظ از نامحرم می‌تواند از وسیله‌ای استفاده کند که با عدم تماس با صورت، مانع از رؤیت گردد.
مسأله ۳۰۵. هرگاه در حال طواف مقداری از موهای سر زن و یا برخی از جاهای بدن به خاطر غفلت بیرون باشد اشکالی ندارد و اگر آگاهانه و با توجه به حکم شرعی آن، آن را نپوشاند مرتکب گناه شده ولی طواف او صحیح است، ولی اگر لباس احرام آن قدر نازک باشد که بدن زن از زیر آن دیده شود و یا در حال عرق کردن، چسبیدن لباس به بدن، بدن یا قسمتی از آن نمایان گردد، طواف و نماز با آن
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۰
اشکال دارد.
مسأله ۳۰۶. طواف که از هفت شوط تشکیل می‌یابد باید آن را به صورت عمل واحد به جا آورد و نباید آن قدر طول دهد که از این حالت بیرون آید.

### کیفیت طواف

### اشاره

تا این جا با شرایطی که مربوط به شخص طواف‌کننده بود آشنا شدیم، اکنون وقت آن رسیده است که با شرایطی که مربوط به کیفیت طواف است، آشنا شویم:
شرایط مربوطه به کیفیت طواف هفت تا است:

### ۱ و ۲. ابتدا و ختم به حجر اسود

طواف که از هفت شوط تشکیل می‌یابد، باید از «حجر الأسود» آغاز و با رسیدن به آن پایان پذیرد، طواف در حالی که یک امر عبادی است ولی حقیقت آن یک امر عرفی است، کافی است که در نظر عرف دقیق بگویند عمل خود را از محاذی حجر الأسود آغاز کرد و با رسیدن به محاذی آن پایان داد و این عمل را هفت بار تکرار نمود، و چون در ایام حج کثرت جمعیت مانع از تشخیص محاذات است لازم است کمی قبل از رسیدن به حجر الأسود نیت کند که: «طواف را از
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۱

محاذات واقعی حجر آغاز می‌کنم و با رسیدن به آن نقطه نیز پایان می‌دهم».

مسأله ۳۰۷. طواف عمل واحد است، و یک نیت در آغاز طواف کافی است، دیگر لازم نیست در هر شوطی جلوتر از محاذات حجر الأسود نیت را تجدید کند.

مسأله ۳۰۸. طواف باید از «حجر الأسود» شروع شود و در همان جا ختم گردد، اگر کسی سهوا، طواف خود را از «رکن یمانی» که پیش از «حجر الأسود» است، آغاز کند و در همان جا ختم کند، طواف او باطل است، ولی اگر در نهایت در حجر الأسود، ختم نماید و در حقیقت کسری را جبران نماید طواف او صحیح است مشروط به این که نیت واقعی او این باشد که طواف خود را از نقطه واقعی شروع می‌کند ولی خیال می‌کرد که آن نقطه واقعی رکن یمانی است و اگر کسی او را توجه می‌داد، فورا از حجر الأسود آغاز می‌کرد.

### ۳. قرار گرفتن کعبه در سمت چپ

شرط سوم این است که به هنگام طواف، کعبه، سمت چپ طواف‌کننده قرار گیرد.

مسأله ۳۰۹. شروع به طواف از حجر الأسود باید به گونه‌ای باشد که کعبه در سمت چپ طواف‌کننده قرار گیرد، بنا بر این شروع به طواف از حجر الأسود به گونه معکوس که کعبه سمت راست انسان

مناسك حج و احكام عمره (سبحانى)، ص: ۱۰۲

قرار گیرد، صحیح نمی‌باشد.

مسأله ۳۱۰. در آغاز طواف از «حجر الأسود» تا «حجر اسماعیل» کعبه در سمت چپ، و شانه چپ نیز محاذی کعبه قرار می‌گیرد ولی پس از رسیدن به دهانه اول «حجر اسماعیل» تا ضلع دوم حجر اسماعیل، کعبه پشت سر انسان قرار می‌گیرد، سپس به همان حالت نخست (کعبه سمت چپ و محاذی شانه چپ) پدید می‌آید، چنین حالتی که لازمه طبیعت طواف است، اشکالی ندارد و فقط کوشش شود پشت به کعبه یا رو به کعبه نشود.

مسأله ۳۱۱. اگر کسی بخواهد کعبه پیوسته در سمت چپ او قرار گیرد، می‌تواند پس از رسیدن به دهانه نخست حجر اسماعیل کمی متمایل به چپ و نیز قبل از رسیدن به دهانه دوم کمی متمایل به راست شود و به همین حالت تا رسیدن به محاذات کعبه به طواف خود ادامه دهد و اگر این محاذات اتفاق نیفتاد، طواف اشکالی ندارد.

مسأله ۳۱۲. اگر به خاطر ازدحام مقداری از طواف را طوری انجام دهد که روی طواف کنند یا پشت او به سمت کعبه باشد باید آن مقدار را جبران کند و راه جبران این است که به حرکت خود بدون نیت ادامه دهد، تا این که دوباره به نقطه‌ای که طواف او آسیب دیده و یا محاذی آن برسد و از آنجا شوط را تکمیل کند، و اگر نقطه‌ای که طواف او در آن آسیب دیده، و یا محاذی آن را به دقت به یاد ندارد

مناسك حج و احكام عمره (سبحانى)، ص: ۱۰۳

بدون نیت به حرکت ادامه دهد، و یک بار دیگر از حجر الاسود این شوط را تکرار کند به قصد این که هر مقدار قبلا پیموده جزء طواف نباشد و بقیه برای تکمیل آن شوط باشد.

مسأله ۳۱۳. طواف‌کننده می‌تواند تند یا آهسته پیاده، یا سواره یا با تکیه دادن به دیگری طواف کند، هر چند شایسته است اعتدال را رعایت کند.

مسأله ۳۱۴. در حال طواف، نگاه به سمت راست و چپ مانع ندارد، حتی می‌تواند طواف را قطع کند، و کعبه را لمس کند، و از

همان جا که قطع کرده، طواف را تمام کند.

## ۴. طواف از خارج حجر اسماعیل

حجر اسـماعیل، متصل به کعبه و دارای دو دهانه ورودی است و زائران داخل آن نماز می گزارنـد و دعا می‌خوانند، و معروف است که «اسـماعیل» و مـادر او «هاجر» در آن جا به خاک سپرده شده‌انـد، در حالی که «حجر اسـماعیل» جزو کعبه نیست ولی بایـد آن را بسان کعبه، دور زد و داخل طواف نمود.

مسأله ۳۱۵. اگر کسـی «حجر اسـماعیل» را دور نزنـد و از داخل آن طواف کنـد، طواف او باطل است. و اگر کسـی عمـدا و حتی از روی جهل به حکم شـرعی، این کار را انجام دهد بسان کسـی است که طواف را عمدا ترک کند، و اگر این کار را از روی سـهو و غفلت انجام دهد، بسان کسی است که سهوا طواف را ترک نماید و حکم

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۴

عمد و سهو، بعدا نیز بیان خواهد شد.

مسأله ۳۱۶. اگر کسـی سـهوا یـا از روی جهل به حکم شـرعی برخی از دورها را از داخل حجر اسـماعیل انجام دهـد، در این جا دو صورت دارد:

الف. اگر در همان اثناء عمل طواف متوجه شد باید شوط و یا اشواطی را که به طور غیر صحیح انجام داده تصحیح و یا اعاده کند. تصـحیح، نسبت به اوّلین دوری که وارد حجر شـده و اعـاده نسبت به دورهای بعـدی، اگر عمل ورود در حجر، در دو یا چنـد دور تکرار شـده؛ بنا بر این دور اولی را که وارد حجر شده تصـحیح می کند و بقیه را اعاده می‌نماید و شـیوۀ تصـحیح و یا اعاده در مسألۀ ۳۱۲ بیان شد.

ب. اگر پس از پایان یافتن عمل طواف متوجه شود، در صورتی که این اشتباه در شوطهای آخر و یا شوط هفتم رخ داده باشد، شیوۀ تـدارک آن نیز به همان نحوی است که در مسألـۀ ۳۱۲ گفته شد، ولی اگر شوط آخر درست بوده و اشـتباه در شوطهای پیشین رخ داده باشد، در این صورت نماز طواف پیشـین را اگر نخوانده- بخواند و سـپس به اندازه‌ای صبر کند که برای به هم خوردن موالات کافی باشد، سپس طواف دیگری به نیت اعم از اتمام و اعاده انجام دهد و نماز طواف به جا آورد.

مسأله ۳۱۷. اگر پس از اعمال حج تمتع- مثلا روزهای دوازدهم و سـیزدهم معلوم شود که برخی از شوطهای طواف عمره تمتع را از داخل حجر انجام شده است اگر این کار سهوا و از روی

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۵

غفلت انجام گرفته، باید طواف خود را به ضـمیمه نماز اعاده کند و حج او نیز صـحیح است، و اگر عمدا (به خاطر مسامحه) یا جهل به حکم شـرعی این کار انجام گرفته باشد عمره تمتع او باطل، و حج او به «حج افراد» تبدیل می‌شود، از این جهت باید برای تکمیل عمره افراد، عمره مفرده به جای آورد، و در سال بعد، حج واجب را به عنوان حج تمتع اعاده کند. «۱»

مسأله ۳۱۸. اگر کسـی برخی از شوطها را از درون حجر اسـماعیل انجام داد، و نماز طواف را خواند، و سعی میان صفا و مروه انجام داد و تقصیر کرد، سپس متوجه اشکال طواف شد، به خاطر به هم خوردن موالات، طواف و اعمال بعدی را تجدید نماید.

## ۵. طواف میان بیت و مقام ابراهیم

طواف بایـد بین خانه کعبه و مقام حضـرت ابراهیم صورت پـذیرد و مقام ابراهیم در مقابل یک ضـلع از اضـلاع چهارگانه کعبه قرار گرفته است و فاصله آن با کعبه تقریبا ۱۲ متر است، بنا بر این باید آنجا که مقام ابراهیم مشاهده می‌شود، میان آن دو طواف نماید و در اضلاع سه گانه دیگر، از دیوار کعبه بیش از ۱۲ متر دورتر نشود.

مسأله ۳۱۹. مبدأ این فاصله در سه ضلع کعبه، دیوار شاذروان

(۱). البته این حکم در صورت عمد به معنی مسامحه در انجام تکالیف، فتواست و در صورت جهل به حکم شرعی، احتیاط است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۶

است که به کعبه متصل است و در ضـلعی که حجر اسماعیل قرار گرفته است، مبدأ دیوار حجر است نه دیوار کعبه. بنا بر این مطاف در هر چهار طرف یک اندازه است و به صورت بیضی شکل است.

مسأله ۳۲۰. اگر در اثناء طواف، کارگران مشـغول نظافت مسـجد الحرام شونـد، و ادامه طواف در محـدوده یاد شده ممکن نباشد، و ناچار شود که از محدوده بیرون رود، باید صبر کند پس از پایان یافتن کار نظافت، طواف را از آنجا که قطع کرده به پایان برساند.

مسأله ۳۲۱. اگر به خـاطر ازدحـام جمعیت طـواف در محـدود تقریبـا ۱۲ متـر بـا زحمت و حرج همراه باشـد، می‌توانـد در خـارج از محدوده با رعایت الأقرب فالأقرب، طواف کند، و صبر کردن تا مطاف خلوت شود، لازم نیست هر چند موافق احتیاط است.

مسأله ۳۲۲. اگر طواف در محـدوده با برخورد به اجنبی و یا اجنبیه یا «هل دادن» همراه باشد، نمی‌تواند به خاطر این دو، در خارج از محدوده طواف کند، مگر این که طواف در آن، با حرج و مشقت فوق العاده همراه باشد.

مسأله ۳۲۳. قرآن مجیـد درباره طواف می‌فرماید: وَ لْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ (سوره، آیه ۲۹) بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کننـد. از این جهت باید طواف به گونه‌ای صورت پذیرد که طواف کننده در فضایی ما بین زمین و کعبه قرار گیرد، چون طبقه دوم

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۷

مسـجد الحرام بلنـدتر از سـطح کعبه است، طبعا طواف از آن جا صـحیح نمی‌باشـد و افراد معلول و ناتوان و پیر که قادر بر طواف از مسـجد الحرام نمی‌باشـند و قـوانین داخلی اجـازه نمی‌دهـد که این افراد را در خـود مسـجد الحرام طواف دهنـد، به خـاطر ضـرورت می‌تواننـد در طبقه دوم طواف کننـد و در صورت امکان نایب نیز بگیرند. و باید خود آنها و نائب نماز طواف را در نزد مقام ابراهیم به نحوی که گفته خواهـد شـد بخواننـد مگر اینکه نماز در نزد مقام ابراهیم برای این گروه حرجی و مشـقت‌زا باشـد در این صورت می‌توانند نماز طواف را در طبقه دوم به نحوی که پشت مقام ابراهیم حساب شود بخوانند.

## ۶. خروج از کعبه و شاذروان

طواف باید از بیرون کعبه انجام گیرد نه از درون آن و نه چیزی که از آن محسوب است.

مسأله ۳۲۴. برآمـدگی اطراف دیوار کعبه که به آن «شاذروان» می‌گویند جزء کعبه است و طواف باید بیرون از آن جا انجام گیرد و اگر کسـی مقـداری از طواف روی آن دور بزنـد، بایـد آن مقـدار را اعـاده کنـد، و چه بهتر که پس از اتمام طواف، آن را نیز اعاده نماید.

مسأله ۳۲۵. لازم است، موقع طواف دست روی دیوار حجر اسماعیل نگذارد و اگر بخشی از شوط را با همین حالت انجام دهد، باید آن مقدار را اعاده کند، و چون عقب رفتن مشکل است، راه خود

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۸

را به حجر الاسود ادامه دهـد و از آنجا شوط را آغاز کنـد. و آن مقدار را که قبلا صـحیح انجام داده، بدون نیت طواف برود، و بقیه را به قصد تکمیل شوط ناتمام به جای آورد.

## ۷. مراعات هفت شوط

طواف کعبه بایـد به صورت هفت شوط کامل بدون کم و زیاد صورت پذیرد، از این جهت از نظر کاستی و یا فزونی، احکامی دارد که به تدریج بیان می‌شود.

مسأله ۳۲۶. اگر کسـی عمـدا از آغاز طواف، نظرش این باشد که کمتر از هفت شوط و یا فزون‌تر از آن طواف کند، طواف او باطل است هر چند در هفت دور تمام نماید، زیرا با آگاهی کامل، خلاف امر الهی را قصد کرده است.

مسأله ۳۲۷. اگر از روی سهو و غفلت، و یا عدم آگاهی از حکم شرع با چنین قصدی وارد طواف شود، اگر در دور هفتم ختم کند، طواف او صـحیح است، و اگر در کمتر از هفت دور تمـام کنـد، و تـا موالاـت به هم نخورده متوجه شود، و آن را تکمیـل کنـد، نیز طواف او صـحیح است، و الّا طواف را بایـد از سـر بگیرد و اگر در بالاتر از هفت دور به پایان برسانـد نیز طواف او صـحیح است، و زیادی مضـر نیست مشروط بر این که از لحظه نخست، تصـمیم بر اطاعت امر الهی داشـته باشـد، چیزی که هست تصور می‌کرد که کاهش و افزایش

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۰۹

مضرّ نیست. «۱»

مسأله ۳۲۸. اگر در اثناء طواف تصـمیم بگیرد که زیادتر از هفت شوط و یا کمتر از آن طواف کند، اگر در این تصـمیم عامد باشد، طواف او باطل است، هر چنـد در هفت شوط ختم کنـد، و اگر از روی غفلت و سـهو و یا عـدم آگاهی از حکم شـرعی باشـد حکم آن، با حکم کسی که از اوّل، چنین تصمیم داشته باشد، یکسان است. و حکم آن در مسئله قبل گذشت.

مسأله ۳۲۹. اگر در آغاز عمل طواف تصـمیم بگیرد که هشت بار کعبه را دور زنـد، هفت دور آن به عنوان عمل واجب، و افزون از آن به عنوان شوط مستحب یا به نیّت تبرک با قدم زدن در مطاف باشد، طواف او صحیح است.

مسأله ۳۳۰. اگر به نیّت هفت شوط وارد عمـل شود ولی عملا در آخر، یک شوط یا بیشتر، کم کنـد اگر موالات به هم نخورده، آن را تمام کند، و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز به جا آورد سپس طواف را از سر بگیرد و نماز آن را نیز بخواند، و اگر هیچ کدام را انجام ندهد بسان کسی خواهد بود که عمدا طواف را که رکن عمره است ترک کرده باشد.

مسأله ۳۳۱. اگر از روی غفلت و فراموشی، کمتر از هفت

---

(۱). و به اصطلاح فقهی عمل او از مقوله خطا در تطبیق، باشد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۰

مرتبه کعبه را دور زنـد اگر پیش از آن که موالاـت به هم بخورد به خاطر بیاورد، بایـد باقیمانـده را به جا آورد، و اگر پس از به هم خوردن موالاـت، توجه کنـد هرگـاه آنچه که آورده کمـتر از سه و نیم شوط باشـد، طواف را از سـر بگیرد، و اگر بیش از آن باشـد باقیمانده را به جا آورد و بهتر است علاوه بر آن، طواف را اعاده نماید و نماز آن را بخواند.

مسأله ۳۳۲. اگر در نیمه راه و یـا پس از مراجعت به وطن به خـاطر بیاورد که کمتر از هفت بار خانه خـدا را دور زده است و یک یا دو دور از طواف را انجام نـداده است، اگر بتوانـد، برگردد، قسـمت باقیمانـده را تمام کنـد و احتیاطا طواف را اعاده نمایـد، و در غیر

این صورت برای طواف نایب بگیرد، او نیز علاوه بر اتمام طواف و انجام نماز، مجددا طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسأله ۳۳۳. طواف به صورت هفت شوط یک عمل واحدی است که باید آن را به صورت عمل واحد به جا آورد، از این جهت: اوّلا نباید آن قدر طول داد که از صورت یک عمل درآید، و ثانیا هفت دور را باید پشت سر هم انجام داد و موالات را حفظ کرد، و از خواندن نماز مستحبی در اثناء شوطها و دیگر اعمال که از نظر عرف با موالات سازگار نیست، خودداری نمود.

مسأله ۳۳۴. برای رفع خستگی، می‌توان در اثناء طواف قدری استراحت کرد و بعد، از آنجا که قطع کرده، و یا محاذات آن ادامه

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۱

داد، و استراحت باید طوری باشد که به موالات لطمه وارد نکند، و گرنه باید طواف را از سر گیرد.

مسأله ۳۳۵. قطع طواف واجب، جایز نیست مگر روی عذری که بعدا گفته خواهد شد ولی قطع طواف مستحب مانع ندارد.

مسأله ۳۳۶. اگر در اثناء طواف عذری پیش آید، مثلا حدثی سرزند، یا زن حائض شود، هرگاه این حالت پیش از تجاوز از نصف طواف رخ دهد، پس از پاک شدن، باید طواف را از سر بگیرد. و اگر پس از تجاوز از نصف، پیش بیاید، پس از انجام طهارت از همان جا که قطع کرده، یا محاذی آن تمام کند (به جهت رعایت موالات).

مسأله ۳۳۷. اگر کسی در حال طواف، غش کند، اگر پیش از تجاوز از نیمه طواف بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اعاده کند، و اگر پس از تجاوز از نیمه طواف بوده وضو می‌گیرد و باقیمانده را انجام می‌دهد.

مسأله ۳۳۸. اگر در اثناء طواف وقت نماز تنگ شود، باید طواف را رها کند و به نماز بپردازد، اگر قطع طواف پس از تجاوز از نیمه بوده، باقیمانده را به جا آورد. و اگر قبل از تجاوز نصف بوده طواف را اعاده کند.

مسأله ۳۳۹. اگر به خاطر اقامه نماز جماعت نتواند به طواف خود ادامه دهد و ناچار است آن را قطع کند، پس از پایان یافتن نماز جماعت از همان نقطه یا محاذی آن، در هر شوطی که باشد طواف خود را تکمیل کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۲

مسأله ۳۴۰. اگر کسی پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر آن را رها کند، اگر موالات به هم خورده باشد (مدت زمانی سپری شده باشد) باید طواف را از سر بگیرد ولی اگر پس از تجاوز از نیمه رها کند نمی‌تواند طواف را از سر بگیرد و اگر بخواهد احتیاط کند، طواف نخست را تکمیل و نماز آن را بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسأله ۳۴۱. هرگاه پس از فارغ شدن از طواف،- به هر علتی- در صحت طواف خود شک کند، به شک خود اعتنا ننماید، مثلا شک کند که آیا با وضو بوده یا نه، یا برخی از شوطها در درون حجر اسماعیل انجام داده یا نه، و در این موارد و مشابه آنها، که شک، پس از فراغ از عمل رخ می‌دهد، اعتنا نکند.

مسأله ۳۴۲. در شمارش دورها ظن و گمان اعتبار ندارد، باید تحصیل یقین نمود.

مسأله ۳۴۳. اگر با علم به عدم زیادی در حال طواف در شماره طواف‌ها شک کند ولی به قصد رجا و به امید آنکه در آینده، واقع روشن شود، به طواف خود ادامه دهد و سپس سرانجام به یک طرف یقین پیدا کند، طواف او صحیح است.

مسأله ۳۴۴. در موقع ازدحام، احیانا انسان را ناخواسته به جلو می‌برند، این کار ضرری به طواف نمی‌زند مشروط بر این که نیّت کند که خود را در میان جمعیت قرار می‌دهم که طواف کنم و آنچه که بر اثر فشار به جا می‌آورم جز طواف باشد. و اگر بخواهد احتیاط کند-

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۳

چون بازگشت به عقب امکان‌پذیر نیست- بقیه شوط را بدون نیت برود تا به محلی برسد که او را بدون اختیار برده‌اند از همان جا به طواف خود ادامه دهد.

مسأله ۳۴۵. اگر کسی عمره تمتع را انجام دهد، بعد از تقصیر بفهمد که طواف و سعی او باطل بوده، چنین فردی در احرام خود باقی است، و باید از محرمات احرام دوری جوید و طواف و نماز آن و سعی را با جامه احرام انجام دهد.

مسأله ۳۴۶. هرگاه پس از رسیدن به محاذات «حجر الاسود» شک کند، هفت دور زده یا بیشتر، طواف او صحیح، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۳۴۷. اگر پیش از رسیدن به محاذات حجر الأسود، چنین شکی رخ دهد و شک کند این دوری که می‌زند آیا هفتم است یا هشتم، طواف او باطل، و باید طواف را از سر بگیرد.

اگر شك او پیش از رسیدن به حجر الأسود و بین ۶ و ۷ باشد باید آن شوط را تکمیل و نماز طواف را به جا آورد و یک بار دیگر طواف و نماز را مجددا اعاده کند، در مواردی که طواف خراب می‌شود و انسان می‌خواهد آن را اعاده کند، بهتر است مقداری بین دو طواف فاصله بیندازد تا عرفا قران و یا جمع بین دو طواف پیش نیاید.

مسأله ۳۴۸. شک در عدد شوطها در صورتی که پس از تامل به نتیجه نرسد مطلقا مایه بطلان طواف است و بهتر است برای طواف دوم، مقداری صبر کند، که موالات بین دو طواف از میان برود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۴

مسأله ۳۴۹. اگر در طواف مستحب در شماره دورها شک کند، بنا را بر کمتر می‌گذارد و طواف او صحیح است.

مسأله ۳۵۰. فرد «کثیر الشک» به شک خود اعتنا نمی‌کند و بنا بر را بر طرفی می‌گذارد که به نفع او است مثلا اگر شک کند، در دور سوم است یا چهارم بنا را بر چهارم می‌گذارد. مگر این که بنا بر زیادی مایه بطلان عمل گردد در این صورت بنا را بر کم می‌گذارد.

مسأله ۳۵۱. اگر به هنگام سعی میان صفا و مروه، به خاطرش آمد که طواف انجام نداده است، باید سعی را رها کند، و به سوی طواف برود و سپس نماز طواف بجای آورده و مجددا سعی را انجام دهد.

مسأله ۳۵۲. اگر به هنگام سعی متوجه شد که طواف را کمتر از هفت شوط انجام داده است، باید سعی را رها کند، و برای تکمیل طواف برگردد و طریقهٔ تکمیل بدین گونه است:

هرگاه تعداد شوطهایی که انجام داده نصف طواف یا بیشتر از آن باشد، در این صورت طواف را تکمیل می‌کند و پس از خواندن نماز برای تکمیل سعی برمی‌گردد، و احتیاطا سعی را از سر بگیرد.

اگر تعداد شوطهای طوافی که انجام داده کمتر از نصف باشد، در این صورت، طواف را از سر می‌گیرد و نماز می‌خواند و سعی را احتیاطا تمام و اعاده می‌کند.

مسأله ۳۵۳. اگر کسی از طرف خود طواف می‌کند، و دیگری

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۵

را مانند کودک و مریض، حمل می‌نماید و طواف می‌دهد، طواف هر دو صحیح است.

مسأله ۳۵۴. در مواردی که باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، نخست باید طواف را اتمام و نماز بخواند و سپس اعاده نماید، آنگاه به سعی بپردازد، همچنان که می‌تواند یک طواف، و یک سعی به نیت اعم از اتمام و اعاده به جا آورد.

مسأله ۳۵۵. هرگاه از انسان طواف عمره تمتع فوت شود، یا به جهتی، باطل گردد وقت تدارک آن تا زمانی است که زمان برای احرام حج و وقوف در عرفات تنگ نشود. و اگر پس از بستن احرام برای حج متوجه شد، باید پس از بازگشت از منی طواف عمره فوت شده را بر طواف حج مقدم بدارد و اگر بعد از انجام طواف حج متذکر فوت طواف عمره شد، هر وقت خواست قضا کند.

مسأله ۳۵۶. فردی که می‌تواند برخی از دورها را به جا آورد ولی توان همه را ندارد، باید نائب بگیرد. و نمی‌تواند برخی را خود به

جا آورد، و باقیمانده را فرد دیگر.

مسأله ۳۵۷. کسانی که به خاطر مرض و یا ناتوانی، توانایی طواف را ندارند، اگر احتمال بهبودی و تجدید نیرو در خود می‌دهند باید صبر کنند تا خود طواف کنند، و اگر چنین احتمالی ندهند، باید آنها را به نحوی که معمول است، طواف دهند و اگر ممکن نباشد باید نائب بگیرند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۶

مسأله ۳۵۸. کسی که می‌تواند با مختصر استراحت، طواف کامل کند، نمی‌تواند برای بقیه شوطها نائب بگیرد، و اگر در اثناء ناتوان شد و نائب گرفت، هرگاه پیش از تجاوز از نیمه طواف، نائب بگیرد، باید نائب طواف را از سر بگیرد و اگر پس از تجاوز از آن، نائب گرفت باید آن را اتمام کند ولی نماز طواف را خود شخص نیز علاوه بر نائب بخواند.

مسأله ۳۵۹. کسی که برای طواف و یا سعی نیابت می‌پذیرد، لازم نیست خود محرم باشد و یا جامه احرام بر تن کند.

مسأله ۳۶۰. کسی که خود محرم است ولی به خاطر معذور بودن (نه فراموشی) برای طواف عمره یا حج نائب بگیرد، وظیفه نائب، با وظیفه کسی که از طرف او نیابت پذیرفته است یکسان است، بنا بر این باید نائب طواف عمره تمتع را پیش از احرام بستن منوب عنه (نائب‌گیر) برای حج، انجام دهد و اگر برای طواف حج نائب گرفته است باید تا آخر ذیحجهٔ الحرام به جا آورد و اگر طواف را فراموش کرده و به وطن بازگشته است، نایب در هر زمان می‌تواند، طواف حج را به جا آورد.

## احکام بانوان در طواف

مسأله ۳۶۱. زنی که عادت عددیه او مثلا هفت روز است، اگر پس از هفت روز پاك شد و غسل کرد و اعمال عمره را انجام داد

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۷

ولی بعدا خون دید این دو حالت دارد:

الف. اگر قبل از ده روز قطع شد همه روزهایی که خون دیده و روزهایی که پاك شده سپس خون دیده محکوم به حیض است باید اعمالی را که انجام داده اعاده کند.

ب. اگر از ده روز گذشت، غیر از هفت روز اوّل، روزهای دیگر محکوم به استحاضه است و اعمالی را که غیر از هفت روز اوّل انجام داده در حال پاکی انجام داده است و صحیح است.

مسأله ۳۶۲. اگر زنی در طواف عمره تمتع پیش از سه شوط و نیم خون دید، باید فورا مسجد را ترك كند و پس از پاك شدن طواف و سایر اعمال را از اوّل به جا آورد، و اگر زمان تنگ باشد و پیش از عرفات به عرفات پاك نشود، حج او تبدیل به حج افراد می‌شود که در آینده به تشریح آن خواهیم پرداخت.

مسأله ۳۶۳. اگر زنی پس از سه شوط و نیم از طواف، خون دید و تا وقت وقوف در عرفات پاك نشد، باقیمانده اعمال عمره را مانند سعی و تقصیر انجام می‌دهد، سپس برای حج تمتع محرم می‌شود و در بازگشت از منی به مکه پیش از طواف حج، بقیه طواف عمره تمتع را با نمازش به جا می‌آورد، سپس به اعمال حج می‌پردازد.

مسأله ۳۶۴. اگر زنی حائض بوده ولی از وضع خود اطلاع نداشت و اعمال عمره را انجام داد، سپس از وضع خود آگاه گشت، اگر پس از پاك شدن از حیض، برای انجام طواف و نماز و سعی وقت

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۸

باقی است، باید اعمال گذشته را تجدید کند و اگر باقی نیست، حج او به حج افراد تبدیل می‌شود، سپس یک عمره مفرده به جا می‌آورد.

مسأله ۳۶۵. اگر زنی عمره تمتع را انجام داده بعد از آن متوجه شد که طواف او باطل بوده است، سپس حائض شد، هرگاه قبل از رفتن به عرفات پاک شد، طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تنگ باشد، حج او به حج افراد تبدیل می‌شود، و پس از حج، یک عمره مفرده نیز به جا بیاورد.

مسأله ۳۶۶. اگر زنی به تصور این که مستحاضه است در میقات محرم شده و با انجام وظایف مستحاضه، اعمال عمره را به جا آورده سپس متوجه شد که حائض بوده است، اگر پس از پاک شدن، وقت برای انجام عمره باقی باشد، باید اعمال عمره تماما انجام دهد و تقصیری که هم کرده، کفاره ندارد و در غیر این صورت، حج او، به حج افراد تبدیل می‌شود و پس از اعمال حج، عمره مفرده‌ای انجام می‌دهد.

مسأله ۳۶۷. اگر زنی به تصور این که پاک شده، طواف را و نماز طواف را انجام دهد، ولی به هنگام سعی متوجه شود که هنوز پاک نشده است تکلیف وی با تکلیف کسی که پس از انجام همه عمره، متوجه شده که حائض بوده است یکی است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۱۹

مسأله ۳۶۸. اگر زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله شود اگر پس از تجاوز از نیمه طواف باشد پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و نماز آن را می‌خواند و اگر قبل از آن این حالت رخ دهد پس از وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را از سر بگیرد و نماز طواف را بخواند.

مسأله ۳۶۹. مستحاضه کثیره که باید برای نماز خود غسل کند، دیگر لازم نیست برای طواف غسل جداگانه‌ای بنماید و فقط باید وضو بگیرد، خواه پس از غسل کردن تا پایان نماز طواف، خون قطع گردد یا نه، ولی احتیاط مستحب آن است که برای طواف و نماز آن، غسل جداگانه‌ای بنماید.

## سوم: نماز طواف واجب

### اشاره

سومین عمل از اعمال عمره، دو رکعت نماز پس از طواف است، و کیفیت آن بسان نماز صبح است.

مسأله ۳۷۰. نماز طواف را می‌توان با هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن جز سوره‌هایی که در آن آیه سجده وارد شده است، خواند، بهتر است در رکعت نخست سوره توحید و در رکعت دوم سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را خواند.

مسأله ۳۷۱. نماز طواف و نمازهای یومیه در احکام، یکسان می‌باشند از این جهت «شک» در عدد رکعات، مایه بطلان نماز

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۰

طواف است، و ظن در رکعات آن، معتبر می‌باشد.

مسأله ۳۷۲. دو رکعت نماز طواف، کیفیت خاصی ندارد، می‌توان آن را بلند و یا آهسته خواند.

مسأله ۳۷۳. زمان نماز طواف، پس از اتمام طواف است، و باید پس از طواف به خواندن نماز مبادرت ورزید، و فاصله میان آن دو زیاد نباشد که موالات به هم بخورد.

مسأله ۳۷۴. جایگاه نماز طواف، «نزد مقام ابراهیم» است، بنا بر این پشت مقام و یا دو جانب او مادامی که جلوتر از مقام نباشد، از نظر صحت نماز یکسان است و اگر در برخی از روایات، جایگاه نماز «پشت مقام» معرفی شده ناظر بر این است که جلوتر از مقام نباشد و ناظر به نفی دو جانب مقام نیست.

مسأله ۳۷۵. هرگاه به خاطر ازدحام جمعیت، نتواند نزد مقام، نماز بخواند نماز را در نزدیک‌ترین نقطه به مقام به جا آورد، خواه این

نقطه، پشت مقام ابراهیم محسوب شود، یـا دو جـانب آن، و کوشـش کنـد بـا وجود نزدیـک‌ترین نقطه، به نقطه دورتر نرود. و لازم نیست برای خلوت شدن مقام صبر کند. چه بسا صبر کردن موجب از بین رفتن موالات بین طواف و نماز آن بشود.

مسأله ۳۷۶. اگر نماز طواف را فراموش کرد، هر موقع به خاطر آورد، در همان مقام ابراهیم به تفصیلی که گفته شد، به جا آورد.

مسأله ۳۷۷. اگر به هنگام «سعی میان صفا و مروه» که یکی از

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۱

واجبـات عمره است، به خاطرش آمـد که نماز طواف را نخوانـده است، سـعی را رها می‌کنـد، نماز طواف را به جا می‌آورد، سپس سعی را از همان نقطه‌ای که قطع کرده به پایان برساند.

مسأله ۳۷۸. اگر شخصـی نماز طواف را فراموش کرد، و اعمال بعـدی راماننـد سـعی و تقصـیر، انجام داد، بعـدا متـذکر شد که نماز طواف را به جا نیاورده است باید نماز طواف را، به جا بیاورد، ولی اعاده اعمال بعد واجب نیست.

مسأله ۳۷۹. شخصـی که نماز طواف را فراموش کرده اگر در مکه است باید نماز را در مسـجد الحرام نزد مقام ابراهیم به جا آورد و اگر از مکه خارج شده و بازگشت به مکه مشکل نباشد، باید به مکه برگردد، در نزد مقام ابراهیم بخواند و در صورت مشکل بودن، هر کجا که متذکر شد، می‌تواند آن را به جا آورد.

مسأله ۳۸۰. اگر کسی بمیرد، و نماز طواف بر ذمه او باشد، بر پسر بزرگ او لازم است، آن را قضا کند.

مسأله ۳۸۱. نماز طواف بایـد بسان دیگر نمازها با قرائت صـحیح خوانـده شود و اگر موفق به آموزش نشـد، کسـی را وادار کنـد که قرائت صحیح را به او تلقین کند و اگر امکان نداشت به هر نحوی که می‌تواند به جا بیاورد و احتیاطا نائب نیز بگیرد.

مسأله ۳۸۲. نماز طواف مستحب را در همه جای مسجد می‌توان خواند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۲

مسأله ۳۸۳. اگر پس از انجام طواف و پیش از خواندن نماز طواف، نماز جماعت تشکیل شود، باید صبر کند، تا نماز جماعت تمام شود و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم به جا آورد و این مقدار فاصـله، ضـرری ندارد، و اگر به خاطر ازدحام، نتوانست در «نزد مقام» به جا آورد، در نزدیک‌ترین نقطه به مقام خواه پشت مقام محسوب شود و یا دو جانب آن، نماز را به جا آورد.

مسأله ۳۸۴. اگر زنی نمـاز طواف را فراموش کرد، و سـعی و تقصـیر انجام داد، آنگاه حائض شـد و به خاطر آورد که نماز طواف را نخوانده است و تا وقت رفتن به عرفات پاک نشد، وی برای حج تمتع احرام می‌بندد، پس از اعمال عرفات و منی، وقتی به مکه آمد، قبل از طواف حج، نماز طواف عمره را به جا می‌آورد، آنگاه به طواف حج می‌پردازد.

مسأله ۳۸۵. به هنگام خواندن نماز طواف، در صورت امکان، زن جلوتر از مرد، و یا محاذی او، و یا مرد پشت سر زن و یا محاذی او نباشـد، و اگر رعایت این شـرط حرجی باشـد، و یا لازمه آن به هم خوردن موالات بین طواف و نماز گردد، رعایت این شـرط لازم نیست.

***

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۳

## طواف مستحب

طواف مستحب بسان طواف واجب است و در تمام روزهای سال، می‌توان طواف مستحب به جا آورد.

مسأله ۳۸۶. انسان می‌تواند از طرف معصومان و بسـتگان و دوسـتان اعم از زنده و غیر زنده طواف کند، مشروط بر این که فرد زنده در مکه حضور نداشته باشند.

مسأله ۳۸۷. شرایط طواف مستحب همان شرایط طواف واجب است، جز این که وضو شرط نیست، و نماز طواف را می‌توان در همه جای مسجد الحرام خواند.

مسأله ۳۸۸. مستحب است انسان وقتی وارد مسجد الحرام شد، دو رکعت نماز تحیت مسجد به جا آورد، آنگاه طواف نماید، و اگر طواف نماید، از نماز تحیّت کفایت می کند.

مسأله ۳۸۹. اگر در شمار دورهای طواف مستحب شک کرد، بنا را بر اقل بگذارد.

مسأله ۳۹۰. کسی که احرام برای حج بسته، پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحب انجام ندهد. و اگر انجام داد، «لبیک» را تجدید کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۴

## چهارم. سعی میان صفا و مروه

### اشاره

یکی از اعمال عمره تمتع «سعی» به معنی راه رفتن میان دو کوه است که، یکی «صفا» و دیگری «مروه» نام دارد، و «صفا» جزئی از کوه «ابو قبیس» و «مروه» جزئی از کوه «قیقعان» است، «۱» و در گذشته، هر دو به اصل خود پیوسته بوده ولی اخیرا برای ایجاد راه و خیابان‌کشی، هر دو، از اصل خود جدا شده است.

مسأله ۳۹۱. سعی به معنی رفتن از بیخ کوه «صفا» به «مروه» و از بیخ «مروه» به «صفا» در قالب هفت شوط است و از صفا به مروه یک شوط، و بالعکس شوط دوم حساب می‌شود بنا بر این باید از صفا آغاز کند و در مروه پایان پذیرد.

مسأله ۳۹۲. جایگاه سعی، همان است که گفته شد، و زمان آن پس از ادای نماز طواف است، و اگر سعی را بر طواف و نماز مقدم بدارد سعی او باطل می‌شود، از این جهت باید پس از طواف و نماز آن، دو مرتبه سعی کند.

مسأله ۳۹۳. سعی باید در طبقه اوّل که متعارف و معمول است، انجام گیرد، و سعی در طبقه دوم که از دو کوه صفا و مروه

---

(۱). جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۴۲۱.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۵

بلندتر است، صحیح نیست و اگر به علتی سعی در طبقه پایین ممکن نشد، سعی را در طبقه دوم انجام دهد.

مسأله ۳۹۴. در حال سعی از «صفا» باید رو به «مروه» باشد و همچنین سعی از «مروه» باید رو به «صفا» باشد و در حال سعی نگاه به سمت راست و یا چپ اشکال ندارد ولی راه رفتن باید کاملا به صورت متعارف و معمول باشد، بنا بر این عقب، عقب رفتن کافی نیست.

مسأله ۳۹۵. سعی، عمل واحد است باید وحدت عرفی آن حفظ شود، در عین حال برای رفع خستگی، نشستن و استراحت کردن هر چند مکرر باشد اشکال ندارد.

مسأله ۳۹۶. در صحت سعی وضو داشتن، و یا پاک بودن جامه‌های احرام شرط نیست هر چند بهتر است با وضو باشد.

مسأله ۳۹۷. اگر کسی طواف را روز انجام داد و نماز خواند، می‌تواند سعی را شب انجام دهد مشروط بر این که پیش از طلوع فجر، از سعی فارغ شود. و همچنین اگر طواف را در شب انجام داد، تا قبل از طلوع فجر سعی را به جا آورد.

مسأله ۳۹۸. سعی میان صفا و مروه یک عمل عبادی است و برای خود نیّت و خلوص می‌طلبد و باید آن را آگاهانه و برای خدا

انجام داد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۶

### معنی رکن در مناسک عمره و حج

مسأله ۳۹۹. سعی مانند طواف از ارکان عمره و حج به شمار می‌رود. و معنی رکن در مناسک حج و عمره این است که اگر عمدا آن را ترک کند، و یا بر آن بیفزاید، عمره یا حج او باطل می‌شود مگر این که پیش از فوت وقت، آن را جبران کند.

مسأله ۴۰۰. اگر سعی را عمدا ترک کند و یا برخی از دورهای آن را انجام ندهد و یا عمدا بر آن بیفزاید و به همین حالت بماند تا وقت احرام حج برسد، به گونه‌ای که اگر سعی را انجام دهد، به وقوف در عرفه نمی‌رسد در این صورت، عمره تمتع او باطل و حج او، به افراد تبدیل می‌شود.

مسأله ۴۰۱. اگر کمتر از هفت دور سعی کند، اگر در مکه است باید آن را تکمیل کند و اگر از مکه خارج شده و بازگشت به مکه مشکل نیست برگردد آن را تکمیل نماید و اگر بازگشت حرجی و پرمشقت باشد، نائب بگیرد، و نائب پس از تکمیل سعی ناقص یک سعی کامل به جا آورد.

مسأله ۴۰۲. اگر پیش از آن که یک دور از هفت دور را تکمیل کند، دیگر دورها را فراموش نماید، باید سعی را از سر بگیرد، و اگر پس از یک دور کامل یا بیشتر دیگر دورها را فراموش نماید هر موقع متذکر شد، باقیمانده را به جا می‌آورد ولی احتیاط مستحب آن است

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۷

که اگر قبل از تجاوز از نصف سعی، باقیمانده را فراموش کرد، سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۴۰۳. با انجام سعی کامل در عمره، محرمات احرام حلال نمی‌شود، باید منتظر فریضه «تقصیر» شود که بعدا خواهیم گفت.

مسأله ۴۰۴. اگر پس از انصراف از عمل سعی، در کاستی و یا فزونی دورها شک کند، به شک خود اعتنا ننماید حتی اگر پس از پایان یافتن هر دور در صحت آن شک نماید به آن اعتنا ننماید.

مسأله ۴۰۵. هرگاه پس از پایان دور در مروه، شک کند که این دور هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا ننماید.

مسأله ۴۰۶. پیش از رسیدن به مروه شک کند که این دور پنجم است یا هفتم، سعی او باطل است و همچنین دیگر صورت‌های شک در نقیصه، مانند شک در این که دور سوم است یا پنجم.

مسأله ۴۰۷. اگر کسی در حال سعی در عدد دورها شک کند و طرف شک نقیصه باشد نه زیادی مثلا شک کند، دور پنجم است یا هفتم و با حال تردید به سعی خود ادامه دهد تا شاید به یقین برسد، اگر نتیجه داد، سعی او صحیح است.

مسأله ۴۰۸. اگر از روی فراموشی، دوری را بیفزاید، مخیّر است بین این که آن را تکمیل کند و مجموعا به چهارده دور برساند، و یا آن را نادیده بگیرد، و یک سعی کامل به جا آورد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۸

مسأله ۴۰۹. اگر طواف را روز انجام داد، می‌تواند، سعی را تا شب به تأخیر اندازد ولی نمی‌تواند آن را به فردا موکول کند، و اگر چنین کرد، باید طواف و نماز را نیز اعاده کند. و اگر به خاطر بیماری و خستگی این مقدار به تأخیر بیندازد اشکال ندارد، و اعاده طواف و نماز آن لازم نیست.

مسأله ۴۱۰. مسعی (محل سعی) فعلا دو طرفه است شایسته است از یک طرف برود و از طرف دیگر برگردد و رفت و آمد از یک طرف مایه ناراحتی دیگران است که از شأن مهمان خدا دور است ولی اگر انجام داد، سعی او صحیح است، و اکنون که پهنای مسیر

را دو برابر کرده‌اند، رفت و برگشت از قسمت جدید، نیز مانعی ندارد.

مسأله ۴۱۱. رفتن بالای کوه صفا و مروه و نشستن روی آنها و نیت از آنجا، و یا چسباندن پاشنه پا به سنگ‌های دو کوه، لازم نیست حتی بخش سربالایی در آغاز صفا و مروه که فعلاـ مفروش است جزء مسعی نبوده و جایگاه پله‌هایی است که در گذشته از آنها عبور کرده و بالای دو کوه می‌رفتند، سپس پله‌ها را برچیده‌اند و جایگاه پله، صاف و به صورت سربالایی درآمده است، و لذا سعی از نخستین نقطه سربالایی کافی، هر چند احتیاط این است از آخرین نقطه سربالایی سعی را آغاز کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۲۹

مسأله ۴۱۲. زن حائض در آنجا که «۱» برای طواف نائب می‌گیرد، باید سعی را شخصا انجام دهد زیرا مسعی مسجد نیست البته باید سعی را، پس از طواف نائب به جا آورد.

مسأله ۴۱۳. هرگاه منزل حائض در نقطه‌ای است که برای رسیدن «مسعی» راهی جز عبور از مسجد الحرام نیست، باید سعی را به تأخیر بیندازد، و در صورت نبودن وقت، نائب بگیرد. ولی اگر عبور کرد، و سعی را انجام داد، سعی او صحیح است. هر چند گناه کرده است.

مسأله ۴۱۴. سعی یک عمل واحد عبادی است، باید به صورت یک عمل واحد به جا آورده شود، و لذا فاصله زیاد میان دورها که مضر به موالات باشد، بر خلاف احتیاط است.

مسأله ۴۱۵. سعی بر روی چرخ در حال اختیار جایز است ولی در صورت توانایی و امکان باید وسیله را خود ببرد.

مسأله ۴۱۶. اگر مقداری از سعی را بر خلاف متعارف انجام دهد، مثلا عقب عقب حرکت کند، باید برگردد و آن مقدار را جبران کند.

مسأله ۴۱۷. نگاه کردن به راست و چپ، در حال حرکت و به پشت سر هنگام توقف اشکال ندارد و میزان این است که سینه و

---

(۱). قبل از تجاوز از نصف حائض گردد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۰

شانه‌های او به سوی مروه و یا صفا باشد.

مسأله ۴۱۸. هرگاه به هنگام سعی، برخی از مواضع زن که باید پوشیده باشد بیرون باشد، سعی او صحیح است و در صورت عمد، گناه کرده است.

مسأله ۴۱۹. کودک که محرم شده است اگر مشکلی در سعی ایجاد کند، اگر ممیز باشد باید او را توجه داد، که سعی خود را اصلاح کند و اگر غیر ممیز باشد ولی او، به اصلاح آن بپردازد.

مسأله ۴۲۰. طفل ممیز باید در تمام دورها هر چند با وسیله سعی می‌کند، بیدار باشد، اگر در آغاز بیدار بود ولی در اثنا بخوابد باید، آن قسمت را اعاده کند، ولی در مورد طفل غیر ممیز خواب بودن اشکالی ندارد، و در هر حال باید طفل رو به صفا و مروه باشد.

مسأله ۴۲۱. اگر کسی برای جمع کردن همراهان به عقب برگردد و دو مرتبه همان مسافت را طی کند، اگر به قصد سعی باشد، سعی او باطل و در غیر این صورت سعی او صحیح است.

مسأله ۴۲۲. اگر پیش از تجاوز از نصف، باقیمانده را فراموش کرده، بنا بر احتیاط مستحب سعی را از سر بگیرد، و اگر پس از تجاوز از نصف باشد، باقیمانده را هر موقع به خاطرش آمد، به جا بیاورد. و اگر در عمره تمتع رخ دهد قبل از بستن احرام برای حج، آن را جبران کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۱

مسأله ۴۲۳. اگر کسی به گمان آن که هفت دور سعی کرده است، عمل بعدی را که «تقصیر» (کوتاه کردن مو و یا ناخن) انجام داد سپس به کاستی «سعی» توجه پیدا کرد، باید سعی را به نحوی که گفته شد تدارک کند، سپس مجددا تقصیر نماید.

مسأله ۴۲۴. هرگاه کسی به گمان این که سعی، به وضو نیاز دارد سعی خود را قطع کند و وضو بگیرد و سعی را از سر بگیرد، هرگاه فاصله میان شوطهای قبلی و سعی جدید به قدری زیاد نباشد که موالات را از بین ببرد، سعی دوم او صحیح است و در غیر این صورت، باید سعی را اعاده کند.

## پنجم: تقصیر یا کوتاه کردن مو

آخرین عمل از اعمال عمره تمتع «تقصیر» به معنی کوتاه کردن مو است و کافی است که مقداری از موی شارب، و یا ریش و یا سر را کوتاه سازد و اگر بخواهد ناخن بگیرد، قبلا از موی خود بزند، آنگاه ناخن بگیرد.

مسأله ۴۲۵. در عمره تمتع نمی‌تواند به جای کوتاه کردن مو، سر را بتراشد، بلکه تراشیدن سر، حرام است.

مسأله ۴۲۶. کوتاه کردن مو از دیگر نقاط بدن کفایت نمی‌کند، همچنین کندن مو از سر و ریش و شارب کافی نیست.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۲

مسأله ۴۲۷. «تقصیر» در عمره تمتع یک واجب عبادی است که حتما باید با نیّت و برای خدا صورت پذیرد.

مسأله ۴۲۸. در انجام «تقصیر» مکانی خاص معتبر نیست، پس از پایان عمل سعی، می‌تواند در هر نقطه‌ای حتی در منزل این فریضه را انجام دهد، و ملاک کوتاه کردن مو است، به هر ابزاری صورت بپذیرد، البته کندن مو کافی نیست.

مسأله ۴۲۹. تقصیر یکی از ارکان حج است، معنی رکن در حج این است که اگر آن را تا وقت بستن احرام حج، عمدا ترک کند، عمره او باطل می‌شود، و حج او، به حج افراد تبدیل می‌گردد، و باید پس از آوردن اعمال حج (که بعدا می‌آید) عمره مفرده‌ای به جا بیاورد، و مستحب است به این حج اکتفا نکند، و در صورت امکان، در آینده حج تمتعی به جا آورد.

مسأله ۴۳۰. اگر تقصیر را تا لحظه‌ای که برای حج محرم می‌شود فراموش کند، عمره او صحیح است و مستحب است که گوسفندی را قربانی کند.

مسأله ۴۳۱. هرگاه پس از تقصیر متوجه شود که سعی او هفت دور کامل نبوده است، این فرض سه حالت دارد:

الف. معلوم شود که پس از شش دور کامل، تقصیر کرده است در این صورت سعی را تکمیل می‌کند، و اعاده تقصیر لازم

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۳

نیست، مگر بخواهد احتیاط کند.

ب. معلوم شود که قبل از چهار دور کامل، تقصیر کرده است، در این صورت سعی را تکمیل و نیز اعاده نماید، سپس تقصیر کند.

ج. معلوم شود که پس از چهار دور تقصیر کرده است، سعی را تکمیل و تقصیر را اعاده می‌نماید.

مسأله ۴۳۲. هرگاه پس از تقصیر، بعدها در صحت تقصیر شک کرد، اعتنا نکند.

مسأله ۴۳۳. در تقصیر لازم نیست خود انسان مو را کوتاه کند، اگر پس از نیت، دیگری موی او را کوتاه کند کفایت می‌کند، ولی تا خود تقصیر نکرده، نباید موی دیگری را بزند.

مسأله ۴۳۴. پس از تقصیر در عمرهٔ تمتع کلیه محرمات احرام برای او حلال می‌شود حتی نزدیکی با همسر.

کسی که عمره تمتع به جا آورده، پیش از احرام حج نمی‌تواند از مکه و توابع آن مانند منی، فراتر رود، مگر این که محرم به احرام حج بشود و تا فرا رسیدن ایام حج (نهم ذی حجه) باید در حال احرام باقی بماند. در این صورت بیرون رفتن از مکه و توابع آن، مانند جده مانع ندارد.

مسأله ۴۳۵. کسانی که در کاروان‌ها مشغول خدمت هستند، اگر بخواهند پس از عمره تمتع به عرفات بروند، باید محرم به احرام

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۴

حج شوند، مگر این که انجام وظایف محوله با محرم شدن، موجب حرج و مشقت باشد، در این صورت بدون احرام می‌توانند از مکه و توابع آن بیرون بروند. امّا اگر بداند برای احرام حج، از مکّه قبل از عرفات با مشکل روبرو می‌شود، در این صورت، با احرام از مکه بیرون برود.

مسأله ۴۳۶. رفتن به غار حرا، پس از عمره تمتع اشکال ندارد، ولی از رفتن به «غار ثور» خودداری شود که جزء توابع مکه نیست.

مسأله ۴۳۷. کسی که پس از عمره تمتع، بدون بستن احرام حج، به بیرون از مکه و توابع آن برود، مرتکب گناه شده و عمره و حجّ او صحیح است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۵

## فصل هفتم اعمال حج تمتع

### اشاره

فریضهٔ حج تمتع را سیزده عمل تشکیل می‌دهد و آنها عبارتند از:

۱. بستن احرام در مکه برای اعمال حج.

۲. وقوف در عرفات

۳. وقوف در مشعر الحرام

۴. رمی جمرهٔ عقبه در منی

۵. قربانی در منی

۶. حلق یا تقصیر در منی

۷. طواف زیارت در مکه

۸. نماز طواف

۹. سعی بین صفا و مروه

۱۰. طواف نساء

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۶

۱۱. نماز طواف نساء

۱۲. بیتوتهٔ در منی (شب را در منی به سر بردن)، آن هم در شب‌های یازدهم و دوازدهم برای همه و شب سیزدهم برای برخی اشخاص.

۱۳. رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم. و اشخاصی که شب سیزدهم در منی می‌مانند، باید روز سیزدهم نیز جمرات را رمی کنند.

اینک به توضیح هر یک از مسائل می‌پردازیم:

### ۱ احرام بستن برای حجّ تمتع

مسأله ۴۳۸. پس از پایان یافتن اعمال عمره حج تمتع، نوبت اعمال حج تمتع می‌رسد. نخستین عمل آن، بستن احرام است، و شایسته‌ترین زمان برای بستن احرام حج، روز هشتم ذی الحجه است، ولی وقت آن تا زمانی که به وقوف اختیاری عرفه (از زوال روز نهم تا غروب خورشید آن روز) برسد باقی است، کسانی که نمی‌خواهند از منی به عرفات بروند، می‌توانند پیش از ظهر روز نهم در مکه محرم بشوند به نحوی که پیش از ظهر به عرفات برسند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۷

مسأله ۴۳۹. انسان می‌تواند از همه نقاط شهر مکه (قدیم و جدید) محرم شود، و به عرفات برود ولی شایسته است در مسجد الحرام، بالاخص نزد مقام ابراهیم، و یا در حجر اسماعیل از هر نقطه‌ای از آن محرم شود.

مسأله ۴۴۰. کیفیت احرام حج، با احرام عمره، یکسان است جز در نیّت که در عمره احرام برای اعمال عمره تمتع، و در احرام حج برای اعمال حجّ تمتع می‌باشد.

بنا بر این کسی که می‌خواهد برای حج تمتع احرام ببندد، پس از پوشیدن لباس‌های احرام، در نقطه‌ای که می‌خواهد محرم شود دو رکعت نماز می‌گزارد و همراه با نیت احرام حجّ «لبیک» می‌گوید، و در نتیجه کلیه محرمات احرام عمرهٔ تمتع برای او نیز حرام می‌شود.

مسأله ۴۴۱. کسی که محرم به احرام حج شده تا طواف حج و طواف نساء را انجام نداده نمی‌تواند طواف مستحب انجام دهد، و اگر انجام داد، باید به نیت محرم شدن برای حج تمتع «لبیک» را تجدید کند.

مسأله ۴۴۲. اگر از روی عمد احرام را ترک کند تا وقت آن بگذرد، حج او باطل می‌شود.

مسأله ۴۴۳. اگر از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی، بدون احرام برای حج تمتع، از مکه خارج شد، اگر قبل از فوت وقوف در عرفات، متوجه شد، باید برگردد به مکه و در آنجا محرم شود و سپس

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۸

رهسپار عرفات شود، و اگر بازگشت غیر ممکن و یا حرجی باشد در این صورت در همان نقطه‌ای که متوجه شد محرم می‌شود اگر چه آن نقطه عرفات باشد، و پس از «لبیک» بگوید: «اللّهمّ علی کتابک و سنّهٔ نبیک» و اگر در مشعر به خاطر آورد، در همان جا محرم می‌شود و خوب است جمله یاد شده را نیز بگوید.

## ۲ وقوف در عرفات

«عرفات» نام دشتی است وسیع که عرض آن تقریبا ۶ کیلومتر و طول آن نیز تقریبا ۱۳ کیلومتر است، و حدود آن با علائم و تابلوهای خاصی مشخص شده است، و نباید از آنها فراتر رفت. و از وقوف در دشت «عرنهٔ و نمرهٔ» خودداری نمود.

مسأله ۴۴۴. وقوف در عرفات یک عمل عبادی است، باید آگاهانه و با خلوص و تعیین نوع وقوف (مثلا برای حج تمتع در حجهٔ الاسلام) صورت بپذیرد.

مسأله ۴۴۵. مقدار وقوف در عرفات از اول ظهر روز نهم آغاز می‌شود تا غروب شرعی همان روز، پایان می‌پذیرد، فقط می‌تواند، به مقدار ادای نماز ظهر و عصر در منطقه نمره که فعلا «مسجد نمره»

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۳۹

در آنجاست و خارج از عرفات می‌باشد، بماند و به این مقدار وقوف را به تأخیر بیندازد.

مسأله ۴۴۶. وقوف در عرفات به مقدار کم (مسمی) از ارکان حج است. اگر کسی با آگاهی و توانایی در عرفات حتی به مقدار کم وقوف نکند، حج او باطل است ولی مقدار واجب وقوف از ظهر روز نهم ذیحجهٔ الحرام تا غروب شرعی آن روز است، اگر به

مقدار مسمّی وقوف کرد، ولی باقیمانده وقت را در غیر عرفات به سر برد معصیت کرده ولی حج او صحیح است.

مسأله ۴۴۷. در انجام این وظیفه، حالت خاصی معتبر نیست می‌تواند بخوابد، بنشیند، راه برود، خواه سواره، خواه پیاده، جز این که دقایقی پیش از نیّت وقوف باید بیدار باشد تا وقوف در عرفات را به نحوی که گفته شد، نیّت کند.

مسأله ۴۴۸. وقوف در عرفات هر چند عبادت است ولی طهارت از حدث در آن شرط نیست، خواه حدث اصغر- که موجب وضو است، یا حدث دیگر که موجب غسل است مانند جنابت و حیض و ....

مسأله ۴۴۹. وقوف در عرفات دو فرد دارد:

الف. وقوف اختیاری: وقوف اختیاری عرفات از ظهر روز نهم شروع می‌شود تا غروب شرعی همان روز.

ب. وقوف اضطراری: وقوف اضطراری عرفات از مغرب شب

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۰

دهم ذی الحجه آغاز می‌شود، تا طلوع فجر.

بنا بر این اگر به خاطر عذری نتوانست وقوف اختیاری عرفات را درک کند، باید از وقوف اضطراری بهره گیرد، یعنی مقداری و لو کم در شب دهم ذی الحجه در عرفات توقف نماید سپس راهی «مشعر» شود در این صورت حج او صحیح است.

مسأله ۴۵۰. اگر کسی در شب دهم به مکه برسد ولی از آن می‌ترسد که اگر راه عرفات را در پیش گیرد تا وقوف اضطراری آن را درک کند، به وقوف در مشعر (وقوف پیش از طلوع آفتاب) نرسد، باید از طریق «منی» به مشعر برود و در غیر صورت خوف باید راه عرفات را در پیش گیرد و پس از درک وقوف اضطراری عرفات، راهی مشعر شود.

مسأله ۴۵۱. اگر کسی به خاطر عذری نتوانست وقوف اختیاری عرفات را درک کند، ولی می‌توانست وقوف اضطراری آن را درک نماید لکن بدون عذر به عرفات نرفت در این صورت حج او باطل است، هر چند وقوف در مشعر را درک نماید.

مسأله ۴۵۲. بیرون رفتن از عرفات پیش از غروب شرعی جایز نیست و اگر کسی عمدا از حدود عرفات بیرون رفت باید فورا برگردد و در غیر این صورت گناه کرده و کفاره آن قربانی کردن یک شتر در منی است، و اگر ممکن نشد به جای آن هیجده روز روزه بگیرد، و

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۱

این روزه را می‌تواند در مکه یا در راه، یا پس از بازگشت از مکه بگیرد.

مسأله ۴۵۳. اگر کسی از روی سهو و یا عذر، از عرفات بیرون رفت سپس عذر او برطرف گردید، فورا باید به عرفات برگردد و اگر برنگشت گناه کرده، و احتیاط آن است که یک شتر قربانی کند.

مسأله ۴۵۴. وقوف در دامنه «جبل الرحمهٔ» در صحرای عرفات مستحب است و بهتر است از وقوف بر روی کوه و بالا رفتن از جبل الرحمه در ساعات وقوف خودداری شود.

## ۳ مشعر الحرام

مشعر الحرام که نام دیگر آن «مزدلفه» است در نیمه راه عرفات و منی قرار گرفته است و زائران خانه خدا، پس از سپری کردن وقوف در عرفات، رهسپار این نقطه می‌گردند، در آنجا از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم وقوف می‌کنند.

مسأله ۴۵۵. مستحب مؤکد است، شب «مشعر» را با عبادت و اطاعت الهی به سر برد چنان که می‌فرماید: فَاذْكُرُوا اللّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ (سوره بقره، آیه ۱۹۸).

مسأله ۴۵۶. وقوف در «مشعر الحرام» در زمان محدود، یک امر

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۲

عبادی است باید توأم با آگاهی و اخلاص و تعیین نوع وقوف (مثلا وقوف برای حج تمتع از حجهٔ الاسلام) صورت پذیرد.

مسأله ۴۵۷. همان طور که برای وقوف در عرفات، وقوف اختیاری و وقوف اضطراری بود، برای وقوف در مشعر نیز، وقوف اختیاری و وقوف اضطراری است، ولی وقوف اضطراری مشعر، دو تا است که به شرح آنها می‌پردازیم:

الف: وقوف اختیاری مشعر: این نوع وقوف از طلوع فجر، آغاز و با طلوع آفتاب روز دهم ذیحجهٔ الحرام پایان می‌پذیرد. و افراد غیر معذور که بعدا به شرح آنها می‌پردازیم، باید در این زمان محدود، در مشعر الحرام وقوف کنند.

ب: وقوف اضطراری شبانه‌ای: ظرف این نوع وقوف از مغرب روز نهم آغاز شده و تا طلوع فجر روز دهم پایان می‌پذیرد. و افراد معذور مانند: کودکان و زنان و افراد بیمار و ناتوان که وقوف اختیاری برای آنان همراه با مشقت است و کسانی که باید، با یکی از گروه‌های یاد شده همراه باشند، و یا برای تدارک امور حجاج زودتر حرکت کنند، می‌توانند هرگاه پیش از نیمه شب وارد مشعر الحرام شوند و کمی در مشعر الحرام توقف کنند به نحوی که «مسمای وقوف» به عمل آید، آنگاه که شب از نیمه گذشت از حد مشعر خارج شوند (حدّ نیمه شب از مغرب تا طلوع آفتاب حساب می‌شود).

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۳

ج: وقوف اضطراری روزانه: این نوع وقوف از طلوع آفتاب روز دهم آغاز شده تا ظهر همان روز پایان می‌پذیرد.

افرادی که نتوانسته‌اند هیچ کدام از وقوف اختیاری و اضطراری شب مشعر را درک کنند، باید مقداری و لو کم در این حد از زمان در مشعر وقوف کنند، آنگاه مشعر را به مقصد «منی» برای انجام وظایف آنجا ترک نمایند.

مسأله ۴۵۸. کسانی که وقوف اختیاری مشعر را درک کرده‌اند، آنگاه که هوا روشن شد، می‌توانند به سوی «منی» حرکت کنند ولی نباید پیش از طلوع آفتاب از مشعر الحرام خارج شوند، و بنا بر احتیاط وارد «وادی محسّر» نشوند.

مسأله ۴۵۹. وقوف شبانه در مشعر الحرام واجب است، ولی آنچه که رکن است وقوف کمی از آن (مسمی) است بنا بر این اگر کسی عمدا در حد مسمی، وقوف اختیاری و اضطراری شبانه‌ای مشعر را ترک کند، حج او باطل است.

مسأله ۴۶۰. فردی که از میان انواع وقوف‌های عرفات و مشعر، تنها وقوف اضطراری روزانه مشعر را درک کند، بنا بر احتیاط حج خود را اعاده کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۴

## ۴ رمی جمره عقبه

چهارمین عمل از اعمال حج، و نخستین عمل روز دهم در منی، رمی جمرهٔ عقبه است، «رمی» به معنی پرتاب کردن و در این مورد مقصود «سنگ زدن» است، و «جمره» به معنی محل انباشته شدن سنگ‌ریزه‌ها یا خود سنگ‌ریزه‌ها است و «عقبه» به معنی گردنه است، مقصود سنگ زدن به آخرین ستون در منی است، که به مکه از دیگر «جمرات» نزدیک‌تر می‌باشد و روز دهم فقط به همین نقطه سنگ می‌زنند، و در روز یازدهم و دوازدهم به سه نقطه، که آخرین آنها همین «جمره عقبه» است.

مسأله ۴۶۱. بر محرم واجب است روز دهم ذی الحجهٔ الحرام روز منی- هفت سنگریزه به سوی ستون موجود پرتاب کند، و باید سنگ‌ریزه‌ها دارای شرایط زیر باشند:

۱. ریگ‌ها باید از جنس سنگ باشند، بنا بر این شن، کلوخ، و سفال کافی نیست.

۲. سنگ‌ریزه‌ها از حرم گردآوری شده باشد، نه از خارج، جز سنگ‌ریزه‌های مسجد الحرام و مسجد خیف که بیرون آوردن سنگ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۵

ریزه‌های آن مکان جایز نیست.

۳. سنگ‌ریزه‌ها باید بکر باشند، و کسی قبلا با آنها رمی نکرده باشد، بنا بر این ریگ‌هایی که در اطراف جمرات ریخته شده رمی با آنها کفایت نمی‌کند.

۴. مباح باشد، بنا بر این رمی با سنگ‌ریزه‌هایی که دیگران برای خود گرد آورده‌اند یا از ملک کسی برداشته‌اند، بدون اجازه کافی نیست.

۵. ریگ باید کوچک مثلا به اندازه هسته خرما یا فندق باشد در حدی که به آن «سنگ‌ریزه» می‌گویند، و بهترین نقطه برای جمع کردن «سنگ‌ریزه‌ها» مشعر الحرام است، خوب است زائران خانه خدا در شب مشعر به طور احتیاط هفتاد سنگ‌ریزه را گردآورده و در کیسه مخصوص جای دهند.

۶. تعداد سنگ‌ها که در روز دهم پرتاب می‌کند هفت عدد باشد.

مسأله ۴۶۲. باید سنگ‌ریزه‌ها را به تدریج پرتاب کند، نه یک دفعه، و در غیر این صورت یک رمی حساب می‌شود.

مسأله ۴۶۳. سنگ‌ریزه‌ها باید به سوی محدوده‌ای از فضای منی که حضرت ابراهیم علیه السّلام آنجا را رمی کرده پرتاب شوند، در سابق، این فضا به وسیله ستونی که قسمت پایین آن را حوض کوچکی احاطه کرده بود، مشخص شده بود، اکنون این فضا با دیواری بلند به عرض تقریبا هشت متر پوشیده شده است، هر گاه محاذات با ستون،

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۶

مشخص باشد، آن نقطه را رمی کند و در غیر این صورت به هر نقطه از دیوار رمی شود مجزی است.

مسأله ۴۶۴. مستحب است در هنگام رمی جمرهٔ عقبه اگر بتواند، پشت به قبله باشد و رو به جمره، و در صورت ازدحام رمی از هر چهار طرف کافی است، و اگر به خاطر توسعهٔ فعلی در رمی، محلّ ایستادن برای رمی و یا قسمتی از دیوار خارج از منی باشد ضرری به رمی نمی‌زند. «۱»

مسأله ۴۶۵. مستحب است انسان با طهارت از حدث، رمی را انجام دهد و پاک بودن سنگ‌ها شرط نیست.

مسأله ۴۶۶. وقت پرتاب سنگ‌ها از طلوع آفتاب روز دهم تا غروب آفتاب همان روز است.

مسأله ۴۶۷. بانوان و کودکان و بیماران و افراد ناتوان و کلیه کسانی که می‌توانند پس از نیمه شب مشعر را به قصد منی ترک کنند، می‌توانند پس از نیمه شب رمی نمایند.

مسأله ۴۶۸. افراد سالم و توانا باید شخصا رمی کنند، و نمی‌توانند نایب بگیرند، ولی افراد بیمار و ناتوان که رمی برای آنان مشقت دارد می‌توانند نایب بگیرند تا از طرف آنها رمی کند.

---

(۱). و در روایتی که وارد شده «فارمها من قبل وجهها و لا ترمها من أعلاها» ناظر به این معنی است که در گذشته یک طرف جمره عقبه فقط باز بود و طرف دیگر آن چسبیده به کوه بود، ولی اکنون هر چهار طرف آن باز و امکان از هر چهار طرف هست.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۷

مسأله ۴۶۹. وقت رمی جمره عقبه در روز دهم نزد اهل سنت از طلوع آفتاب تا ظهر همان روز است و به هنگام ظهر، جمره عقبه کاملا خلوت و آرام می‌باشد، کسانی که از ازدحام می‌ترسند می‌توانند از این فرصت استفاده کنند، و نایب نگیرند.

مسأله ۴۷۰. در پرتاب سنگ‌ها، جز سنگ هفتم، موالات شرط است و باید با رعایت موالات، پرتاب شوند ولی پس از پرتاب صحیح شش سنگ، می‌توان سنگ هفتم را به تأخیر انداخت.

مسأله ۴۷۱. اگر کسی پس از پرتاب چهار سنگ، به خاطر عدم آشنایی با حکم شرعی و یا فراموشی بقیه عمل را به تأخیر انداخت،

باید عمل را در همان روز تکمیل کند.

مسأله ۴۷۲. اگر این حالت پیش از پرتاب چهار سنگ پیش آید رمی پیشین باطل می‌شود و باید رمی را از سر بگیرد.

مسأله ۴۷۳. اگر رمی روز دهم را فراموش کرد و یا به خاطر عدم آشنایی به حکم شرعی آن را به جا نیاورد، تا روز سیزدهم وقت تدارک آن باقی است و باید تدارک کند.

مسأله ۴۷۴. هرگاه پس از روز سیزدهم متوجه شد که روز دهم رمی نکرده است هرگاه از مکه خارج نشده احتیاط آن است که خود تدارک کند و در سال دیگر خود و یا کسی از طرف او رمی کند. و اگر از مکه خارج شده احتیاطا در سال دیگر قضا کند.

مسأله ۴۷۵. هرگاه درباره ریگی که در اختیار دارد شک کند که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۸

با آن رمی شده، یا نه یا شک کند که قبلا در خارج حرم بوده سپس وارد سرزمین حرم شده است؟ در هر دو صورت به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۴۷۶. اگر درباره «سنگ‌ریزه بودن» سنگ شک کند، نمی‌تواند به آن اکتفا کند، اگر شک کند که هفت بار رمی کرده یا کمتر، باید رمی کند تا به حد یقین برسد.

مسأله ۴۷۷. هرگاه پس از فراغ از رمی، و خروج از محیط رمی، شک کند که هفت بار رمی کرده و یا کمتر باید برگردد و نقیصه احتمالی را تکمیل کند تا به حد یقین برسد.

مسأله ۴۷۸. هرگاه انسان سالم و توانا از رمی در روز معذور باشد، می‌تواند بعد از غروب همان روز، رمی کند.

مسأله ۴۷۹. انسان می‌تواند در همهٔ احوال رمی کند، خواه پیاده و خواه سواره، البته پیاده بهتر است.

## ۵ قربانی کردن

### اشاره

مسأله ۴۸۰. کسی که برای حجّ تمتع احرام ببندد، باید در روز دهم ذی الحجّه قربانی کند، یعنی شتر یا گاو یا گوسفند سر ببرد و گاومیش از اقسام گاو است، و کشتن دیگر حیوانات، کافی نیست.

مسأله ۴۸۱. ذبح شتر از فضیلت بیشتری برخوردار است و پس

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۴۹

از آن گاو و در آخر گوسفند و در میان اقسام گوسفند، قوچ و برّهٔ نر افضل و در مرتبهٔ بعد، بز نر و در صورتی که اینها یافت نشود، میش، ثواب بیشتری دارد تا بز ماده.

مسأله ۴۸۲.

### در قربانی امور یاد شده در زیر شرط است:

### ۱. سنّ قربانی

اگر قربانی شتر است باید داخل در شش سال، و اگر گاو و بز است داخل در سه سال و اگر گوسفند است وارد در دو سال، شده باشند.

هرگاه کسی پس از ذبح آگاه شد که قربانی او سنّ کمتری داشته است، باید اعاده کند.

### ۲. تندرستی

قربانی کردن حیوان بیمار که گوشت آن فاسد و خوردن آن، موجب بیماری می‌شود، مجزی نیست.

### ۳. کمال خلقت (نداشتن عیب بدنی)

قربانی بایـد از نظر آفرینش، کامل و بی‌نقص باشـد، و حیوانی که به نوعی کاستی در خلقت دارد، و یا یکی از اندام‌های آن آسـیب دیده است، برای قربانی، کافی نیست. روی این اصل حیوانات یاد
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۰
شده در زیر صلاحیت قربانی ندارند:
حیوان لنگ که لنگی آن آشـکار باشد، کور، لوچ، دم‌بریده، اخته شده، گوش بریده، دست و پا شکسـته، پس باید قبل از قربانی، از نظر معیوب نبودن وارسی شوند.
مسأله ۴۸۳. حیوانی که شـاخ برون و درون آن هر دو شکسـته باشـد، برای قربانی کفایت نمی‌کنـد، امّا اگر شاخ بیرونی آن شکسـته ولی شـاخ درون و به اصـطلاح ریشه شـاخ سـالم باشـد، کفایت می‌کنـد. بنا بر این شکسـته شـدن سـر شاخ گوسـفند عیب محسوب نمی‌شود.
مسأله ۴۸۴. حیـوانی که در آفرینش فاقـد گـوش است یـا گوش‌هـای آن را از ته بریده‌انـد، مجزی نیست، ولی حیوانی که به مقـدار کمی از گوش آن بریده باشد؛ کفایت می‌کند.
مسأله ۴۸۵. هر گاه گوش حیوان سالم بوده، ولی آن را سوراخ کرده باشـند، اگر این کار به عنوان علامت‌گذاری انجام گرفته باشد، مجزی است، ولی بهتر است غیر آن را انتخاب کند.
مسأله ۴۸۶. اگر نداشـتن دم مثلا در برخی از نژادهای گوسـفند طبیعی باشد، عیب به شمار نمی‌آید و قربانی کردن آن صحیح است ولی اگر نژاد آن دارای دم باشند و یکی از آنها بی‌دم به دنیا آمده باشد، آن گوسفند برای قربانی کافی نیست.
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۱
مسأله ۴۸۷. حیوانی که بیضه‌هـایش را پس از شـکافتن پوست درآورده باشـند، بـا وجود حیوان سـالم برای قربانی کافی نیست، ولی حیوانی که رگ‌های بیضه‌هایش را کوبیـده باشـند، و بیضه‌هایش بر جا باشـد، حتی با وجود حیوان فاقـد این عیب برای قربانی کافی است. و در هر حال بهتر است انسان، با وجود حیوان سالم، این نوع حیوان را قربانی نکند.

### ۴. لاغر نبودن

مسأله ۴۸۸. قربانی بایـد به قـدری لاغر نباشد که کلیه‌های آن پیه نداشـته باشـند، و به تعبیری دیگر پهلوهای آن از لاغری، تورفتگی نداشته باشد، و اگر عرفا بدان لاغر نگویند، کافی است.
مسأله ۴۸۹. هرگاه، گوسفندی را به اطمینان این که فربه است ذبح کند، ولی بعدا معلوم شود که لاغر بوده کفایت می‌کند.
مسأله ۴۹۰. هرگاه تصوّر کند که گوسـفند لاغر است ولی به امید این که ممکن است درست باشد، ذبح کند، سپس معلوم شود که فربه بوده، کفایت می‌کند.
مسأله ۴۹۱. هرگاه یقین دارد که قربانی لاغر است ولی به خاطر عدم آشـنایی با حکم شـرعی ذبح کند، و سـپس معلوم شود که فربه

بوده، کفایت می کند.

مسأله ۴۹۲. هرگاه تصور کند که حیوان نقص و کاستی دارد،

مناسك حج و احكام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۲

ولی بر اثر ناآشنایی به حکم شرعی، آن را ذبح کند و سپس معلوم شود که کاستی نداشته کفایت می کند.

مسأله ۴۹۳. هرگاه پس از ذبح کردن، و تحویل گوسفند شك كند كه آيا قربانی او دارای شرايط بوده يا نه، به شك خود اعتنا نکند، در صورتی که به هنگام ذبح آن را وارسی کرده باشد.

مسأله ۴۹۴. لازم است قربانی پس از رمی جمرهٔ عقبه انجام گیرد.

مسأله ۴۹۵. احتیاط لازم آن است که قربانی از روز دهم تأخیر نیفتد، ولی افراد معذور، تا غروب روز سیزدهم ذی حجه، فرصت دارند که قربانی کنند، و اگر امکان نپذیرفت، تا آخر ماه می‌توانند وظیفهٔ قربانی را انجام دهند، ولی رمی خود را باید در روز یازدهم و دوازدهم انجام دهند، اگر چه قربانی کردن به تأخیر افتاده باشد.

مسأله ۴۹۶. اگر فردی روز دهم نتوانست قربانی کند، در شب نمی‌تواند این کار را انجام دهد، بلکه باید به روز بعد موکول کند.

مسأله ۴۹۷. اگر نتوانست قربانی را انجام دهد، باید حلق و تقصیر را به تأخیر بیندازد، زیرا این دو فریضه پس از قربانی باید انجام بگیرد، و این تأخیر از غروب روز سیزدهم فراتر نرود، و اگر تا غروب روز سیزدهم نتوانست قربانی کند، حلق یا تقصیر را انجام دهد، و در مورد قربانی اگر می‌تواند تا آخر ذی الحجه انجام دهد، و در غیر این صورت، باید روزه بگیرد.

مناسك حج و احكام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۳

## محلّ قربانی

منی نزدیك‌ترین مشعر از مشاعر سه گانه (عرفات، مزدلفه، منی)، به مکّه است و منی به صورت درّه‌ای است که در میان چند رشته کوه قرار گرفته است و طول آن در حدیثی از امام صادق علیه السّلام چنین آمده است: «از جمرهٔ عقبه تا وادی محسّر» و در حقیقت این طول منی است و عرض آن خیلی کمتر است و ازرقی نیز در کتاب اخبار مکه، طول آن را به نحوی که در روایت امام صادق علیه السّلام وارد شده است، نقل کرده و روایات و کلمات حاکی از آن است که وادی محسر جزء منی نیست، بلکه حدّ آن است، و پهنای آن ۶۳۷ متر است. «۱»

مسأله ۴۹۸. لازم است قربانی در روز عید قربان در سرزمین منی انجام گیرد و در گذشته قربانگاه در همین سرزمین قرار داشته و از درّه‌های مختلف وارد آن می‌شدند، ولی اخیرا حکومت سعودی قربانگاه را نخست به وادی محسر و اخیرا به درّهٔ «معیصم» منتقل کرده است، و فاصله میان منی، و معیصم تنها یك تپه است كه با يك تونل ارتباط آن دو برقرار شده است.

این کار به هر نیتی انجام گرفته کار صحیحی نبوده، زیرا نباید مشاعر را از پیش خود تغییر داد، در حالی که امکان داشت در منتهی الیه منی، اصل مسلخ بر پا شود و قربانی انجام گیرد، ولی بقیهٔ کارها

---

(۱). مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۳۲۲.

مناسك حج و احكام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۴

به وسیلهٔ دستگاه‌هایی به وادی معیصم منتقل شود.

در هر حال چون فعلا قربانی در منی امکان‌پذیر نیست، و یا با مشکلات روبروست و اگر برای فردی هم امکان‌پذیر باشد، برای همه ممکن نیست، قربانی در کشتارگاه‌های فعلی مجزی می‌باشد.

مسأله ۴۹۹. هر فردی باید مستقلا گوسفندی را قربانی کند، و قربانی یک گوسفند برای دو نفر صحیح نیست. بنا بر این هر گاه دو نفر فقط توانایی خرید یک گوسفند داشته باشند، باید به جای قربانی روزه بگیرند، مگر این که یکی از دو نفر بخواهد پول خود را به دیگری ببخشد یا قرض دهد تا او قربانی کند و خود روزه بگیرد، این کار جایز است.

مسأله ۵۰۰. قربانی یک عمل قربی و اطاعت الهی است، و باید بسان دیگر اعمال حج شرایط سه گانه را دارا باشد:

الف. آگاهانه و با توجه کامل انجام گیرد.

ب. نوع عمل تعیین شود، یعنی قربانی برای حج تمتع، برای خود یا نیابتا از فردی که حج را به جای او انجام می‌دهد.

ج. کار برای خدا انجام شود.

مسأله ۵۰۱. مباشرت در ذبح، شرط نیست. انسان می‌تواند پس از خرید، گوسفند را در اختیار دیگری قرار دهد که او زحمت سر بریدن را بکشد، بنا بر این، خود انسان باید، هر سه نکته را رعایت

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۵

کند، و به چنین فردی که فقط قربانی را می‌کشد، تکلیفی نیست.

مسأله ۵۰۲. هر گاه انسان، دیگری را برای قربانی نایب بگیرد، در این صورت خود شخص باید قصد قربت کند، ولی نایب باید عمل را آگاهانه و با تعیین نوع عمل، انجام دهد. نتیجه این که گاهی خود انسان، اعمال قبلی را انجام می‌دهد، و فقط ذبح را به دیگری واگذار می‌کند. در این صورت، اعمال مربوط به نیت، مربوط به خود اوست، و گاهی فردی را نایب می‌گیرد. در اینجا فقط خود، یک وظیفه دارد که نیت قربت کند، و بقیه بر عهدهٔ نایب است.

مسأله ۵۰۳. انسان می‌تواند نیابت عده‌ای را در قربانی بپذیرد و پس از صورت‌برداری از اسامی افراد، به قربانگاه رفته، برای افراد مختلف، به ترتیب، یک یک قربانی کند و در هنگام ذبح، نام یکایک افراد را در نظر آورد، و قصد کند که این قربانی را به عنوان آنچه بر ذمّهٔ فلانی است انجام می‌دهم، خواه حجهٔ الإسلام یا نیابی یا مستحبی باشد.

مسأله ۵۰۴. فردی که برای قربانی کردن نایب می‌شود، باید مورد وثوق و اطمینان باشد، و در غیر این صورت کافی نیست.

مسأله ۵۰۵. نیابت در صورتی تحقق می‌پذیرد که طرف رسما او را نایب خود قرار دهد، و به اصطلاح به او وکالت دهد که این کار را انجام دهد، و اگر فردی بدون اذن کسی از طرف او قربانی کند، کفایت نمی‌کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۶

مسأله ۵۰۶. محرم می‌تواند برای خود قربانی کند، همچنان که می‌تواند از طریق نیابت برای دیگران قربانی کند، ولی بهتر است، نخست قربانی خود را ذبح کند، سپس قربانی افراد دیگر را.

مسأله ۵۰۷. پس از قربانی کردن، گوشت قربانی سه قسمت می‌شود:

الف. صدقه به فقیران

ب. هدیه به دوستان

---

تبریزی، جعفر سبحانی، مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ ه ق مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)؛ ص: ۱۵۶

ج. خوردن خود حاجیان

دوتای اخیر واجب نیست، ولی احتیاط آن است که به قسمت نخست عمل کند، و چون عمل به این قسمت در شرایط فعلی امکان پذیر نیست، می‌تواند از فقیری در شهر خود یا نقطهٔ دیگر وکالت بگیرد که در غیاب او، به وی تملیک کند و سپس آن را رها کند،

هر چند امروزه نیازی به این مطلب نیست، زیرا همهٔ گوشت‌های قربانی برای فقرا ارسال می‌شود.

مسأله ۵۰۸. اگر نتواند گوسفندی برای قربانی تهیه کند، باید به جای آن سه روز پیش از ترک مکه و هفت روز پس از بازگشت به وطن روزه بگیرد.

مسأله ۵۰۹. کسی که می‌خواهد در مکه اقامت کند، می‌تواند هفت روز روزه را در مکّه بگیرد. مشروط بر این که پس از گذشت

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۷

مقدار زمانی باشد که معمولا برای رسیدن به وطن لازم داشت و یا یک ماه از روز دهم بگذرد.

مسأله ۵۱۰. در کشـتن قربانی، کاردهای استیل و غیر استیل، فرقی نمی‌کنـد، همین که فلز باشد و تیز که حیوان را اذیت نکند، کافی است.

## ۶ تراشیدن سر یا کوتاه کردن مو

ششمین فریضه، و سومین عمل از اعمال منی، حلق یعنی تراشیدن سر و تقصیر یعنی کوتاه کردن مو است.

مسأله ۵۱۱. تراشیدن سر برای چند گروه واجب است:

۱. فرد «صروره» یعنی کسی که برای اوّلین بار به حج می‌رود، خواه حجهٔ الإسلام باشد، یا حج نیابی و یا مستحب.

۲. کسی که حجهٔ الاسلام را به جا می‌آورد، هر چند قبلا نیز حج مستحبی یا نیابی به جا آورده باشد.

۳. بنا بر احتیاط واجب، فردی که موهای خود را گره زده و با هم جمع کرده است.

در غیر این سه مورد، می‌تواند به جای تراشیدن، مو را کوتاه کند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۸

مسأله ۵۱۲. وظیفهٔ زنان فقط تقصیر و کوتاه کردن موست.

مسأله ۵۱۳. در تراشیدن سر لازم است همهٔ سر را بتراشد، و تراشیدن برخی از آن کافی نیست.

مسأله ۵۱۴. حلق و تقصیر عمل عبادی و نوعی طاعت است. باید در آن سه امر یاد شده در قربانی رعایت شود، یعنی عمل آگاهانه و با تعیین نوع و برای خدا صورت بگیرد.

مسأله ۵۱۵. حلق و تقصـیر به سـان قربانی کردن، نیاز به مباشـرت نـدارد، دیگری نیز می‌توانـد این کار را برای انسان انجام دهـد، به شرط این که خود محرم، نیت کند.

مسأله ۵۱۶. وظیفهٔ حلق و تقصیر باید در منی انجام بگیرد، و اگر فردی نمی‌تواند در منی حلق یا تقصیر کند، در خارج منی می‌تواند انجام دهد، ولی باید موهای ریخته را به منی برگرداند، بنا بر این کسانی که در مسلخ کنونی که خارج از منی است اقدام به حلق یا تقصیر کنند، باید به منی برگشته تقصیر را اعاده کنند و در حلق تیغ را بر سر بکشند.

مسأله ۵۱۷. اگر کسـی به علتی قربانی را از روز عیـد قربان به تأخیر انداخت، تا روز سـیزدهم نمی‌تواند حلق و تقصـیر را انجام دهد، چنان که شرح آن در مسأله ۴۹۷ بیان شد.

مسأله ۵۱۸. چنان که در مسائل عمره گذشت در تقصیر،

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۵۹

کوتـاه کردن موی سـر و صورت و شارب کافی است، ولی کوتاه کردن موی دیگر جاهای بـدن، کفایت نمی‌کنـد. و بایـد «حلق» را انجام دهد.

مسأله ۵۱۹. واجب، تراشیدن و کوتاه کردن موست، بنا بر این کندن مو به هر وسیله‌ای باشد، کافی نیست.

مسأله ۵۲۰. معمولا تراشیدن سر با تیغ صورت می‌پذیرد ولی ماشینی که مو را از ته می‌زند، به گونه‌ای که عرفا تراشیدن حساب می‌شود، هم کفایت می کند.

مسأله ۵۲۱. هرگاه فردی که بر او تراشیدن سر واجب است، مو نداشته باشد، کافی است تیغ را بر تمام سر خود بکشد.

مسأله ۵۲۲. هرگاه چنین فردی بین تراشیدن و کوتاه کردن مخیر باشد باید دومی را انتخاب کند و از موی غیر سر یعنی ریش و سبیل کوتاه کند.

مسأله ۵۲۳. هرگاه حلق یا تقصیر را فراموش کند، باید به منی برگردد و آنجا عمل را انجام دهد.

مسأله ۵۲۴. وظیفهٔ حلق و تقصیر پس از قربانی است، چنان که قربانی پس از رمی است، ولی اگر فردی از روی جهل به حکم شرعی ترتیب را رعایت نکند، یا حکم آن را فراموش کند، عمل او صحیح است، ولی اگر عمدا این کار را انجام دهد، باید اعاده کند، به نحوی که ترتیب حاصل شود، مثلا اگر اوّل رمی کرده، سپس

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۰

تقصیر و بعدا ذبح، فقط باید تقصیر را اعاده کند، و اگر قربانی را عمدا برای اینکه کارش راحت‌تر باشد قبل از رمی و تقصیر انجام داد، باید قربانی و تقصیر را اعاده کند.

مسأله ۵۲۵. کسی که می‌خواهد موی دیگری را کوتاه کند، باید قبلا وظیفهٔ خود را از نظر حلق یا تقصیر انجام داده باشد، سپس به این کار بپردازد.

مسأله ۵۲۶. اگر کسی که وظیفهٔ او حلق است، تقصیر کند، در صورتی که جاهل به مسأله بوده کفاره بر او واجب نیست، و اگر عالمانه انجام داده باشد، باید کفاره بدهد.

مسأله ۵۲۷. کسانی که مقدار زیادی از موهای سر آنها ریخته، اگر بقیه را بتراشند کافی است.

مسأله ۵۲۸. کودک ممیّزی که قبلا به حج رفته و به نحو صحیحی حج را انجام داده است، و پس از رسیدن به سن بلوغ، مستطیع شده و حجة الاسلام را به جا می‌آورد، باید حلق کند.

مسأله ۵۲۹. پس از انجام اعمال منی (رمی، قربانی، حلق و تقصیر) همهٔ محرمات احرام بر فرد محرم حلال می‌شود به جز همسر و بوی خوش، و با انجام سعی بوی خوش نیز حلال می‌شود، و با انجام طواف نساء و نماز آن، همسر نیز حلال می‌شود، البته شکار و کندن گیاه خودرو در حرم برای همه حرام است، خواه محرم، خواه غیر محرم.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۱

## فصل هشتم اعمال مسجد الحرام

پس از انجام فریضه حلق یا تقصیر، نوبت اعمال مکه می‌رسد، و وقت آن از روز دهم تا آخر ماه ذی الحجه است، هر چند مستحب آن است که اعمال مکه را از روز یازدهم به تأخیر نیندازد.

اعمال مکه عبارتند از:

۱. طواف حج یا طواف زیارت

۲. دو رکعت نماز طواف در نزد مقام ابراهیم

۳. سعی میان صفا و مروه

۴. طواف نساء

۵. دو رکعت نماز طواف

و با انجام سعی بوی خوش نیز حلال می‌شود و با انجام طواف نساء کلیه محرمات احرام بر محرم حلال می‌شود.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۲

مسأله ۵۳۰. از آنجا که دربارهٔ این اعمال در بخش عمرهٔ تمتع به تفصیل سخن گفتیم، در اینجا نیازی به تفصیل بیشتر نیست. آنچه لازم است این که بایـد این اعمال به ترتیب انجام شود، و اگر کسـی بر خلاف ترتیب یاد شـده انجام داد، بایـد به گونه‌ای اعاده کند که ترتیب حاصل شود، مثلا اگر اوّل سعی نمود و بعدا طواف، تنها اعادهٔ سعی کافی است.

مسأله ۵۳۱. طواف زیارت و سـعی از ارکان حج است و اگر کسـی عمدا تا آخر ذی الحجه آنها را ترک کند، حج او باطل می‌شود، و اگر از روی فراموشـی هر دو یا یکی را به جا نیاورد، بایـد پس از ماه ذی الحجـهٔ الحرام، قضا کنـد، و اگر نمی‌توانـد شـخصا انجام دهد، باید نایب بگیرد.

مسأله ۵۳۲. طواف نساء اختصاصـی به مردان ندارد، بلکه همه باید آن را انجام دهند، و اگر کسـی انجام ندهد و بمیرد، باید برای او نایب بگیرند، و هزینه نائب از ترکه برداشته می‌شود.

مسأله ۵۳۳. طواف نساء پس از سـعی انجام می‌گیرد و اگر کسـی عمـدا آن را جلو بینـدازد، طواف او باطل است و باید اعاده کند و اگر سهوا یا از روی جهل به مسأله انجام دهد، اعاده مستحب است.

مسأله ۵۳۴. اعمال مکه را باید پشت سر هم انجام داد، و

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۳

میـان آنهـا فاصلهٔ زیـادی قرار نـداد، مگر به نحوی که در مبحث عمرهٔ تمتع گفتیم، ولی تـأخیر طواف نساء از سـعی مانعی نـدارد، و می‌توانـد تـا آخر ذی حجـه آن را انجـام دهـد، بلکه می‌توانـد آن را ترک کنـد، ولی بایـد به تبعـات و احکـام آن یعنی حرام بـودن نزدیکی با همسر و دیگر تمتعات جنسی عمل کند، و اینکه حتی نمی‌تواند همسری اختیار کند.

مسأله ۵۳۵. اگر کسی در انجام طواف نساء شک کند، در حالی که ماه ذی حجهٔ الحرام به پایان نرسیده است، چنین فردی باید خود و در صورت عـدم امکان، نایب او طواف نساء و نماز آن را انجام دهـد، و اگر پس از خروج از ماه ذی الحجه چنین شـکی رخ داد، اعتنا نکند.

مسأله ۵۳۶. اجزای عمرهٔ مفرده، با عمرهٔ تمتع تفاوتی ندارد، جز این که در عمرهٔ مفرده، طواف نساء و نماز طواف نساء پس از سـعی واجب است، ولی در عمرهٔ تمتع طواف نساء نیست، فقط در اعمال حج واجب است.

مسأله ۵۳۷. اگر کسـی به نیـابت از دیگری به حـج برود، امّـا طواف نسـاء را فراموش کنـد، زن بر نائب حرام می‌شود، تا آن را انجام دهـد و در صورت عـدم تمکن نـایب بگیرد، و اگر بمیرد بایـد از ترکـهٔ او کسـی را اجیر کننـد تا طواف نساء را به نیابت از او به جا آورد، ولی ترک طواف نساء از جانب نائب نسبت به منوب عنه اثری ندارد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۴

مسأله ۵۳۸. هرگاه زنی به خاطر ترس از حیض، طواف نساء را بر سـعی مقـدم بـدارد، طواف او صـحیح است، ولی اگر بعـدا حائض نشد واجب است خودش طواف نساء و نماز آن را به جا آورد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۵

## فصل نهم گذراندن شب در منی (بیتوته)

زائر خانهٔ خدا آنگاه که اعمال مکه را انجام داد، باید برای سپری کردن شب در منی، به این سـرزمین بازگردد و شب‌های یازدهم و دوازدهم و در برخی حالت‌ها، شب سیزدهم را در آنجا بماند.

مسأله ۵۳۹. لازم نیست همهٔ شب را در منی بماند، بلکه می‌تواند یا از سر شب تا نیمهٔ آن، در منی بماند و بعدا به مکه برود و یا این که اگر سر شب در منی نبوده، باید به نحوی به منی برگردد که پیش از طلوع فجر در منی باشد تا فجر طالع شود.

مسأله ۵۴۰. کسی که بدون عذر شرعی نصف اوّل شب را در منی نبوده، حتما باید پیش از طلوع فجر به منی بیاید و در آنجا بیتوته کند.

مسأله ۵۴۱. اقامت در منی در این شب‌ها نوعی عمل قربی است و باید با نیت و اخلاص انجام بگیرد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۶

مسأله ۵۴۲. کسانی که این فریضه را ترک کنند، عمدا یا به خاطر ناآگاهی از حکم شرعی یا فراموشی، باید برای هر شب، گوسفندی قربانی کنند.

مسأله ۵۴۳. گوسفندی که به عنوان کفاره ذبح می‌شود، شرایط قربانی روز دهم در آنها لازم نیست، حتی می‌توانند پس از بازگشت به محل آن را انجام دهند.

مسأله ۵۴۴. ظهر روز دوازدهم (جز طایفهٔ مخصوصی) همه می‌توانند منی را ترک کنند و پیش از ظهر، خروج از منی جایز نیست، و اگر کسی به علتی عقب ماند و آفتاب غروب کرد، باید شب را در آنجا بماند.

بر چند گروه واجب است که شب سیزدهم را در منی بیتوته کنند:

۱. کسی که در حال احرام، چه احرام عمرهٔ تمتع و چه احرام حج صید کرده باشد.

۲. کسی که در حال احرام با زن عمل جنسی انجام دهد یعنی نزدیکی کند.

۳. کسی که روز دوازدهم به هر علتی از منی کوچ نکرد و به هنگام غروب روز دوازدهم در منی بود.

مسأله ۵۴۵. اگر کسی بعد از ظهر روز دوازدهم از منی بیرون رفت، ولی قبل از غروب برای کاری به منی برگشت، احتیاط آن است

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۷

که شب را در منی بماند و فردای آن روز، جمرات را رمی کند.

مسأله ۵۴۶. بیتوته و سپری کردن شب در جمرهٔ عقبه خلاف احتیاط است، و در عین حال، بیتوته در داخل نقاطی که با علامت‌های مخصوص حدود منی تعیین شده است کفایت می‌کند.

مسأله ۵۴۷. کسی که می‌داند اگر برای انجام اعمال به مکه برود، نیمهٔ اوّل شب را در منی درک نمی‌کند، برای چنین شخصی رفتن و انجام اعمال مانعی ندارد، به شرط آن که در نیمهٔ دوم قبل از طلوع فجر در منی حاضر باشد.

مسأله ۵۴۸. بر چند گروه بیتوته برای آنها در شب‌های منی (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) واجب نیست:

۱. بیماران و پرستاران آنها و کلیهٔ کسانی که ماندن برای آنها در منی مشقّت‌زا باشد.

۲. کسانی که می‌ترسند بر اثر بیتوته در منی مال مهمی در مکه از دستشان برود.

۳. کسانی که برای تدارک نیازهای ضروری حجاج ناچارند در مکه بمانند.

۴. کسانی که همهٔ شب را در مسجد الحرام به عبادت بگذرانند، جز مقدار ضروریات مانند خوردن و نوشیدن و تجدید وضو.

و احتیاط این است که عبادت خود را به طواف و نماز طواف

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۸

اختصاص دهند.

مسأله ۵۴۹. اگر فردی برای اعمال مکه یا کارهای دیگر روز دوازدهم به مکه بیاید، باید در صورت امکان قبل از ظهر، و در غیر آن صورت بعد از ظهر به منی برگردد تا فریضهٔ نفر و کوچ کردن بعد از ظهر را انجام دهد.

مسأله ۵۵۰. کسانی که از رمی در روز یازدهم و دوازدهم عذر دارند، می‌توانند، رمی را جلو بیندازند و شب یازدهم و دوازدهم رمی را انجام دهند.

مسأله ۵۵۱. رمی جمرات روزهای یازدهم و دوازدهم واجب است ولی از اعمال حج نیست، و هر نوع خلل در آن موجب بطلان حج نمی‌شود.

مسأله ۵۵۲. روز یازدهم و دوازدهم باید سه نقطه را به این ترتیب رمی کند:

۱. جمرهٔ اوّلی، یا جمره نخست و وظیفه رمی در این روزها از آن آغاز می‌شود و دورترین جمرات به مکه همین جمره است و در نزدیکی مسجد خیف می‌باشد.

۲. جمرهٔ وسطی، یا جمرهٔ میانه که در فاصله (۴۰/ ۱۵۶) متری جمره اولی قرار گرفته و پس از آن، رمی شود.

۳. جمرهٔ عقبه، یا آخرین جمره که فاصله آن با جمره

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۶۹

وسطی ۷۷/ ۱۱۶ متر است و با رمی آن، وظیفه رمی پایان می‌پذیرد.

مسأله ۵۵۳. مقدار رمی با هدف گیری توأم است، و رمی بدون هدف بی‌معنی است ولی هدف جایگاه ستون‌ها است و ستون‌های فعلی که در اعصار پیشین وجود نداشته برای نشانه‌گیری محل رمی است، و نشانه‌گیری جایگاه ستون کافی است، اصابت بکند یا نکند.

مسأله ۵۵۴. ترتیب، در رمی جمرات، واجب است و اگر کسی عمدا یا سهوا بر خلاف ترتیب رمی کند، باید به نوعی جبران کند که ترتیب حاصل شود، مثلا ـ اگر اوّل جمرهٔ وسطی را، سپس جمرهٔ اولی را رمی کند، اگر دو مرتبه جمرهٔ وسطی را رمی کند کافی است، سپس به سوی جمرهٔ عقبه می‌رود.

مسأله ۵۵۵. رمی جمره از پایین و بالا صحیح است و آنچه که لازم است، رمی به سوی آن محدودهٔ از فضا تحقق پذیرد، اکنون که به جای ستون سابق، دیواری به طول ۳۴ متر و بلندی سه متر در هر طبقه و مجموعا پنج طبقه به وجود آمده است، ستون سابق در هر جمره، لای این دیوار قرار گرفته و برای اهل تشخیص، محل ستون سابق کاملا معلوم است، و در صورت مشقت، به هر نقطهٔ این دیوار که هدف بگیرد، کافی است هر چند به دیوار اصابت نکند.

مسأله ۵۵۶. کسانی که از رمی در روز معذورند، باید شب رمی کنند، و نمی‌توانند نایب بگیرند. و اگر رمی در شب هم برای آنان

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۰

حرجی است، نائب بگیرند که در روز رمی کند.

مسأله ۵۵۷. هرگاه کسی، به گونه‌ای مریض است که نمی‌توان از او اذن گرفت و رمی کرد، در این صورت اذن گرفتن ساقط است و باید از طرف او رمی کرد.

مسأله ۵۵۸. شخصی که از طرف دیگری نیابت دارد و خود نیز باید رمی کند، می‌تواند نخست رمی خود و سپس فرد دیگر را یا بالعکس انجام دهد.

مسأله ۵۵۹. اگر کسی رمی در روز را فراموش کرد، واجب است در روز بعد آن را قضا کند و رمی قضا را بر ادا مقدم بدارد، مثلا اگر روز عید، رمی را انجام نداد، روز یازدهم، اوّل باید جمرهٔ العقبه را رمی کند، آنگاه برگردد سه رمی دیگر را از جمرهٔ اولی شروع کرده و در جمرهٔ عقبه به آخر برساند.

مسأله ۵۶۰. اگر کسی رمی روز دهم را به صورت غیر صحیح انجام داد و پس از رمی یازدهم و دوازدهم متوجه شد، فقط جمرهٔ عقبه را رمی کند و اعادهٔ بعدی‌ها لازم نیست.

مسأله ۵۶۱. هرگاه پس از سپری شدن روز، در رمی یکی از جمرات شک کند، اعتنا ننماید، همچنان که اگر در صحت یکی از «رمی» های خود شک کند، اعتنا نکند.

مسأله ۵۶۲. هرگاه می‌داند روز یازدهم یا دوازدهم یکی از

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۱

رمی‌ها را انجام نداده ولی نمی‌داند کدام است، باید هر سه را قضا کند.

مسأله ۵۶۳. هرگاه بداند که یکی از جمره‌ها به طور معین را با کمتر از چهار سنگ رمی کرده، باید آن را تجدید کند، و رمی جمرات بعدی را نیز اعاده نماید.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۳

## فصل دهم عمرهٔ مفرده

مسأله ۵۶۴. مقصود از عمرهٔ مفرده، آن رشته اعمالی است که به صورت جدا از حج انجام می گیرد.

مسأله ۵۶۵. اعمال عمرهٔ مفرده، به ترتیب زیر است:

۱. احرام، ۲. طواف، ۳. نماز طواف، ۴. سعی، ۵. حلق یا تقصیر، ۶. طواف نساء، ۷. نماز طواف نساء، اعمال عمرهٔ مفرده درست مانند اعمال عمرهٔ تمتع است؛ جز در دو چیز:

۱. در عمرهٔ تمتع، باید برای خروج از احرام تقصیر کند، ولی در عمرهٔ مفرده بین تقصیر و حلق مخیّر است.

۲. در عمرهٔ تمتع طواف نساء نیست و همسر به وسیلهٔ تقصیر حلال می‌شود، ولی در عمرهٔ مفرده، همسر با طواف نساء و نماز آن حلال می گردد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۴

مسأله ۵۶۶. فاصله میان دو عمره به صورت یک ماه یا ده روز مستحب است، ولی می‌تواند بدون رعایت این فاصله، برای خود و یا دیگران کرارا عمرهٔ مفرده انجام دهد.

مسأله ۵۶۷. عمرهٔ مفرده را در همهٔ طول سال می‌توان انجام داد، جز در دو مورد:

۱. روزهای تشریق یعنی روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی حجّه.

۲. بین عمرهٔ تمتع و حج تمتّع.

مسأله ۵۶۸. کسانی که محل سکونت آنها پیش از میقات است برای عمرهٔ مفرده می‌توانند از مواقیت پنج‌گانه احرام ببندند، مثلا کسانی که در مدینه هستند، می‌توانند از مسجد شجره، یا جحفه احرام ببندند، ولی کسانی که محل سکونت آنها پس از میقات است برای انجام عمرهٔ مفرده باید از ادنی الحلّ یعنی مرزهای حرم، احرام ببندند، مانند «تنعیم» یا «جعرانه» یا «حدیبیّه».

مسأله ۵۶۹. کسانی که عمرهٔ مفرده بجا می‌آورند می‌توانند بعد از عمره از مکّه خارج شوند، در حالی که کسی که عمرهٔ تمتع انجام داد جز در صورت ضرورت نباید از مکه خارج شود و کیفیت رفتن و برگشتن آنان در مسأله ۴۳۵ گفته شد.

مسأله ۵۷۰. کسانی که از میقات‌های پنجگانه برای عمرهٔ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۵

مفرده احرام می‌بندند مستحب است لبّیک را تا حدود حرم تکرار کنند، ولی اگر از ادنی الحلّ (مرزهای حرم) احرام بستند مستحب است وقتی مسجد الحرام را دیدند، لبیک را ترک نمایند.

مسأله ۵۷۱. کسی که عمرهٔ تمتع برای او مستحب است، هرگاه در ماه‌های حج (شوال و ذی قعده و ذی حجه) عمرهٔ مفردهٔ مستحبی

به جا آورد و در مکه باقی مانـد، می‌توانـد آن را عمرهٔ تمتع قرار دهد و پس از آن حج تمتع به جا آورد، البته این حکم برای کسـی است که حج تمتع درباره آنها جایز باشد.

مسأله ۵۷۲. کسی که برای حج تمتع نیابت گرفته است، پس از پایان عمل حج، سزاوار است برای خود، عمرهٔ مفرده‌ای به جا آورد.

مسأله ۵۷۳. کسـانی که محـل زنـدگی آنان تا مکه کمتر از شانزده فرسـخ است، عمرهٔ مفرده برای آنان واجب است، خواه برای حج استطاعت داشته باشند یا نه.

امّا کسـانی که بیرون از این محـدوده زنـدگی می‌کننـد، عمرهٔ مفرده برای آنهـا واجب نیست، بنا بر این کسانی که در این ایام برای عمرهٔ مفرده می‌روند و در همان سال و یا سال‌های بعد برای حج تمتع احرام می‌بندند، عمرهٔ مفرده پیشـین کافی از عمرهٔ تمتع نیست، و سرّ آن این است که عمرهٔ تمتع داخل در اعمال حج تمتع است، در حالی که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۶

در حج افراد و قران که تفصیل آن را خواهیم گفت، عمرهٔ مفرده، داخل در حج نیست.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۷

## فصل یازدهم حج افراد و قران

### اشاره

مسأله ۵۷۴. کسانی که محلّ سکونت آنان، در محدودهٔ ۱۶ فرسخی مکه است، وظیفهٔ آنان، انجام یکی از دو نوع حج است:

۱. حج افراد

۲. حج قران

این دو نوع حـج از جهات زیادی، از نظر اعمال و شـروط یکساننـد، جز این که فقط در حـج قران، فرد همراه خود قربانی (هدی) را می‌آورد، ولی در حج افراد، اصلا قربانی کردن واجب نیست.

### کیفیت احرام بستن برای حج افراد یا قران

مسأله ۵۷۵. هر گاه خانهٔ چنین شخصی قبل از یکی از مواقیت پنجگانه باشد، از یکی از آن مواقیت احرام می‌بندد و اگر بین میقات

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۸

و مکه هست، از محل زندگی خود، محرم می‌شود. و به فردی که «حج افراد» به جا می‌آورد «مفرد» و به کسـی که «حج قران» انجام می‌دهد، «قارن» می گویند.

مسأله ۵۷۶. «مفرد» و «قارن»، بر خلاف متمتع نخست برای حـج، احرام می‌بندند و اعمال حج را بسان حج تمتع، به جا می‌آورند، جز این که برای مفرد، قربانی نیست، و قارن نیز غیر از آنچه همراه خود آورده است قربانی دیگری برای او واجب نیست.

هر یـک از دو نفر از مفرد و قـارن آنگـاه که از اعمـال حـج فـارغ شدنـد، از روز چهاردهم، تا آخر ماه بایـد یک عمرهٔ مفرده به جا آورند، مشروط بر این که قبلا در ماه‌های دیگر، عمرهٔ مفرده‌ای انجام نداده باشند.

مسأله ۵۷۷. از آنجـا که عمرهٔ مفرده در هر یک از دو حـج یاد شـده، عمل مسـتقلی است، بنا بر این، هرگاه کسـی بر یکی از این دو عمل، مستطیع شـد، باید انجام دهد، هر چند برای دیگری مسـتطیع نشود، مثلا هرگاه در ماه رجب یا شـعبان اسـتطاعت مالی و بدنی برای عمرهٔ مفرده داشته باشد، باید به جا آورد، هر چند برای حج، استطاعت نداشته باشد، همچنین اگر تنها برای عمل حج استطاعت

مالی و بدنی دارد، نه برای عمرهٔ مفرده، باید برای حج احرام ببندد، هر چند عمرهٔ مفرده، همراه آن نباشد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۷۹

اگر برای هر دو استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، باید هر دو را انجام دهد.

مسأله ۵۷۸. کسانی که برای حج «افراد» یا «قران»، احرام ببندند، و وارد مکه شوند، می‌توانند برخی از اعمال حج را مانند طواف زیارت و سعی، قبل از وقوفین به جا آورند، ولی در حجّ تمتع، تقدیم طواف و سعی بر وقوف در عرفات و منی جایز نیست، مگر در صورت ضرورت.

مسأله ۵۷۹. در حج افراد و قران آنگاه که سر تراشید و یا مو را کوتاه کرد، هر چند طواف زیارت و سعی انجام نداده باشد، بوی خوش برای او حلال می‌شود، در حالی که در حج تمتع، بوی خوش در صورتی حلال می‌شود که طواف و سعی را انجام دهد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۱

## مسائل متفرقه

اشیای گمشده در حرم مسأله ۵۸۰. اگر چیزی در منطقهٔ حرم پیدا شد، احتیاط آن است که آن را برندارد.

مسأله ۵۸۱. هرگاه چیز گمشده‌ای را در حرم برداشت، اگر قیمت آن کمتر از یک درهم (معادل ۶/ ۱۲ نخود نقرهٔ مسکوک) باشد، باید آن را از طرف صاحبش به فقیر مؤمن صدقه دهد، و هر وقت صاحبش پیدا شد اگر راضی به صدقه دادن نشد، باید عوض آن را به او بپردازد.

مسأله ۵۸۲. اگر گمشده‌ای را که برداشته، بیش از یک درهم ارزش داشته باشد، باید یک سال آن را به صورت‌های مختلف، اعلام کند، و اگر پس از یک سال پیدا نشد، از طرف صاحبش صدقه دهد، و بهتر این است که آن را به حاکم شرع تحویل دهد.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۲

مسأله ۵۸۳. هرگاه پولی در مکّه و مدینه پیدا شد، در صورتی که از پیدا کردن صاحب آن ناامید باشد، باید آن را به فقیر مؤمن صدقه دهد.

مسأله ۵۸۴. باید از برداشتن سنگ و ریگ، از صفا و مروه، و مسجد خیف، خودداری کند، و احتیاط آن است که از آوردن خاک و ریگ حرم، مطلقا خودداری شود.

مسأله ۵۸۵. هنگامی که نماز جماعت در مسجد الحرام و یا مسجد النبی برگزار می‌شود، بیرون رفتن از مسجد شرعی نیست، و لازم است در نماز حاضر شود، و نماز واجب را برگزار کند، امّا احتیاط استحبابی این است که آن را اعاده نماید.

مسأله ۵۸۶. تا آنجا که امکان دارد، در مسجد الحرام یا مسجد النبی در نقاطی نماز بگزارد که بتواند بر سنگ‌های مسجد سجده کند، و از خواندن نماز واجب در نقاط مفروش خودداری شود، مگر این که نماز خواندن در نقاط دیگر، مایهٔ انگشت‌نما شدن گردد یا سبب فوت نماز جماعت گردد.

مسأله ۵۸۷. کسانی که در مدینه قصد اقامهٔ شرعی می‌کنند، بیرون رفتن آنان از مدینه، برای زیارت مساجد، مانند مسجد قبا و احد و دیگر نقاط نزدیک، زیانی به اقامت نمی‌زند.

مسأله ۵۸۸. روزه گرفتن در سفر، حرام است، مگر این که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۳

نذر کند که در سفر روزه بگیرد، و حتی هنگامی که مسافر است، می‌تواند نذر کند که در همین سفر روزه بگیرد.

مسأله ۵۸۹. از گرفتن کتابچه‌هایی که اخیرا در مکه و مدینه توزیع می‌شود، خودداری شود و اگر هم در اختیار قرار گرفت، آن را به

روحانی کاروان تحویل دهند.

مسأله ۵۹۰. پولی که به حساب سازمان حج و زیارت برای ثبت‌نام واریز می‌شود، هرگاه از درآمد همان سال باشد که نام‌نویسی کرده، خمس ندارد، هر چند سفر او به خاطر نرسیدن نوبت به تأخیر بیفتد، ولی اگر درآمد، سال و یا سال‌های قبل باشد که خمس آن را نپرداخته است، باید خمس آن را بپردازد.

مسأله ۵۹۱. گاهی به سپرده‌های حج و عمره، سودی تعلق می‌گیرد، اگر این سود، به وسیله یکی از عقود شرعی به صاحب سپرده تعلق گیرد، سود مذکور از درآمدهای سال وصول سود محسوب می‌شود، اگر در همان سال صرف مؤونه شد، خمس ندارد، و در غیر این صورت باید خمس آن را بدهد.

مسأله ۵۹۲. نائب در اعمال حج، باید به وظیفه خود عمل کند، و اگر مقلّد است باید طبق فتوای مرجع تقلید خود، عمل حج را انجام دهد ولی اگر از طرف فرد زنده‌ای اجیر شده و یا کیفیت خاصی را با او در عقد نیابت شرط کرده‌اند، باید احتیاط کند یعنی علاوه بر مراعات وظیفه خود، عمل را مطابق وظیفه منوب عنه زنده و با شرط

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۴

مذکور، انجام دهد.

مسأله ۵۹۳. نماز استداره‌ای فقط در مسجد الحرام امکان‌پذیر است که کعبه در وسط آن قرار دارد، و هر چهار طرف قبله است، و نماز در صورتی درست که در تمام دور از امام، عقب‌تر باشد، و این در صورتی ممکن می‌شود که فاصله او تا کعبه بیش از فاصله امام با کعبه باشد ولی نماز کسانی که روبروی امام قرار دارند، صحیح نیست.

مسأله ۵۹۴. هرگاه اوّل ماه در عربستان نزد مفتیان ثابت شود مادامی که علم قاطع به خلاف نباشد تبعیت صحیح و حج مجزی است، و به خاطر اختلاف افق، علم قطعی به خلاف مشکل است و اگر فردی بتواند احتیاط کند مثلا روز دهم مقداری از بعد از ظهر را و لو کم در عرفات حضور داشته و یا شب یازدهم پس از طلوع فجر در مشعر الحرام باشد، خوب است ولی این احتیاط برای جمع امکان پذیر نیست بلکه مایه مشکلات است.

مسأله ۵۹۵. اگر علم قطعی بر خلاف فتوا حاصل شود مثلا روز نهم حکم مفتی عربستان روز هشتم واقعی باشد، و نتواند به نحوی احتیاط کند، احرام حج او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و از این طریق از احرام خارج می‌گردد و اگر او در همان سال مستطیع شده، و برای سالهای بعد باقی نماند، حج از او ساقط مگر این که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۵

مجددا مستطیع شود.

مسأله ۵۹۶. کسی که می‌خواهد مکه معظمه را ترک کند، مستحب است طواف وداع انجام دهد و کیفیت آن، مانند طواف واجب است، و در اثنای طواف و یا پس از آن این دعا را بخواند:

«اللّهمّ صلّ علی محمّد عبدک و رسولک و نبیّک و امینک و حبیبک و نجیّک و خیرتک من خلقک، اللّهمّ کما بلّغ رسالاتک و جاهد فی سبیلک و صدع بأمرک و اوذی فی جنبک و عبدک حتّی أتاه الیقین، اللّهمّ أقلبنی مفلحا منجحا مستجابا بأفضل ما یرجع به أحد من وفدک من المغفرهٔ والبرکهٔ والرّحمهٔ والرّضوان والعافیهٔ».

مسأله ۵۹۷. فاصله مکه قدیم با عرفات، در گذشته مسافت شرعی بوده و لازم بود که مردم مکه و یا افراد مقیم در عرفات تا بازگشت به مکه نماز را شکسته بخوانند ولی اکنون بر اثر توسعه مکه، مسافت کمتر از حد شرعی است، طبعا افراد مقیم باید نماز را تمام بخوانند و میزان در مسافت شرعی، آخرین نقطه شهر در بلاد متعارف است.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۷

## فصل ادعیه و آداب حرمین

### اشاره



مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۸۹

### مستحبات ورود به مکّهٔ معظمه

برای دخول مکـهٔ معظمه نیز مسـتحب است، مکلّف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود، با حالت تواضع وارد شود و کسـی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده، و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

### آداب مسجد الحرام و مکهٔ معظمه

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید.
همچنین مسـتحب است با پای برهنه و با حالت سـکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از باب بنی شیبه وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شـیبه در حال کنونی مقابل باب السّـلام است. بنا بر این شایسـته است که شخص از باب السّلام وارد شود و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده، بگوید:
«السّلام علیک أیّها النّبیّ و رحمهٔ اللّه و برکاته، بسم اللّه و باللّه،
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۰
و من اللّه و مـا شاء اللّه، السّـلام علی أنبیاء اللّه و رسـله، و السّـلام علی رسول اللّه، و السّـلام علی إبراهیم خلیل اللّه، و الحمـد للّه ربّ العالمین».
پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده و بگوید:
«اللّهم إنی أسألـک فی مقـامی هـذا، و فی اوّل مناسـکی ان تقبـل توبتی، و ان تتجـاوز عن خطیئتی، و ان تضع عنّی وزری، الحمـد للّه الّذی بلّغنی بیته الحرام، اللّهم إنی اشهد انّ هذا بیتک الحرام الّذی جعلته مثابهٔ للنّاس و امنا مبارکا و هدی للعالمین، اللّهم إنّی عبدک، و البلـد بلـدک، و البیت بیتـک، جئت اطلب رحمتـک، و اؤمّ طاعتـک، مطیعـا لامرک، راضـیا بقـدرک، أسألک مسألـهٔ الفقیر إلیک الخائف لعقوبتک، اللّهم افتح لی ابواب رحمتک، و استعملنی بطاعتک و مرضاتک».

### مستحبات طواف

#### اشاره

مستحب است طواف‌کننده در حال دور، با کمال خلوص و توجّه به خدا، در هر دوری از اشواط هفت‌گانه، راز و نیازی آهسته و آرام، با حضرت حق داشته باشد، پس علاوه بر اذکاری که دارد، می‌تواند در هر شوط این ادعیه را بخواند:

مناسك حج و احكام عمره (سبحانى)، ص: ۱۹۱

### دعای اشواط طواف

#### اشاره

برای این که طواف‌کننده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می‌تواند دعاهای وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشی از آن را به قصد رجاء بخواند، و اگر تکرار شد مانعی ندارد.

#### دعای دور اوّل

«اللّهم انّی أسألک باسمک الّذی یمشی به علی طلل الماء، کما یمشی به علی جدد الارض، و أسألک باسمک الّذی یهتزّ له عرشک، و اسألک باسمک الذّی تهتزّ له اقدام ملائکتک، و أسألک باسمک الّذی دعاک به موسی من جانب الطّور، فاستجبت له، و القیت علیه محبّةً منک، و أسألک باسمک الّذی غفرت به لمحمّد صلّی اللّه علیه و آله ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر، و اتممت علیه نعمتک، ان ترزقنی خیر الدّنیا و الآخرة ...» و حاجات خود را می‌خواهی.

#### دعای دور دوم

«اللّهمّ انّی الیک فقیر، و انّی خائف مستجیر، فلا تغیّر جسمی و لا تبدّل اسمی.

سپس می گویی:

سائلك فقیرك مسكینك ببابك، فتصدّق علیه بالجنّة، اللّهمّ

مناسك حج و احكام عمره (سبحانى)، ص: ۱۹۲

البیت بیتك، و الحرم حرمك، و العبد عبدك، و هذا مقام العائذ بك المستجیر بك من النّار، فاعتقنی و والدیّ و اهلی و ولدی و اخوانی المؤمنین من النّار، یا جواد یا كریم».

#### دعای دور سوم

«اللّهم ادخلنی الجنة، و اجرنی من النّار برحمتك، و عافنی من السّقم، و اوسع علیّ من الرّزق الحلال، و ادرء عنّی شرّ فسقة الجنّ و الانس، و شرّ فسقة العرب و العجم، یا ذا المنّ و الطّول، یا ذا الجود و الكرم، انّ عملی ضعیف فضاعفه لی، و تقبّله منّی، انّك انت السّمیع العلیم».

#### دعای دور چهارم

«یا اللّه یا ولیّ العافیة، و خالق العافیة، و رازق العافیة، و المنعم بالعافیة، و المتفضّل بالعافیة علیّ و علی جمیع خلقك، یا رحمن الدّنیا و الآخرة و رحیمهما، صلّ علی محمّد و آل محمّد، و ارزقنا العافیة، و تمام العافیة، و شكر العافیة فی الدّنیا و الآخرة، یا ارحم الرّاحمین».

### دعای دور پنجم

«الحمد للّه الّذی شرّفک و عظّمک، و الحمد للّه الّذی بعث محمّدا نبیّا، و جعل علیّا اماما، اللّهمّ اهد له خیار خلقک، و جنّبه شرار
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۳
خلقک»
آنگاه می گویی:
«رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ».

### دعای دور ششم

«اللّهم البیت بیتک، و العبد عبدک، و هذا مقام العائذ بک من النّار، اللّهم من قبلک الرّوح و الفرج و العافیة، اللّهم انّ عملی ضعیف فضاعفه لی، و اغفر لی ما اطّلعت علیه منّی و خفی علی خلقک، استجیر باللّه من النّار».

### دعای دور هفتم

«اللّهم انّ عندی افواجا من ذنوب، و افواجا من خطایا، و عندک افواج من رحمة، و افواج من مغفرة، یا من استجاب لابغض خلقه اذ قال: انظرنی الی یوم یبعثون، استجب لی».
سپس حاجاتت را بخواه و آنگاه بگو:
«اللّهمّ قنّعنی بما رزقتنی، و بارک لی فیما آتیتنی».
و هنگامی که مقابل مقام حضرت ابراهیم علیه السّلام رسیدی، بگو:
«اللّهمّ أعتق رقبتی من النّار، و وسّع علیّ من الرّزق الحلال، و ادرأ عنّی شرّ فسقة العرب و العجم و شرّ فسقة الجنّ و الإنس».
مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۴
و امام سجّاد علیه السّلام هنگام طواف، به ناودان نگاه می کرد، و عرضه می‌داشت:
«اللّهمّ أدخلنی الجنّة برحمتک، و أجرنی برحمتک من النّار، و عافنی من السّقم، و أوسع علیّ من الرّزق الحلال، و ادرأ عنّی شرّ فسقة الجنّ و الإنس، و شرّ فسقة العرب و العجم».

### مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد، در رکعت اوّل سورهٔ «توحید» و در رکعت دوم سورهٔ «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ» را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید، و بگوید:
«اللّهمّ تقبّل منّی، و لا تجعله آخر العهد منّی، الحمد للّه بمحامده کلّها علی نعمائه کلّها، حتّی ینتهی الحمد الی ما یحبّ و یرضی، اللّهمّ صلّ علی محمّد و آله، و تقبّل منّی، و طهّر قلبی، و زکّ عملی».
و در روایت دیگر چنین آمده است:
«اللّهمّ ارحمنی بطاعتی إیّاک، و طاعة رسولک صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، اللّهمّ جنّبنی ان اتعدّی حدودک، و اجعلنی ممّن یحبّک و یحبّ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۵

رسولک و ملائکتک و عبادک الصّالحین».

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السّلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سجد لک وجهی تعبّدا و رقّا، لا إله إلا انت حقّا حقّا، الاوّل قبل کلّ شیء، و الآخر بعد کلّ شیء، و ها انا ذا بین یدیک ناصیتی بیدک، فاغفر لی، إنه لا یغفر الذّنب العظیم غیرک، فاغفر لی، فإنّی مقرّ بذنوبی علی نفسی، و لا یدفع الذّنب العظیم غیرک».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

## مستحبّات سعی

مستحب است پس از خواندن نماز طواف و پیش از سعی، مقداری از آب زمزم بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللّهمّ اجعله علما نافعا، و رزقا واسعا، و شفاء من کلّ داء و سقم».

پس از نزدیک حجر الأسود بیاید، و مستحب است از دری که روبروی حجر الأسود است به سوی صفا متوجه شود، و با آرامش دل و بدن بالای صفا رفته، و به خانهٔ کعبه نظر کند، و به رکنی که

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۶

حجر الأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و نعمت‌های الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این ذکر را بگوید:

«اللّه أکبر» (هفت مرتبه).

«الحمد للّه» (هفت مرتبه).

«لا إله إلّا اللّه» (هفت مرتبه).

«لا اله الّا اللّه وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت، و هو حیّ لا یموت، بیده الخیر، و هو علی کلّ شیء قدیر» (سه مرتبه).

پس صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد، و سه مرتبه بگوید:

«اللّه اکبر علی ما هدانا، و الحمد للّه علی ما ابلانا، و الحمد للّه الحیّ القیّوم، و الحمد للّه الحیّ الدّائم».

پس سه مرتبه بگوید:

«اشهد ان لّا اله الّا اللّه، و اشهد انّ محمّدا عبده و رسوله، لا نعبد الّا ایّاه، مخلصین له الدّین، و لو کره المشرکون»

پس سه مرتبه بگوید:

«اللّهمّ إنّی أسألک العفو و العافیهٔ و الیقین فی الدّنیا و الآخرهٔ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللّهمّ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ».

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۷

پس بگوید:

«اللّه أکبر» (صد مرتبه).

«لا إله إلّا اللّه» (صد مرتبه).

«الحمد للّه» (صد مرتبه).

«سبحان اللّه» (صد مرتبه).

پس بگوید:

«لا اله الّا اللّه وحده وحده، انجز وعده، و نصر عبده، و غلب الاحزاب وحده، فله الملك و له الحمد وحده، اللّهم بارك لی فی الموت و فيما بعد الموت، اللّهم إنی اعوذ بک من ظلمهٔ القبر و وحشته، اللّهم اظلّنی فی ظلّ عرشك يوم لا ظلّ الّا ظلّك».

و بسیار دعای بعد را که سپردن دین و نفس و اهل و مال خود به خداوند عالم است، تکرار کند، بگوید:

«استودع اللّه الرّحمن الرّحيم الّذی لا تضيع ودائعه دينی و نفسی و اهلی، اللّهمّ استعملنی علی كتابك و سنّهٔ نبيّك، و توفّنی علی ملّته، و اعذنی من الفتنهٔ».

پس «اللّه أكبر» سه مرتبه بگوید.

بعد دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، آنگاه یک بار دیگر تکبیر و دعا را بخواند، و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۸

و مستحب است که رو به کعبه نماید، و این دعا را بخواند:

«اللّهم اغفر لی كل ذنب اذنبته قطّ، فإن عدت فعد علیّ بالمغفرهٔ، فإنّك انت الغفور الرّحيم، اللّهم افعل بی ما انت اهله، فإنّك إن تفعل بی ما انت اهله ترحمنی، و إن تعذّبنی فانت غنیّ عن عذابی، و انا محتاج إلی رحمتك، فيا من انا محتاج إلی رحمته ارحمنی، اللّهم لاـ تفعل بی ما انا اهله، فإنّك إن تفعل بی ما انا اهله تعذّبنی، و لم تظلمنی، اصبحت اتّقی عدلك، و لا اخاف جورك، فيا من هو عدل لا يجور ارحمنی».

پس بگوید:

«يا من لا يخيب سائله، و لا ينفد نائله، صلّ علی محمّد و آل محمّد، و اجرنی من النّار برحمتك».

و در حدیث شریف وارد شده است: ایستادن بر صفا را طول دهد، و هنگامی که از صفا پایین می‌آید رو به خانه کعبه کند و بگوید:

«اللّهمّ إنّی اعوذ بك من عذاب القبر و فتنته و غربته و وحشته و ظلمته و ضيقه و ضنكه، اللّهمّ اظلّنی فی ظلّ عرشك يوم لا ظلّ إلّا ظلّك».

سپس می گویی:

«يا ربّ العفو، يا من أمر بالعفو، يا من هو أولی بالعفو، يا من

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۱۹۹

يثيب علی العفو، العفو العفو العفو، يا جواد يا كريم يا قريب يا بعيد، اردد علیّ نعمتك، و استعملنی بطاعتك و مرضاتك».

و مستحب است پیاده سعی نماید، و از صفا تا منارهٔ میانه، راه رود، و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران بوده است (این فاصله با چراغ سبز مشخص شده)، (هروله کند)، و اگر سوار باشد این فاصله را کمی تند نماید، و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است در هنگامی که به این محل می‌رسد، بگوید:

«بسم اللّه و باللّه، و اللّه اكبر، و صلّی اللّه علی محمّد و اهل بيته، اللّهم اغفر و ارحم و تجاوز عمّا تعلم، إنّك انت الاعزّ الاجلّ الاكرم، و اهدنی للّتی هی اقوم، اللّهم إنّ عملی ضعيف فضاعفه لی، و تقبّله منّی، اللّهم لك سعيی، و بك حولی و قوّتی، تقبّل منّی عملی، يا من يقبل عمل المتّقين».

و چون از این قسمت گذشتی بگو:

«يا ذا المنّ و الفضل و الكرم و النّعماء و الجود، اغفر لی ذنوبی، إنّه لا يغفر الذّنوب الّا انت».

و هنگامی که به مروه رسید بالای آن برود، و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد، و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد. و پس از آن بگوید:

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۰

«اللّهمّ یا من امر بالعفو، یا من یحبّ العفو، یا من یعطی علی العفو، یا من یعفو علی العفو، یا ربّ العفو، العفو العفو العفو».

و مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وا دارد، و در حال سعی دعا بسیار کند، و بخواند این دعا را:

«اللّهمّ إنّی أسألک حسن الظّنّ بک علی کلّ حال، و صدق النّیّة فی التّوکّل علیک».

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۱

## [دعاء امام حسین علیه السلام در روز عرفه]

. دعاء امام حسین علیه السلام در روز عرفه الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَیْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ- وَ لَا کَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ- فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَ أَتْقَنَ بِحِکْمَتِهِ الصَّنَائِعَ- لَا یَخْفَی عَلَیْهِ الطَّلَائِعُ وَ لَا تَضِیعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ- أَتَی بِالْکِتَابِ الْجَامِعِ وَ بِشَرْعِ الْإِسْلَامِ النُّورِ السَّاطِعِ وَ هُوَ لِلْخَلِیفَةِ صَانِعٌ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَی الْفَجَائِعِ- جَازِی کُلِّ صَانِعٍ وَ رَائِشُ کُلِّ قَانِعٍ وَ رَاحِمُ کُلِّ ضَارِعٍ- وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْکِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ- وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ- وَ لِلْکُرُبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ- وَ رَاحِمُ عَبْرَةِ کُلِّ ضَارِعٍ وَ دَافِعُ ضَرْعَةِ کُلِّ ضَارِعٍ- فَلَا إِلَهَ غَیْرُهُ وَ لَا شَیْ‌ءَ یَعْدِلُهُ- وَ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ‌ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ- وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَرْغَبُ إِلَیْکَ- وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِیَّةِ لَکَ مُقِرّاً بِأَنَّکَ رَبِّی وَ أَنَّ إِلَیْکَ مَرَدِّی- ابْتَدَأْتَنِی بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ أَنْ أَکُونَ شَیْئاً مَذْکُوراً- وَ خَلَقْتَنِی مِنَ التُّرَابِ- ثُمَّ أَسْکَنْتَنِی الْأَصْلَابَ آمِناً لِرَیْبِ الْمَنُونِ وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ- فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَی رَحِمٍ- فِی تَقَادُمِ الْأَیَّامِ الْمَاضِیَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِیَةِ- لَمْ تُخْرِجْنِی لِرَأْفَتِکَ بِی وَ لُطْفِکَ لِی- وَ إِحْسَانِکَ إِلَیَّ فِی دَوْلَةِ أَیَّامِ الْکَفَرَةِ- الَّذِینَ نَقَضُوا عَهْدَکَ وَ کَذَّبُوا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۲

رُسُلَکَ- لَکِنَّکَ أَخْرَجْتَنِی رَأْفَةً مِنْکَ وَ تَحَنُّناً عَلَیَّ- لِلَّذِی سَبَقَ لِی مِنَ الْهُدَی الَّذِی یَسَّرْتَنِی- وَ فِیهِ أَنْشَأْتَنِی وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِکَ رَؤُفْتَ بِی- بِجَمِیلِ صُنْعِکَ وَ سَوَابِغِ نِعْمَتِکَ- فَابْتَدَعْتَ خَلْقِی مِنْ مَنِیٍّ یُمْنَی- ثُمَّ أَسْکَنْتَنِی فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَ جِلْدٍ وَ دَمٍ- لَمْ تُشَهِّرْنِی بِخَلْقِی وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَیَّ شَیْئاً مِنْ أَمْرِی- ثُمَّ أَخْرَجْتَنِی إِلَی الدُّنْیَا تَامّاً سَوِیّاً- وَ حَفِظْتَنِی فِی الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِیّاً- وَ رَزَقْتَنِی مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِیّاً عَطَفْتَ عَلَیَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ- وَ کَفَّلْتَنِی الْأُمَّهَاتِ الرَّحَائِمَ- وَ کَلَأْتَنِی مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ- وَ سَلَّمْتَنِی مِنَ الزِّیَادَةِ وَ النُّقْصَانِ- فَتَعَالَیْتَ یَا رَحِیمُ یَا رَحْمَانُ- حَتَّی إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقاً بِالْکَلَامِ أَتْمَمْتَ عَلَیَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ- فَرَبَّیْتَنِی زَائِداً فِی کُلِّ عَامٍ حَتَّی إِذَا کَمَلَتْ فِطْرَتِی- وَ اعْتَدَلَتْ سَرِیرَتِی أَوْجَبْتَ عَلَیَّ حُجَّتَکَ- بِأَنْ أَلْهَمْتَنِی مَعْرِفَتَکَ وَ رَوَّعْتَنِی بِعَجَائِبِ فِطْرَتِکَ- وَ أَنْطَقْتَنِی لِمَا ذَرَأْتَ فِی سَمَائِکَ وَ أَرْضِکَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِکَ- وَ نَبَّهْتَنِی لِذِکْرِکَ وَ شُکْرِکَ وَ وَاجِبِ طَاعَتِکَ وَ عِبَادَتِکَ- وَ فَهَّمْتَنِی مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُکَ وَ یَسَّرْتَ لِی تَقَبُّلَ مَرْضَاتِکَ- وَ مَنَنْتَ عَلَیَّ فِی جَمِیعِ ذَلِکَ بِعَوْنِکَ وَ لُطْفِکَ- ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِی مِنْ حُرِّ الثَّرَی لَمْ تَرْضَ لِی یَا إِلَهِی بِنِعْمَةٍ دُونَ أُخْرَی- وَ رَزَقْتَنِی مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صُنُوفِ الرِّیَاشِ بِمَنِّکَ الْعَظِیمِ عَلَیَّ- وَ إِحْسَانِکَ الْقَدِیمِ إِلَیَّ حَتَّی إِذَا أَتْمَمْتَ عَلَیَّ جَمِیعَ النِّعَمِ- وَ صَرَفْتَ عَنِّی کُلَّ النِّقَمِ- لَمْ یَمْنَعْکَ جَهْلِی وَ جُرْأَتِی عَلَیْکَ- أَنْ دَلَلْتَنِی عَلَی مَا یُقَرِّبُنِی إِلَیْکَ- وَ وَفَّقْتَنِی

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۳

لِمَا یُزْلِفُنِی لَدَیْکَ- فَإِنْ دَعَوْتُکَ أَجَبْتَنِی وَ إِنْ سَأَلْتُکَ أَعْطَیْتَنِی- وَ إِنْ أَطَعْتُکَ شَکَرْتَنِی وَ إِن شَکَرْتَنِی زِدْتَنِی- کُلُّ ذَلِکَ إِکْمَالًا لِأَنْعُمِکَ عَلَیَّ وَ إِحْسَاناً إِلَیَّ- فَسُبْحَانَکَ سُبْحَانَکَ مِنْ مُبْدِئٍ- مُعِیدٍ حَمِیدٍ مَجِیدٍ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ وَ عَظُمَتْ آلَاؤُکَ- فَأَیُّ أَنْعُمِکَ یَا إِلَهِی أُحْصِی عَدَداً أَوْ ذِکْراً- أَمْ أَیُّ عَطَایَاکَ أَقُومُ بِهَا شُکْراً- وَ هِیَ یَا رَبِّ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ یُحْصِیَهَا الْعَادُّونَ- أَوْ یَبْلُغَ عِلْماً بِهَا

الْحَافِظُونَ- ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَ الضَّرَّاءِ أَكْثَرُ- مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ- وَ أَنَا أَشْهَدُكَ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي- وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي- وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَ عَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي- وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي- وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَ مَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي- وَ مَا ضُمَّتْ وَ أُطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ- وَ حَرَكَاتُ لَفْظِ لِسَانِي وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي- وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَ بُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي- وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ حِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي- وَ جُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي- وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي- وَ أَفْلَاذِ حَوَاشِي كَبِدِي وَ مَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ أَضْلَاعِي- وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي وَ أَطْرَافِ أَنَامِلِي- وَ قَبْضِ عَوَامِلِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي- وَ بَشَرِي وَ عَصَبِي وَ قَصَبِي وَ عِظَامِي- وَ مُخِّي وَ عُرُوقِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي- وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامُ رَضَاعِي- وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَ نَوْمِي وَ يَقَظَتِي- وَ سُكُونِي وَ حَرَكَتِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي- أَنْ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۴

لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ- لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ- مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ- شُكْراً آنِفاً جَدِيداً وَ ثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً- أَجَلْ وَ لَوْ حَرَصْتُ وَ الْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ- أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفَةً وَ آنِفَةً- لَمَا حَصَرْنَاهُ عَدَداً وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَبَداً- هَيْهَاتَ أَنَّى ذَلِكَ وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ نَفْسِكَ- فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَ النَّبَإِ الصَّادِقِ- وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لٰا تُحْصُوهٰا- صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ نَبَؤُكَ- وَ بَلَّغَتْ أَنْبِيَاؤُكَ وَ رُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ- وَ شَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي أَشْهَدُ بِجِدِّي وَ جَهْدِي- وَ مَبَالِغِ طَاقَتِي وَ وُسْعِي وَ أَقُولُ مُؤْمِناً مُوقِناً- الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً فَيَكُونَ مَوْرُوثاً- وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ- وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ- لَوْ كٰانَ فِيهِمٰا آلِهَةٌ إِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتٰا وَ تَفَطَّرَتَا- فَسُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ- الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ- الْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً يَعْدِلُ- حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ- وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ- خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ- در آن موقع امام علیه السلام دعا را قطع کرد و از خداونـد در خواست هایی نمود و در حالی که اشک ها از دیدگان مبارکش سرازیر می شد، فرمود:

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۵

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ- وَ لَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِرْ لِي فِي قَضَائِكَ- وَ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ حَتَّى- لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ- اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي- وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي- وَ مَتِّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي- وَ انْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ ارْزُقْنِي مَآرِبِي وَ ثَأْرِي وَ أَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي- اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي- وَ اخْسَأْ شَيْطَانِي وَ فُكَّ رِهَانِي- وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى- اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً- وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي حَيّاً سَوِيّاً- رَحْمَةً بِي وَ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً- رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَّلْتَ فِطْرَتِي- رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي- يَا رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ بِي وَ فِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي- رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي- رَبِّ بِمَا آوَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ آتَيْتَنِي وَ أَعْطَيْتَنِي- رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَ أَقْنَيْتَنِي- رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَ أَعْزَزْتَنِي رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ الصَّافِي- وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ أَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ- الدَّهْرِ وَ صُرُوفِ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي- وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرُبَاتِ الْآخِرَةِ- وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ- اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَ مَا أَحْذَرُ فَقِنِي- وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۶

فَاحْرُسْنِي وَ فِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي- وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي فَاخْلُفْنِي وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي- وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي- وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي- وَ بِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي- وَ نِعَمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَ

إِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي- إِلَى مَنْ تَكِلُنِي إِلَى الْقَرِيبِ يَقْطَعُنِي- أَمْ إِلَى الْبَعِيدِ يَتَجَهَّمُنِي أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي- وَ أَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكُ أَمْرِي- أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بُعْدَ دَارِي وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي- اللَّهُمَّ فَلَا تُحْلِلْ بِي غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ- فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي- فَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ- وَ انْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ- وَ صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ- أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَ لَا تُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ- لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ- الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمَنَةً- يَا مَنْ عَفَا عَنِ الْعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ- يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَةَ بِفَضْلِهِ- يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ- يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي يَا مُونِسِي فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي- يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ- وَ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ- وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ- وَ مُنْزِلَ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۷

التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ- وَ مُنْزِلَ كهيعص وَ طه وَ يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ- أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا- وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا- وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ- وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ لِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ- يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرِّفْعَةِ وَ أَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ- يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ- فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ- تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ- وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَانُ وَ الدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ- يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ- يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ- يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً- يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ- وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكاً- يَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ- بَعْدَ أَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ- يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ- يَا مُمْسِكَ يَدِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ- يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى- وَ لَمْ يَدَعْهُ فَرْداً وَحِيداً- يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ- يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ- فَأَنْجَاهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ- يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ- يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ- يَا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ- وَ قَدْ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۸

غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ- وَ قَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ- يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ لَا بَدْءَ لَكَ دَائِماً يَا دَائِماً لَا نَفَادَ لَكَ- يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى- يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ- يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ عَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي- وَ رَآنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي- يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي- يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى يَا مَنْ نِعَمُهُ عِنْدِي لَا تُجَازَى- يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ- وَ عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَ الْعِصْيَانِ- يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الِامْتِنَانِ- يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي وَ عُرْيَاناً فَكَسَانِي- وَ جَائِعاً فَأَطْعَمَنِي وَ عَطْشَاناً فَأَرْوَانِي- وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي- وَ وَحِيداً فَكَثَّرَنِي وَ غَائِباً فَرَدَّنِي- وَ مُقِلًّا فَأَغْنَانِي وَ مُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي- وَ غَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي- فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفَّسَ كُرْبَتِي- وَ أَجَابَ دَعْوَتِي وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ ذُنُوبِي- وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي- وَ إِنْ أَعُدَّ نِعَمَكَ وَ مِنَنَكَ وَ كَرَائِمَ مِنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ- أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ- أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ- أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ- أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ- أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ- أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۰۹

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ- أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ- أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ- أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ- أَنْتَ الَّذِي أَعْزَزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ- أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ- أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ- أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ رَبِّي وَ تَعَالَيْتَ- فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِماً وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً- ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي- أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي أَغْفَلْتُ- أَنَا الَّذِي جَهِلْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ- أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ- أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي

وَعَدْتُ- أَنَا الَّذِی أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِی نَكَثْتُ- أَنَا الَّذِی أَقْرَرْتُ إِلَهِی أَعْتَرِفُ بِنِعْمَتِكَ عِنْدِی- وَ أَبُوءُ بِذُنُوبِی فَاغْفِرْ لِی یَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ- وَ هُوَ الْغَنِیُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ- وَ الْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ صَالِحاً بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ- فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِی أَمَرْتَنِی فَعَصَیْتُكَ- وَ نَهَیْتَنِی فَارْتَكَبْتُ نَهْیَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرَ- وَ لَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ فَبِأَیِّ شَیْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ یَا مَوْلَایَ- أَ بِسَمْعِی أَمْ بِبَصَرِی أَمْ بِلِسَانِی أَمْ بِرِجْلِی- أَ لَیْسَ كُلُّهَا نِعَمَكَ عِنْدِی وَ بِكُلِّهَا عَصَیْتُكَ یَا مَوْلَایَ- فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِیلُ عَلَیَّ- یَا مَنْ سَتَرَنِی مِنَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ أَنْ یَزْجُرُونِی- وَ مِنَ الْعَشَائِرِ وَ الْإِخْوَانِ- أَنْ یُعَیِّرُونِی- وَ مِنَ السَّلَاطِینِ أَنْ یُعَاقِبُونِی وَ لَوِ اطَّلَعُوا- یَا مَوْلَایَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی- إِذاً مَا أَنْظَرُونِی وَ لَرَفَضُونِی وَ قَطَعُونِی- فَهَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْكَ یَا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۰

سَیِّدِی- خَاضِعاً- ذَلِیلًا حَقِیراً لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرَ- وَ لَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ وَ لَا حُجَّةَ لِی فَأَحْتَجَّ بِهَا- وَ لَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءاً- وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ یَا مَوْلَایَ فَیَنْفَعُنِی- وَ كَیْفَ وَ أَنَّى ذَلِكَ وَ جَوَارِحِی كُلُّهَا شَاهِدَةٌ- عَلَیَّ بِمَا قَدْ عَلِمْتُ یَقِیناً غَیْرَ ذِی شَكٍّ- أَنَّكَ سَائِلِی عَنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ- وَ أَنَّكَ الْحَكِیمُ الْعَدْلُ الَّذِی لَا یَجُورُ- وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِی وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِی- فَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَبِذُنُوبِی یَا مَوْلَایَ بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَیَّ- وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الرَّاجِینَ الرَّاغِبِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ السَّائِلِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلِینَ الْمُسَبِّحِینَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّی وَ رَبُّ آبَائِیَ الْأَوَّلِینَ- اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِی عَلَیْكَ مُمَجِّداً- وَ إِخْلَاصِی مُوَحِّداً وَ إِقْرَارِی بِآلَائِكَ مُعِدّاً- وَ إِنْ كُنْتُ مُقِرّاً- أَنِّی لَا أُحْصِیهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا- وَ تَظَاهُرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۱

حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ- تَتَعَمَّدُنِی بِهِ مَعَهَا مُذْ خَلَقْتَنِی وَ بَرَأْتَنِی- مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ- وَ كَشْفِ الضُّرِّ وَ تَسْبِیبِ الْیُسْرِ وَ دَفْعِ الْعُسْرِ- وَ تَفْرِیجِ الْكَرْبِ وَ الْعَافِیَةِ فِی الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةِ فِی الدِّینِ- وَ لَوْ رَفَدَنِی عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ- عَلَیَّ جَمِیعُ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ- لَمَا قَدَرْتُ وَ لَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ- تَقَدَّسْتَ وَ تَعَالَیْتَ مِنْ رَبٍّ عَظِیمٍ كَرِیمٍ رَحِیمٍ- لَا تُحْصَى آلَاؤُكَ وَ لَا یُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَ لَا تُكَافَى نَعْمَاؤُكَ- صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتْمِمْ عَلَیْنَا نِعْمَتَكَ- وَ أَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِیبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ- وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغِیثُ الْمَكْرُوبَ- وَ تَشْفِی السَّقِیمَ وَ تُغْنِی الْفَقِیرَ وَ تَجْبُرُ الْكَسِیرَ- وَ تَرْحَمُ الصَّغِیرَ وَ تُعِینُ الْكَبِیرَ وَ لَیْسَ دُونَكَ ظَهِیرٌ- وَ لَا فَوْقَكَ قَدِیرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِیُّ الْكَبِیرُ- یَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِیرِ یَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِیرِ- یَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِیرِ یَا مَنْ لَا شَرِیكَ لَهُ وَ لَا وَزِیرَ- صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی فِی هَذِهِ الْعَشِیَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَیْتَ- وَ أَنَلْتَ أَحَداً مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُولِیهَا وَ آلَاءٍ تُجَدِّدُهَا- وَ بَلِیَّةٍ تَصْرِفُهَا وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا- وَ حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا وَ سَیِّئَةٍ تَغْفِرُهَا- إِنَّكَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ وَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ- اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِیَ وَ أَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ- وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ- یَا رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِیمَهُمَا لَیْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ- وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِی- وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَیْتَنِی وَ رَغِبْتُ إِلَیْكَ فَرَحِمْتَنِی- وَ وَثِقْتُ بِكَ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۲

فَنَجَّیْتَنِی وَ فَزِعْتُ إِلَیْكَ فَكَفَیْتَنِی- اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ نَبِیِّكَ- وَ عَلَى آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ أَجْمَعِینَ- وَ تَمِّمْ لَنَا نَعْمَاءَكَ وَ هَنِّئْنَا عَطَاءَكَ- وَ اجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِینَ وَ لِآلَائِكَ ذَاكِرِینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ- اللَّهُمَّ یَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ وَ قَدَرَ فَقَهَرَ- وَ عُصِیَ فَسَتَرَ وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ- یَا غَایَةَ الرَّاغِبِینَ وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِینَ- یَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْماً وَ وَسِعَ الْمُسْتَقِیلِینَ رَأْفَةً وَ حِلْماً- اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَیْكَ فِی هَذِهِ الْعَشِیَّةِ- الَّتِی شَرَّفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ- وَ رَسُولِكَ وَ خِیَرَتِكَ وَ أَمِینِكَ عَلَى وَحْیِكَ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْبَشِیرِ النَّذِیرِ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ- الَّذِی أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِینَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ- اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلُ ذَلِكَ یَا

عَظِيمُ- فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِينَ- الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ تَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا- فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ- وَ اجْعَلْ لَنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ- وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا- وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ بَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا- وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ- اللَّهُمَّ اقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ- مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ- وَ لَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ- وَ لَا تَرُدَّنَا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۳

خَائِبِينَ وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ- وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ- وَ لَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايَاكَ قَانِطِينَ- يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ- إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِّينَ قَاصِدِينَ- فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا- وَ اعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا- وَ هِيَ بِذِلَّةِ الِاعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ- اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ- فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ- مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ قَضَاؤُكَ- اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ- اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَ كَرِيمَ الذُّخْرِ وَ دَوَامَ الْيُسْرِ- فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا- أَجْمَعِينَ وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ- وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ- اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ- وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ- وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ فَغَفَرْتَهَا لَهُ- يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَفِّقْنَا وَ سَدِّدْنَا وَ اعْصِمْنَا وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ- وَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ- وَ لَا لَحْظُ الْعُيُونِ وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ- وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ- أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ- سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً- تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا فِيهِنَّ- وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ- فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجِدِّ- يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْأَيَادِي الْجِسَامِ- وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ- أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۴

وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي- وَ آمِنْ خَوْفِي وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ- اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَخْذُلْنِي- وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ در این هنگام سر به آسمان نمود، در حالی که اشک از چشمان او سرازیر می شد، با صدای بلند گفت:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ- وَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ- وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِيَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي- وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي- أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ- لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ- وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ امام علیه السلام زیاد «یا رب» می گفت، کسانی که اطراف آن حضرت بودند و به شنیدن دعای او و گفتن «آمین» اکتفا کرده بودند، صدای گریه همگان بلند شد و تا غروب خورشید عرفه ادامه داشت، سپس راهی مشع الحرام شدند.

سید بن طاووس می نویسد: حضرت پس‌از «یا رب، یا رب، یا رب ...»: این دعا را نیز خواند:

- إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيراً فِي فَقْرِي- إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي- إِلَهِي إِنَّ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۵

اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ- مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ- إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ- إِلَهِي مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَ مِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ- إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي- أَ فَتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي- إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ- وَ إِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ- إِلَهِي كَيْفَ تَكِلُنِي وَ قَدْ تَوَكَّلْتَ لِي- وَ كَيْفَ أُضَامُ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَ أَنْتَ الْحَفِيُّ بِي- هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ- وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ- أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ- أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ- أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ- أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ- إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ

عَظِیم جَهْلِی- وَ مَا أَرْحَمَکَ بِی مَعَ قَبِیحِ فِعْلِی- إِلَهِی مَا أَقْرَبَکَ مِنِّی وَ أَبْعَدَنِی عَنْکَ- وَ مَا أَرْأَفَکَ بِی فَمَا الَّذِی یَحْجُبُنِی عَنْکَ- إِلَهِی عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ- أَنَّ مُرَادَکَ مِنِّی أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَیَّ- فِی کُلِّ شَیْءٍ حَتَّی لَا أَجْهَلَکَ فِی شَیْءٍ- إِلَهِی کُلَّمَا أَخْرَسَنِی لُؤْمِی أَنْطَقَنِی کَرَمُکَ- وَ کُلَّمَا آیَسَتْنِی أَوْصَافِی أَطْمَعَتْنِی مِنَنُکَ- إِلَهِی مَنْ کَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِیَ فَکَیْفَ لَا تَکُونُ مَسَاوِیهِ مَسَاوِیَ- وَ مَنْ کَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِیَ فَکَیْفَ لَا تَکُونُ دَعَاوِیهِ دَعَاوِیَ- إِلَهِی حُکْمُکَ النَّافِذُ وَ مَشِیَّتُکَ الْقَاهِرَةُ- لَمْ یَتْرُکَا

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۶

لِذِی مَقَالٍ مَقَالًا وَ لَا لِذِی حَالٍ حَالًا- إِلَهِی کَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَیْتُهَا وَ حَالَةٍ شَیَّدْتُهَا- هَدَمَ اعْتِمَادِی عَلَیْهَا عَدْلُکَ بَلْ أَقَالَنِی مِنْهَا فَضْلُکَ- إِلَهِی إِنَّکَ تَعْلَمُ أَنِّی وَ إِنْ لَمْ تَدُمِ الطَّاعَةُ مِنِّی فِعْلًا جَزْماً- فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَ عَزْماً- إِلَهِی کَیْفَ أَعْزِمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ وَ کَیْفَ لَا أَعْزِمُ وَ أَنْتَ الْآمِرُ- إِلَهِی تَرَدُّدِی فِی الْآثَارِ یُوجِبُ بُعْدَ الْمَزَارِ- فَاجْمَعْنِی عَلَیْکَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِی إِلَیْکَ- کَیْفَ یُسْتَدَلُّ عَلَیْکَ بِمَا هُوَ فِی وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَیْکَ- أَ یَکُونُ لِغَیْرِکَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَیْسَ لَکَ- حَتَّی یَکُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَکَ- مَتَی غِبْتَ حَتَّی تَحْتَاجَ إِلَی دَلِیلٍ یَدُلُّ عَلَیْکَ- وَ مَتَی بَعُدْتَ حَتَّی تَکُونَ الْآثَارُ هِیَ الَّتِی تُوصِلُ إِلَیْکَ- عَمِیَتْ عَیْنٌ لَا تَرَاکَ عَلَیْهَا رَقِیباً- وَ خَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّکَ نَصِیباً- إِلَهِی أَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ إِلَی الْآثَارِ- فَارْجِعْنِی إِلَیْکَ بِکِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَایَةِ الِاسْتِبْصَارِ- حَتَّی أَرْجِعَ إِلَیْکَ مِنْهَا کَمَا دَخَلْتُ إِلَیْکَ مِنْهَا- مَصُونَ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَیْهَا وَ مَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الِاعْتِمَادِ عَلَیْهَا- إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ- إِلَهِی هَذَا ذُلِّی ظَاهِرٌ بَیْنَ یَدَیْکَ- وَ هَذَا حَالِی لَا یَخْفَی عَلَیْکَ- مِنْکَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَیْکَ وَ بِکَ أَسْتَدِلُّ عَلَیْکَ- فَاهْدِنِی بِنُورِکَ إِلَیْکَ- وَ أَقِمْنِی بِصِدْقِ الْعُبُودِیَّةِ بَیْنَ یَدَیْکَ- إِلَهِی عَلِّمْنِی مِنْ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ وَ صُنِّی بِسِتْرِکَ الْمَصُونِ- إِلَهِی حَقِّقْنِی بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْلُکْ بِی مَسْلَکَ أَهْلِ الْجَذْبِ- إِلَهِی أَغْنِنِی بِتَدْبِیرِکَ لِی عَنْ تَدْبِیرِی وَ بِاخْتِیَارِکَ عَنِ اخْتِیَارِی-

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۷

وَ أَوْقِفْنِی عَلَی مَرَاکِزِ اضْطِرَارِی إِلَهِی أَخْرِجْنِی مِنْ ذُلِّ نَفْسِی وَ طَهِّرْنِی مِنْ شَکِّی وَ شِرْکِی قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِی- بِکَ أَنْتَصِرُ فَانْصُرْنِی وَ عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ فَلَا تَکِلْنِی- وَ إِیَّاکَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَیِّبْنِی وَ فِی فَضْلِکَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِی- وَ بِجَنَابِکَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِی وَ بِبَابِکَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِی- إِلَهِی تَقَدَّسَ رِضَاکَ أَنْ تَکُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْکَ- فَکَیْفَ یَکُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّی- إِلَهِی أَنْتَ الْغَنِیُّ بِذَاتِکَ أَنْ یَصِلَ إِلَیْکَ النَّفْعُ مِنْکَ- فَکَیْفَ لَا تَکُونُ غَنِیّاً عَنِّی- إِلَهِی إِنَّ الْقَضَاءَ وَ الْقَدَرَ یُمَنِّینِی- وَ إِنَّ الْهَوَی بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسَرَنِی- فَکُنْ أَنْتَ النَّصِیرَ لِی حَتَّی تَنْصُرَنِی وَ تُبَصِّرَنِی- وَ أَغْنِنِی بِفَضْلِکَ حَتَّی أَسْتَغْنِیَ بِکَ عَنْ طَلَبِی- أَنْتَ الَّذِی أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِی قُلُوبِ أَوْلِیَائِکَ- حَتَّی عَرَفُوکَ وَ وَحَّدُوکَ- وَ أَنْتَ الَّذِی أَزَلْتَ الْأَغْیَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِکَ- حَتَّی لَمْ یُحِبُّوا سِوَاکَ وَ لَمْ یَلْجَئُوا إِلَی غَیْرِکَ- أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَیْثُ أَوْحَشَتْهُمُ الْعَوَالِمُ- وَ أَنْتَ الَّذِی هَدَیْتَهُمْ حَیْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ- مَا ذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَکَ وَ مَا الَّذِی فَقَدَ مَنْ وَجَدَکَ- لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِیَ دُونَکَ بَدَلًا وَ لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَی عَنْکَ مُتَحَوَّلًا- کَیْفَ یُرْجَی سِوَاکَ وَ أَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ- وَ کَیْفَ یُطْلَبُ مِنْ غَیْرِکَ وَ أَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الِامْتِنَانِ- یَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ مُتَمَلِّقِینَ- وَ یَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِیَاءَهُ مَلَابِسَ هَیْبَتِهِ فَقَامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ مُسْتَغْفِرِینَ- أَنْتَ الذَّاکِرُ قَبْلَ الذَّاکِرِینَ- وَ أَنْتَ الْبَادِی بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِینَ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۸

- وَ أَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِینَ- وَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِینَ- إِلَهِی اطْلُبْنِی بِرَحْمَتِکَ حَتَّی أَصِلَ إِلَیْکَ- وَ اجْذِبْنِی بِمَنِّکَ حَتَّی أُقْبِلَ إِلَیْکَ- إِلَهِی إِنَّ رَجَائِی لَا یَنْقَطِعُ عَنْکَ وَ إِنْ عَصَیْتُکَ- کَمَا أَنَّ خَوْفِی لَا یُزَایِلُنِی وَ إِنْ أَطَعْتُکَ- فَقَدْ دَفَعَتْنِی الْعَوَالِمُ إِلَیْکَ وَ قَدْ أَوْقَعَنِی عِلْمِی بِکَرَمِکَ عَلَیْکَ- إِلَهِی کَیْفَ أَخِیبُ وَ أَنْتَ أَمَلِی- أَمْ کَیْفَ أُهَانُ وَ عَلَیْکَ مُتَّکَلِی- إِلَهِی کَیْفَ أَسْتَعِزُّ وَ فِی الذِّلَّةِ أَرْکَزْتَنِی- أَمْ کَیْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ إِلَیْکَ نَسَبْتَنِی- إِلَهِی کَیْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِی فِی الْفُقَرَاءِ- أَقَمْتَنِی أَمْ کَیْفَ أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِی بِجُودِکَ أَغْنَیْتَنِی- وَ أَنْتَ الَّذِی لَا إِلَهَ غَیْرُکَ تَعَرَّفْتَ لِکُلِّ شَیْءٍ فَمَا جَهِلَکَ شَیْءٌ- وَ أَنْتَ الَّذِی تَعَرَّفْتَ إِلَیَّ فِی کُلِّ شَیْءٍ- فَرَأَیْتُکَ ظَاهِراً فِی کُلِّ شَیْءٍ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ لِکُلِّ شَیْءٍ- یَا مَنِ اسْتَوَی بِرَحْمَانِیَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَیْباً فِی ذَاتِهِ- مَحَقْتَ الْآثَارَ

بِالْآثَارِ- وَ مَحَوْتَ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ- يَا مَنِ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ- يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الِاسْتِوَاءِ- كَيْفَ تَخْفَى وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ- أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَ أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ- إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۱۹

## [دعاء كميل بن زياد رحمه الله]

دعاء كميل بن زياد رحمه الله اللهم إني أسألك برحمتك التي وسعت كل شيء و بقوتك التي قهرت بها كل شيء و خضع لها كل شيء و ذل لها كل شيء و بجبروتك التي غلبت بها كل شيء و بعزتك التي لا يقوم لها شيء و بعظمتك التي ملأت كل شيء و بسلطانك الذي علا كل شيء و بوجهك الباقي بعد فناء كل شيء و بأسمائك التي ملأت [غلبت] أركان كل شيء و بعلمك الذي أحاط بكل شيء و بنور وجهك الذي أضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا أول الأولين و يا آخر الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب أذنبته و كل خطيئة أخطأتها اللهم إني أتقرب إليك بذكرك و أستشفع بك إلى نفسك و أسألك بجودك أن تدنيني من قربك و أن توزعني شكرك و أن تلهمني ذكرك اللهم إني أسألك سؤال خاضع متذلل خاشع أن تسامحني و ترحمني و تجعلني بقسمك راضيا قانعا و في جميع الأحوال متواضعا اللهم و أسألك سؤال من

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲۰

اشتدت فاقته و أنزل بك عند الشدائد حاجته و عظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك و علا مكانك و خفي مكرك و ظهر أمرك و غلب قهرك و جرت قدرتك و لا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا و لا لقبائحي ساترا و لا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا إله إلا أنت سبحانك و بحمدك ظلمت نفسي و تجرأت بجهلي و سكنت إلى قديم ذكرك لي و منك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته و كم من فادح من البلاء أقلته [أملته] و كم من عثار وقيته و كم من مكروه دفعته و كم من ثناء جميل لست أهلا له نشرته اللهم عظم بلائي و أفرط بي سوء حالي و قصرت [قصرت] بي أعمالي و قعدت بي أغلالي و حبسني عن نفعي بعد أملي [آمالي] و خدعتني الدنيا بغرورها و نفسي بجنايتها [بخيانتها] و مطالي يا سيدي فأسألك بعزتك أن لا يحجب عنك دعائي سوء عملي و فعالي و لا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري و لا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي و إساءتي و دوام تفريطي و جهالتي و كثرة شهواتي و غفلتي و كن اللهم بعزتك لي في كل الأحوال [في الأحوال كلها] رءوفا و علي في جميع الأمور عطوفا إلهي و ربي من لي غيرك أسأله كشف ضري و النظر في أمري إلهي و مولاي أجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي و لم أحترس فيه من تزيين عدوي

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲۱

فغرني بما أهوى و أسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض [من نقض] حدودك و خالفت بعض أوامرك فلك الحمد [الحجة] علي في جميع ذلك و لا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك و ألزمني حكمك و بلاؤك و قد أتيتك يا إلهي بعد تقصيري و إسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا أجد مفرا مما كان مني و لا مفزعا أتوجه إليه في أمري غير قبولك عذري و إدخالك إياي في سعة [سعة من] رحمتك اللهم [إلهي] فاقبل عذري و ارحم شدة ضري و فكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني و رقة جلدي و دقة عظمي يا من بدأ خلقي و ذكري و تربيتي و بري و تغذيتي هبني لابتداء كرمك و سالف برك بي يا إلهي و سيدي و ربي أ تراك معذبي بنارك بعد توحيدك و بعد ما انطوى عليه قلبي من

معرفتك و لهج به لسانى من ذكرك و اعتقده ضميرى من حبك و بعد صدق اعترافى و دعائى خاضعا لربوبيتك هيهات أنت أكرم من أن تضيع من ربيته أو تبعد [تبعد] من أدنيته أو تشرد من آويته أو تسلم إلى البلاء من كفيته و رحمته و ليت شعرى يا سيدى و إلهى و مولاى أ تسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة و على ألسن نطقت بتوحيدك صادقة و بشكرك مادحة و على قلوب اعترفت بإلهيتك محققة و على ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة و على جوارح سعت إلى

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲۲

أوطان تعبدك طائعة و أشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك و لا أخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب و أنت تعلم ضعفى عن قليل من بلاء الدنيا و عقوباتها و ما يجرى فيها من المكاره على أهلها على أن ذلك بلاء و مكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالى لبلاء الآخرة و جليل [حلول] وقوع المكاره فيها و هو بلاء تطول مدته و يدوم مقامه و لا يخفف عن أهله لأنه لا يكون إلا عن غضبك و انتقامك و سخطك و هذا ما لا تقوم له السماوات و الأرض يا سيدى فكيف لى [بى] و أنا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا إلهى و ربى و سيدى و مولاى لأى الأمور إليك أشكو و لما منها أضج و أبكى لأليم العذاب و شدته أم لطول البلاء و مدته فلئن صيرتنى للعقوبات مع أعدائك و جمعت بينى و بين أهل بلائك و فرقت بينى و بين أحبائك و أوليائك فهبنى يا إلهى و سيدى و مولاى و ربى صبرت على عذابك فكيف أصبر على فراقك و هبنى [يا إلهى] صبرت على حر نارك فكيف أصبر عن النظر إلى كرامتك أم كيف أسكن فى النار و رجائى عفوك فبعزتك يا سيدى و مولاى أقسم صادقا لئن تركتنى ناطقا لأضجن إليك بين أهلها ضجيج الآملين [الآلمين] و لأصرخن إليك صراخ المستصرخين و لأبكين عليك بكاء الفاقدين و لأنادينك أين كنت يا ولى المؤمنين يا غاية آمال

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲۳

العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين و يا إله العالمين أ فتراك سبحانك يا إلهى و بحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن [يسجن] فيها بمخالفته و ذاق طعم عذابها بمعصيته و حبس بين أطباقها بجرمه و جريرته و هو يضج إليك ضجيج مؤمل لرحمتك و يناديك بلسان أهل توحيدك و يتوسل إليك بربوبيتك يا مولاى فكيف يبقى فى العذاب و هو يرجو ما سلف من حلمك أم كيف تؤلمه النار و هو يأمل فضلك و رحمتك أم كيف يحرقه لهيبها و أنت تسمع صوته و ترى مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرها و أنت تعلم ضعفه أم كيف يتقلقل بين أطباقها و أنت تعلم صدقه أم كيف تزجره زبانيتها و هو يناديك يا ربه أم كيف يرجو فضلك فى عتقه منها فتتركه [فتتركه] فيها هيهات ما ذلك الظن بك و لا المعروف من فضلك و لا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك و إحسانك فباليقين أقطع لو لا ما حكمت به من تعذيب جاحديك و قضيت به من إخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا و سلاما و ما كان [كانت] لأحد فيها مقرا و لا مقاما [مقاما] لكنك تقدست أسماؤك أقسمت أن تملأها من الكافرين من الجنة و الناس أجمعين و أن تخلد فيها المعاندين و أنت جل ثناؤك قلت مبتدئا و تطولت بالإنعام متكرما أ فمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون إلهى و سيدى فأسألك بالقدرة التى قدرتها و بالقضية التى

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲۴

حتمتها و حكمتها و غلبت من عليه أجريتها أن تهب لى فى هذه الليلة و فى هذه الساعة كل جرم أجرمته و كل ذنب أذنبته و كل قبيح أسررته و كل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته و كل سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون منى و جعلتهم شهودا على مع جوارحى و كنت أنت الرقيب على من ورائهم و الشاهد لما خفى عنهم و برحمتك أخفيته و بفضلك سترته و أن توفر حظى من كل خير أنزلته [تنزله] أو إحسان فضلته [تفضله] أو بر نشرته [تنشره] أو رزق بسطته [تبسطه] أو ذنب تغفره أو خطإ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهى و سيدى و مولاى و مالك رقى يا من بيده ناصيتى يا عليما بضرى [بفقرى] و مسكنتى يا خبيرا بفقرى و فاقتى يا رب يا رب يا رب أسألك بحقك و قدسك و أعظم صفاتك و أسمائك أن تجعل أوقاتى من [فى] الليل و

النهار بـذکرک معمورة و بخـدمتک موصولـة و أعمـالی عنـدک مقبولـة حتی تکون أعمالی و أورادی [إرادتی] کلها وردا واحـدا و حالی فی خـدمتک سـرمدا یا سـیدی یا من علیه معولی یا من إلیه شـکوت أحوالی یا رب یا رب یا رب قو علی خـدمتک جوارحی و اشـدد علی العزیمـة جوانحی و هب لی الجـد فی خشـیتک و الـدوام فی الاتصال بخـدمتک حتی أسـرح إلیک فی میادین السابقین و أسرع إلیک فی البارزین [المبادرین] و أشتاق إلی قربک فی المشتاقین و أدنو منک دنو

مناسک حج و احکام عمره (سبحانی)، ص: ۲۲۵

المخلصـین و أخافک مخافة الموقنین و أجتمع فی جوارک مع المؤمنین اللهم و من أرادنی بسوء فأرده و من کادنی فکـده و اجعلنی من أحسن عبیـدک نصیبا عنـدک و أقربهم منزلـة منک و أخصـهم زلفـة لدیک فإنه لا ینال ذلک إلا بفضـلک و جد لی بجودک و اعطف علی بمجـدک و احفظنی برحمتـک و اجعـل لسـانی بـذکرک لهجـا و قلبی بحبـک متیمـا و من علی بحسن إجابتک و أقلنی عثرتی و اغفر زلتی فإنـک قضیت علی عبـادک بعبادتـک و أمرتهم بـدعائک و ضـمنت لهم الإجابـة فإلیک یا رب نصـبت وجهی و إلیـک یـا رب مـددت یـدی فبعزتک اسـتجب لی دعائی و بلغنی منای و لا تقطع من فضـلک رجائی و اکفنی شـر الجن و الإنس من أعدائی یا سـریع الرضا اغفر لمن لا یملک إلا الدعاء فإنک فعال لما تشاء یا من اسـمه دواء و ذکره شفاء و طاعته غنی ارحم من رأس ماله الرجاء و سـلاحه البکاء یا سابغ النعم یا دافع النقم یا نور المستوحشین فی الظلم یا عالما لا یعلم صل علی؟ محمد؟ و؟ آل محمد؟ و افعل بی ما أنت أهله و صلی الله علی رسوله و الأئمة الْمَیَامِینِ مِنْ آلِهِ [أَهْلِهِ] وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً [کَثِیراً]

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سره الشـریف ) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹